

مطالعه تطبیقی جای خالی سلوچ و گرپس آف ریت

پایان نامه برای دریافت دکتری زبان و ادبیات فارسی

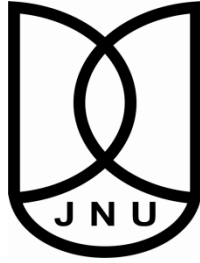
از دانشگاه جواهر لعل نهرو

نگارش

سشیل کمار

استاد راهنما

پروفسور شیخ اشتیاق احمد



مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادب و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو-۱۱۰۰۶۷

۲۰۲۱



जवाहरलाल नेहरू विश्वविद्यालय
Jawaharlal Nehru University

New Delhi-110067

Centre for Persian & Central Asian Studies

School of Language, Literature & Culture Studies

Date: 24/07/2021

DECLARATION

I declare that the thesis entitled “A Comparative Study of Ja-ye Khali-ye-Soluch and Grapes of Wrath” submitted by me for the award of the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY of Jawaharlal Nehru University is my own work. The thesis has not been submitted for any other degree of this University or any other University/Institution.

Sushil Kumar
(Research Scholar)

CERTIFICATE

We recommend that this thesis be placed before the examiners for evaluation.

Prof. SK. Ishtiaque Ahmed
(Supervisor)

Prof. Mazhar Asif
(Chairperson)



Prof. Ishtiaque Ahmed
Centre of Persian & Central Asian Studies
School of Language, Literature & Culture Studies
Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067 (India)



Chairperson
Centre of Persian &
Central Asian Studies
SLL&CS, Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این پایان نامه را تقدیم میکنم به بزرگترین و ارزشمندترین

آموزگاران زندگی ام که همواره برایم تکیه گاه امنی

و مطمئن بودند.

پدر و مادر عزیزم هزاران بار سپاس

فهرست

پیشگفتار..... ۱

فصل اول:

گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی ۶

فصل دوم:

گرایش های رمان نویسی انگلیسی: دوران جان استاین بک ۵۵

فصل سوم:

احوال و آثار محمود دولت آبادی و جان استاین بک ۸۶

فصل چهارم:

مطالعه تطبیقی و تحلیلی ادبی رمان جای خالی سلوچ و گرپس آف ریت ۱۲۳

نتیجه گیری ۱۶۶

منابع و مآخذ ۱۷۰

پیشگفتار

مطالعات تطبیقی حوزه مهمی از مطالعات ادبیات است که در آن بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات سرزمین های دیگر یا میان دو اثر نویسندگان هم زبان یا زبان های دیگر می شود. در این زمینه مطالعه به گونه ای انتخاب می شود که مقایسه پذیر و تطبیق پذیر باشد و حداقل دارای یک وجه اشتراک باشد.

کار پژوهش من مطالعه تطبیقی و تحلیلی از رمان های جای خالی سلوچ و گریس آف ریت یعنی خوشه های خشم است که نویسنده رمان جای خالی سلوچ محمود دولت آبادی است که اهل ایران است و نویسنده رمان خوشه های خشم جان استاین بک است که اهل آمریکا است. در زمینه رمان نویسی هر دو نویسنده کارهای مهمی را انجام داده اند و جان استاین بک در این زمینه برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

رمان جای خالی سلوچ تمام مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تحولات زندگی مردم روستای ایران دوران پیش از انقلاب اسلامی و ناموفق اصلاحات ارضی حکومت پهلوی را با کمک داستان این رمان آشکار می شود که می توانیم عناصر ویرانگری زندگی روستای ایران و ناپدید شدن بشریت در جامعه ایران را بفهمیم. او واقعیت های سیاه زمانه خود و منظره های زندگی مردم روستایی که مجبوراً مهاجرت می کنند، بیان می کند. رفرم اقتصادی شاه به ویژه اصلاحات ارضی که کشاورزان سبزواری زمین و فقیر شوند، قابل توجهی است. همچنین جان استاین بک در رمان خوشه های خشم اوضاع سیاسی و

اجتماعی که در دوره رکود بزرگ بوده، آن مسایل را در رمان خود، دردناک ترین رنج های بشری برای اجتماع کارگران و کشاورزان ایالت اوکلاهما با خوبی توضیح می دهد.

جان استاین بک احساس وطن پرستی و ترک وطن و جدایی از زمین ها، کشاورزان و مردم اوکلاهما، نشانه ای بی افتخاری و بی عزتی آنان را نشان می دهد و به این سبب آنها خیلی خشمگین شوند. جان استاین بک این خشم را بی عدالتی دولت قرار می دهد و کارگران و کشاورزان را به نگاهی خوشه های انگور تصویر می کند که هیچ وجود در جامعه ندارد. نقش های ناظر و کارکنان بانک نیز غایب بشریت و انسانیت و عدل و انصاف از جامعه آن زمان را اشکار می کنند.

رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم از لحاظ تاریخ و زندگی کشاورزی و مسایل اجتماعی، فیودالی، سرمایه داری، فقری، نظام طبقه بندی، وضعیت اقتصادی و مهاجرت کارگران و کشاورزان حایز اهمیت دارند که برای فهمیدن آن زمان خیلی کمک کننده می باشد.

عنوان پایان نامه من *مطالعه تطبیقی جای خالی سلوچ و گریپس آف ریت* است. من در این پایان نامه دکتری سعی کرده ام که مطالعات تطبیقی و تحلیلی ادبی رمان های هر دو نویسنده بپردازم و روابط و شباهت ها را از لحاظ مسایل و درگیری جامعه که نویسندگان توضیح داده اند، آن را ارایه بدهم.

پایان نامه دکتری من دارای چهار فصل است.

فصل اول: دربارهٔ گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی است. در این فصل دربارهٔ تاریخ رمان نویسی ایران و تعریف و پیدایش رمان در ایران، پیشرف رمان و اقسام آن را بیان شده است.

فصل دوم: دربارهٔ گرایش های رمان نویسی انگلیسی: دوران جان استاین بک است که در این فصل من درمورد تاریخ مختصری رمان نویسی انگلیسی و ادبیات آمریکا و گرایش های رمان نویسی آن زمان را ارایه نموده ام.

فصل سوم: احوال و آثار محمود دولت آبادی و جان استاین بک را در آورده ام . در این فصل دربارهٔ زندگی هر دو نویسنده و آثار آنان بیان کرده ام.

فصل چهارم: دربارهٔ مطالعه تطبیقی و تحلیلی ادبی رمان جای خالی سلوچ و گریس آف ریت است. در این فصل موضوع و مسایل هر دو جامعه که مربوط به مردمان روستایی که در رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم یافته می شود، از لحاظ تطبیقی و تحلیلی ادبی در پایان نامه دکتری خودم شرح داده ام.

من از خدا تشکر می کنم که این کار دکتری را به پایان رسانده ام. این جا برای خودم لازم می دانم که تشکر صمیمانه از استاد محترم و گرامی جناب پروفیسور شیخ اشتیاق احمد و جناب دکتر علاءالدین شاه بنمایم که دوران نوشتن این پایان نامه دکتری کمک کرده اند و هر گونه یاری فراهم آورده اند. یقین دارم که بدون تشویق و راهنمایی استادان گرامی این امر بسیار دشوار بود. اما به لطف و کمک استادان محترم خیلی آسان شد و بالاخره کار دکتری به اتمام رسید.

همچنین از استادان مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی، دانشگاه جواهر لعل نهرو سپاسگذار هستم که دوران تحصیل همیشه تشویق و کمک کرده اند.

من از افراد خانواده خودم شکر گذار هستم چون که ایشان در تحصیل خودم همیشه تشویق کردند و در پایان رساندن این کار خیلی زیاد کمک کردند. همچنین از سایر دوستانم تشکر می کنم که در جمع آوری کتاب ها و مراجع و منابع به من خیلی کمک فراهم کردند. علاوه بر این از همه کسانی که به نوعی در انجام دادن این کار تحقیقی به من کمک کرده اند تشکر می نمایم و امید موفقیت برای همه دارم.

سشیل کمار

مرکز زبان و ادبیات فارسی و مطالعات آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان، ادبیات و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

فصل اول

گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی

گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی

رمان نویسی یکی از مهمترین بخش های ادبیات فارسی به شمار می رود و معروفترین و جدید انواع داستانی هم قرار داده شده است. رمان نویسی در دنیای ادبیات فارسی بهترین انواع داستانی است که برای بیان کردن حقیقت نگاری و تصویر راست زندگی مردم و اجتماع آن زمانی و غیره بکار برده می شود.

اصطلاح رمان اصلاً از ادبیات فرانسه به ادبیات فارسی منتقل شد و معنی و مفهوم نیز که ادبیات فرانسه دارد، در ادبیات فارسی استفاده می شود و سبک اروپایی و معنی و مفهوم امروزی می توان دید. " ابتدا رمانهای به زبانهای فرانسه و انگلیسی و ندرتاً روسی و آلمانی یا عربی و ترکی به ایران می آمد و کسانی که به این زبانها آشنا بودند، آنها را می خواندند و استفاده می کردند. سپس رمانهایی از فرانسه و بعد انگلیسی و عربی و ترکی استانبولی به فارسی ترجمه شد. از جمله علی خان ناظم العلوم تلماک اثر فنلن را از فرانسه ترجمه و در سال ۱۳۵۴. ق چاپ کرد و بعد شاهزاده محمد طاهر میرزا اسکندری تالیفات فرانسوی دلنشینی مانند کنت دومونت کریسنو (تبریز ۱۳۵۹. ق) و سه تفنگدار در سه جلد (تهران

۱۳۱۶ ه ق) و لویی چهاردهم (تبریز ۱۳۲۲ ه.ق) از آکساندر دوما و نیز رمان له میستر دوپاری (اسرار پاریس) را از اژن سو (تهران ۱۳۲۵ ه.ق) به فارسی روان ترجمه کرد.^۱

تعریف رمان

رمان نویسی بخش مهمی در فضای ادبیات جهان می باشد ولی وقتی که در مورد تعریف رمان می خوانیم می یابیم که تعریف رمان از حیث قالب های ادبی دیگر چون شعر و داستان و داستان کوتاه و نمایشنامه و غیره بسیار دشوار و مشکل می شود، دلیل این است که در نقد ادبی ما می بینیم که اشکالات برای تعریف کردن رمان زیادی دیده می شوند. هنگامی که درباره این تعریف ناپذیری رمان را می خوانیم بعد از آن معلوم می شود که دلایل مختلفی دارد. چنانکه می دانیم که رمان نویسی در انگلستان در قرن هجدهم آغاز شده است و در این دوره ای تعریف سنتی برای همه قالب های ادبی موجود بوده و رمان با تمایلی قوی بر ضد تعریف رسمی به وجود آمد.^۲

پرسی لایک در *فن داستان نویسی* نوشته است که "به محض اینکه قسمتی از رمان را خواندیم، آن قسمت در خاطرمان ذوب می شود و تغییر و تحول می پذیرد. حتی هنگامی که آخرین صفحه رمان را ورق می زنیم، بخش عظیمی از کتاب و آن جزئیات ظریف و دقیقش از قبل در نظرمان، مبهم و مشکوک شده است"^۳

^۱ آرتین پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷

^۲ سلسمانی، محسن، رمان چیست، انتشارات پرگ، تهران، ۱۳۶۶، ص ۹۳

^۳ همان، ص ۹۴

رمان اثری است که به نثر نوشته می شود و مشتمل بر جعل و خیال می باشد. رمان همیشه طولانی می شود و رمان نویسی در ادبیات باستان روم یافته می شود. اصل واژه ایتالیایی NOVELLA است که به معنی کوچک و تازه استفاده می شود. این نوعی قصه کوتاه منثور که در قرن چهاردهم در ایتالیا متداول بوده است.

در فرهنگ "وبستر" رمان را چنین بیان شده است که "رمان ، داستان بلند، بیان نقلی منثوری است با تفصیلات در خور توجه و بغرنج معینی که به طور تجلی با تجربه انسانی سروکار دارد وسیله توالی پیوسته رودادهای که دربردارند گروهی اشخاص در فضای معین است"^۴

فرهنگ **چامبرس** رمان را اینطور تعریف کرده است:

"نثر روایتی داستانی که تصویر زندگی واقعی را ارایه می دهد و مخصوصاً تصویرگر بحرانهای عاطفی تاریخ زندگی آدمی است"^۵

در فرهنگ **کولین** هم تعریف شده است:

^۴ فرخ نیا دخت، نیهن و بوریا زاده، فرزانه، پیدایش رمان فارسی، ص ۹۳

^۵ میر صادقی، جمال، قصه داستان کوتاه، ۱۳۶۰، ص ۱۷۶

"داستانی منثور که سروکارش با ماجراها و احساسات آدمی ها فرضی و تصویری است به این منظور که به وسیله توصیف عمل و فکر، گوناگونی زندگی و شخصیت آدمی را تصویر کند."^۶

در فرهنگ اصطلاحات ادبی **هاری شاو** در مورد رمان ذکر کرده است.

"نثر روایتی نسبتاً طولانی که شخصیت ها و حضورشان را در سازمان بندی مرتبی از وقایع و صفحه های تصویر می کند اثر داستانی که کمتر از ۳۰ تا ۴۰ هزار کلمه داشته باشد، غالباً به عنوان **داستان کوتاه** داستان بلند (ناولت) یا **قصه** محسوب می شود. اما رمان حد اکثری برای طول و اندازه و واقعی خود ندارد. هر رمان شرح و نقلی از زندگی است، هر رمان متضمن کشمکش، شخصیت ها، عملی، صفحه ها، پیرنگ و درنمایه است."^۷

در فرهنگ اصطلاحات ادبی رمان اینگونه تعریف شده است:

"رمان داستان طولانی منثوری که تقریباً همیشه بر شخصیت و حادثه متمرکز می شود و معمولاً دارای یک طرح است"^۸

اگر ما اصطلاح رمان مورد بحث قرار می دهیم می یابیم که از لحاظ تاریخ واژه **رمان** زبان مشترک و عامیانه و زبان دانشمندان لاتین بوده است و در قرن دوازدهم میلادی واژه **رمان** از

^۶ همان، ص ۱۷۶

^۷ الشکری، دکتر فدوی، واقعی گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱

^۸ همان، ص ۱۰۲

حیث نوشتن متن و منظوم هم بکار می برد بعد از آن در قرن پانزدهم میلادی به معنی از داستان نوشتن و گفتن این اصطلاح استفاده می شد و بتدریج این واژه *رمان* جای خودش را گسترش کرد و تمام اثر ادبی دنیا واژه *رمان* را می توان دید.

"داستان بجای شعر بصورت نثر بیان شود، نوع دیگری از آثار ادبی را تشکیل می دهد که آن را "رمان" می نامند. در رمان نیز همان قواعد تنظیم حماسه بکار برده می شود، با این تفاوت که در حماسه جای مهم را جنگ اشغال کرده است ولی در رمان این مقام به عشق اختصاص داده شده است. در رمان اهمیت بشری به حقیقت نمایی اثر داده می شود. ضمناً این نکته را نیز باید در نظر داشت که رمان باید دارای نتیجه مفید اخلاقی باشد.

نکته قابل تذکر این است که نویسندگان کلاسیک بفرمان نویسی نیتادند و از این نویسندگان یگانه کسی که رمانی نوشت و توانست محبوبیتی کسب کند، مادام دولافایت بود که شاهکار خود را بنام *شاهدخت کلو* با رعایت اصول کلاسیک بوجود آورد.^۹

پیدایش رمان در ایران

رمان نویسی در ادبیات جهان یکی از مهمترین انواع ادبی قرار داده شده است و نویسندگان و پژوهشگران درمورد تاریخ رمان نویسی بحث کرده اند. اگر ما تاریخ پیدایش رمان را می

^۹ سید حسینی، رضا، مکتب های ادبی، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱۰.

خوانیم ، می یابیم که تاریخ پیدایش رمان خیلی طولانی است و بعد از خواندن این ، می یابیم که در حقیقت رمان با انسان بوجود آمد. ما می بینیم که قبل از دوره رنسانس همه انسان هیچ خود شناخت نداشت و انسان در کار خود شان چون رشد اقتصادی و اساس اجتماعی و به تشکیل مذهب مختلف مشغول بوده اند و قصد و تقدیر آنان در دست توده آن اجتماع بود.

"وقتی انسان از این جمع و گروه مستقل شد هویت خود را باز یافت. این استقلال فردی در طی قرن های هفدهم تا نوزدهم به تدریج تحقق یافت، یعنی دوران رشد و اعتلای طبقه ای که بعدها از آن به عنوان طبقه ی بورژوا یاد شد."^{۱۰}

اما وقتی که ما بعد از دوره رنسانس را نگاه می کنیم، می بینیم که این طبقه و جامعه خودش را رشد و پیشرفت کرد و افراد را از قید های اجتماع و سنت های اشرافی رها کرد و نخستین بار انسان هویت و شخصیت درونی و فردی خود را از احساسات اجتماعی شکافت و روایت ها و فرهنگ ها و ادبیات اشرافی و اختصاصی را از زندگی شان دور انداخت و این طبقه متوسط و مردم عامی اولین بار خودشان را اختصاص دادند و در جامعه مورد توجه قرار گرفتند و هویت های آنان هم به ادبیات ظهور کرد.

"کم کم فرد بر زندگی درونی و عاطفی و ویژگی های شخصیت خود آگاهی یافت و این شناخت رمان را آفرید."^{۱۱}

^{۱۰} پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، تهران، ۱۳۷۲ش، ص، ۹۳

^{۱۱} میر صادقی، جمال، جهان داستان ایران، نشر اشاره، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ص، ۳۹۹-۴۰۰

هنگامی که ما تاریخ پیدایش رمان در ایران را مورد مطالعه قرار می دهیم، پس برای فهمیدن قرن هجدهم و نوزدهم میلادی در دنیای ادبیات فارسی خیلی مهم می باشد. ولی تاریخ رمان نویسی در زمین ایران از زمان قدیم هم متداول بوده و ما می دانیم که رمان نویسی در دوره اسکندریه آغاز شد و بتدریج تکامل یافت. ایران همیشه سر زمین داستان نویسی و قصه گوی بوده است و یونان این فن را از ایران فرا گرفت و راه کشورهای مغرب زمین را اختیار کرد. *موسیوچسان* یکی از معروفترین محققان فرانسه است که در مورد این می گوید ، رواج نوشتن رمان و ذوق و شوق رمان در یونان از مشرق زمین آمده است. به همین سبب می توان گفت که رمان آن شاخ درخت است که بیخ آن هزار سال پیش به شکل داستان نویسی و قصه گوی بزرگ شده بود.

در نیمه دوم قرن نوزدهم ارتباط اقتصادی و فرهنگ ایران با غرب را می توان خواند و یکی از عوامل این زندگی سنتی و نوین مردم ایران می باشد. این دوره همه مردم ایران به دنبال فرهنگ و تمدن غربی بودند و ما می بینیم که ادبیات معاصر ایران هم از این تاثیر غربی متاثر شد. در دوره قاچاری تغییرات و تحولات اساسی صورت گرفت و اثر فرهنگ و تمدن و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی غربی به ایران وارد شد.

"تاسیس چاپخانه ها، توسعه ی مطبوعات و همچنین بر قراری ارتباط با غرب از طریق اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا، پیدایش مدارس به سبک اروپایی در نیمه دوم قرن نوزدهم

و گسترش دامنه ترجمه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از جمله رویدادهای مهمی بودند که بر شکل گیری رمان در ایران تاثیر اساسی گذاشتند.^{۱۲}

در دوره قاجاری چاپخانه ها و مدارس به سبک اروپا در ایران بوجود آمد و ادبیات معاصر ایران متاثر کرد. چون که در این دوره نثر فارسی نیز گسترش کرده و نهضت ترجمه آثار خارجی هم در سرزمین ایران آغاز شده است.

در حدود سال ۱۸۸۰ میلادی اولین رمان فارسی به عنوان *سیاحت نامه ابراهیم بیگ* توسط زین العبدین مراغه ای نوشته شده است. این کتاب درباره طنز سیاسی است که در قالب یک رمان اتوبیوگرافی نوشته شده است. اما در حقیقت رمان فارسی در ایران از دوره مشروطه با کتاب شمس و طغرا خسروی شروع می شود و نوع مهمی ادب فارسی قرار داده شد.

رمان مدرن در ایران با آثار صادق هدایت شروع می شود، *بوف کور* یکی از مهمترین رمانهای فارسی است که آغاز رمان مدرن محسوب می شود و بعد از آن صادق چوبک سنگ صبور و هوشنگ گلشیری شازده احتجاب به شمار می رود.

"هوشنگ گلشیری موثرترین تیوریسین رمان مدرن بعد از انقلاب است که چه با آثار خود چون رمان های آینه های درداری و جن نامه و چه با درس های داستان نویسی خود برخی نویسندگان جوان را به مسیر درست شوق داد."^{۱۳}

^{۱۲} رحمانی کیومرث و شریفیان مهدی، بی تا، ناتورالیسم ایرانی، ص، ۶۴

^{۱۳} همان، ۹۰-۹۱

انواع رمان

من در فوق درباره به وجود آمدن رمان نویسی در ادبیات فارسی تذکر داده ام. ولی رمان نویسی ایرانی که از ترجمه های آثار خارجی آغاز شد، فقط برای خواندن و لذت بردن رمانهای خارجی بوده و هیچ قواید و اصول رمان نویسی ایرانی در دست نویسندگان ایرانی نبوده است. بیشتر رمان هایی که ترجمه شده به تقلید و اقتباس رمان های خارجی بود. اما بعد از جنگ بین الملل اول رمان های ایرانی پدید آمدند و این رمان را ما می توانیم به دو دسته عمده تقسیم کنیم.^{۱۴} عبارتند از:

۱. رمان های آموزشی و تاریخی

۲. رمان های اجتماعی

رمان های آموزشی و تاریخی

رمان های آموزشی و تاریخی در ادبیات فارسی بسیار نوشته شده است و این نوع ادبی اهمیت و ارزش تاریخ های ایران را آشکار می کند. رمان تاریخی، همه رویدادهای تاریخی و اثر و شخصیت آنان نوشته می شوند. درباره تعریف رمان تاریخی در *دایره المعارف ادبی و بریتانیکا* چنین تذکر داده شده است.

" رمانی که به یک دوره تاریخی می پردازد و می کوشد تا اوضاع روحی، رفتاری و اجتماعی عصر گذشته را با جزئیات ریالیستی آن و پایبندی به حقایق تاریخی انتقال دهد.

^{۱۴} آربین پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷

رمان تاریخی ممکن است به اشخاص تاریخی واقعی اکتفا کند یا امکان دارد آمیزه ای از شخصیت های داستانی و تاریخی را در خود داشته باشد، همچنین این نوع رمان ممکن است منحصر بر یک رویداد تاریخی متمرکز شود، با این همه غالباً می کوشد تا چشم انداز روشن تری از جامعه گذشته را، هنگامی که بزرگترین رویدادها تاثیرشان را در زندگی شخصی افراد داستان منعکس می کنند، ترسیم نماید.^{۱۵}

رمان های آموزشی و تاریخی در ایران کوششهای فرهنگی دارالفنون دانسته می شود و مقاصد نویسندگان این، نوشتن اطلاعات تاریخی و داستانهای زیبا و جالب ادبی بوده که در ادبیات ایران وابسته بود.

در آثار طالبوف جنبه آموزشی وجود دارد و ادبیات ایران با تالیفات خود و با حرفهای هنری اراسته است. شایسته این است که اکثر نویسندگان رمان های تاریخی زمینه داستان تاریخی و وقایع باستانی قبل از اسلام را در رمان توجه داده اند تا خارجیان را از داستان خودشان آشنا بکنند. رمان تاریخی برای زندگی و اوضاع و احوال گذشته ایام کشورها آینه می باشد. رمان تاریخی سر گذشته ها و فرهنگ و تمدن و صفات، اخلاق، عادات و رسوم، تحولات فکری و اخلاقی، وجود کشور و میراث ملل را منعکس می کند. رمان تاریخی هم جامعه و مردم آن زمان و کارشان و زندگی روزانه آنان را از سر نو زنده می کند و تاریخ و بقای مردم آن زمان و ایام گذشته را ذخیره می کند و نسل جدید هم منتقل می کند.^{۱۶}

^{۱۵} الشکری، دکتر فدوی، واقعیگرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸.

^{۱۶} آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۹-۲۳۸.

" در تاریخی های ما «مردم» یعنی گروه انبوه مردمانی که در یک عهد و زمان با هم می زیسته اند و لابد بیش از یک یا صد یا هزار تن و امیران و سپهسالاران و روحانیان، مردمی نیز وجود داشته که در این کشور می زیسته، رنجها و شاد کامیها داشته، جشن و سرور و عزا بر پا می کرده و تمایلات روحی و اخلاقی خود را از راه نمایشهای گوناگون اجتماعی ابراز می داشته است. از این رو ما به خوبی نمی توانیم دریابیم که اکثریت مردم این سر زمین از کشاورز و بازرگان و پیشه ور و کارگر در اعماق قرون خالیه چه سان و چگونه می زیسته و چه اندیشه هایی در سر داشته، چه می خورده، چه می پوشیده، در دوغم و شادی او چه بوده و با دیگر افراد مردم یا بیگانگان چه رابطه و معامله ای داشته است. همچنین در سر تا سر تاریخ طولانی ایران جز از چند نفر زن نامی برده نشده که از زندگانی آنان هم آگاهی درستی نداریم و نمی دانیم که زن ایرانی در طول تاریخ چند هزار ساله خود از حیث و ظایف مادری، زناشویی و اجزای تکالیف خانوادگی و اجتماعی چه نقشی بر عهده داشته یا در اجتماعات خصوصی و عمومی، مجالس مهمانی و عزا و جشنهای ملی با لباس و آرایشی حاضر می شده است."^{۱۷}

نویسندگان رمان های تاریخی چون محمد باقر خسروی و شیخ موسی و دیگران ، ادبیات معاصر ایران را رونق بخشیده اند.

شمس و طغرا نخستین رمان تاریخی در ادبیات فارسی به شماره می رود و همچنین عشق و سلطنت و داستان باستان و غیره..رمان تاریخی هستند که تاریخ فوق العاده می باشد.

^{۱۷} همان، ص ۲۳۹

رمان های اجتماعی

رمان اجتماعی یکی از هم مهمترین انواع رمان نویسی در ادبیات محسوب می شود و مقبولیت هم حاصل کرده است. رمان اجتماعی زندگانی مردم که در جامعه معاصر می زیسته، عیب و فساد و بیداد را روشن می کند. رمان اجتماعی ماهیت اجتماع و عملکرد و تاثیرات جامعه که بر روی مردم جامعه متاثر می کند، آن تمام مسایل را در این نوع رمان نویسی، نوشته می شود.

نخستین رمان اجتماعی در فارسی، رمان **تهران مخوف** است که توسط مرتضی مشفق کاظمی نوشته شده است. او برای این شهرت فوق العاده یافته است. نویسنده در این رمان درباره سر گذشته عشق جوانی یک خانواده را مطرح کرده است و تمام مسایل فقر و تنگدستی آن شخص را با خوبی تصویر کشیده است و نویسنده وضعیت های ناخوش و حقارت آمیز زنان ایران و نادانی و نادرستی و بد جنسی را بیان می کند. کاظمی تکنیک اروپایی را در رمان خود استفاده کرده و مطالب و مفهوم و طرح هم مانند اروپایی بیان کرده است که خواننده را جلب می کند. سبک نگارش این رمان خیلی ساده و قابل فهم است.

بعد از کاظمی، خلیلی در زمینه رمان اجتماعی شهرت حاصل کرده است. او در رمان هم تشریح وضع ناگوار زنان ایرانی را نشان می دهد. رمان های اجتماعی خلیلی خیلی معروف در ادبیات فارسی است که مسئله بدبختی زنان مسلمان را مطرح می کند. رمان های خلیلی زیر می نویسم.

۱. روزگار سیاه

۲. انتقام

۳. انسان

۴. اسرار شب

حاجی میرزا یحیی دولت آبادی هم یکی از مشهورترین نویسندگان در این زمینه است که داستان *شهرناز* نوشته است. او در رمان داستان عروس و مسایل جامعه را نشان داده است.

علاوه بر این نیز رمان های اجتماعی در ادبیات فارسی و دیگر وجود دارد که مسایل جدی اجتماعی را نشان می دهد.

رمان های نظیر *روزگار سخت*، *چارلز دیکنز*، *بیست*، *چارلز کینگرلی*، *مری بارتن* و *الیزابت کاسکل* که مسایل جدی اجتماعی نوشته شده اند. *جورج الیت* در رمان *میدل مارچ*، مسایل اجتماعی را موضوع داستان قرار داده است و رمان نویسان امریکای شمالی هم درمورد این مسایل اجتماعی بسیار نوشته اند. چون *ریچارد رایت*، *رالف ایسون*، *جان استاین بک*، *جان دوس پاسوس*، *ارسکین کالدول* و غیره هستند که موضوع شان اجتماعی است.^{۱۸}

علاوه بر این چند نوع رمان هم وجود دارد. عبارتند از:

۱. رمان احساساتی (Sentimental Novel)

۲. رمان پیکارسک (Picaresque Novel)

^{۱۸} سلسمانی، محسن، رمان چیست، انتشارات پرگ، تهران، ۱۳۶۶ش، ص ۲۵

۳. رمان پلیسی (Detective Novel)
۴. رمان تجربی (Experimental Novel)
۵. رمان حادثہ (Novel of Incident)
۶. رمان تربیتی (Apprenticeship Novel)
۷. رمان روانکاوانہ یا رمان جریان سيل ذهن (The Stream of Consciousness Novel)
۸. رمان روانی (Psychological Novel)
۹. رمان رفتار و رسوم اجتماعی (Novel of Manners)
۱۰. رمان روستایی یا شبانی (Pastoral Novel)
۱۱. رمان زمین (The Novel of the Soil)
۱۲. رمان سیاسی - اجتماعی یا رمان مسله غامض اجتماعی (Problem Novel)
۱۳. رمان شخصیت (Novel of character)
۱۴. رمان ضد رمان (Anti-Novel)
۱۵. رمان عاشقانه پر ماجرا (Romantic Novel)
۱۶. رمان عقیدتی (Propaganda Novel)
۱۷. رمان کلیددار (Roman Aclef)
۱۸. رمان گاتیک (یا دلهره آور و ترسناک) (Gothic Novel)
۱۹. رمان مستند (Documentary Novel)
۲۰. رمان کاتبه ای (Epistolary Novel)

۲۱. رمان محلی (Regional Novel)^{۱۹}

۱. رمان احساساتی

رمان احساساتی یا پر سوز و گداز در اوایل دوران رمان نویسی، در کمدهای احساساتی و تراژدیهای خانوادگی می توان پیدا شد. رمان احساساتی معمولاً احساسات فراوان و نشان نیکی و مهربانی می شود که درباره شخصیت های ساده و مطلق و پاکدامنی و درستکاری را نشان می دهد و نویسندگان با این عاطفی و اعمال و حوادث خواننده را متاثر می کنند.

گلد اسمیت رمانی معروف به نام **سرگذشت خانواده ویکفیلد** نوشته است که یکی از بهترین آثار از این نوع می باشد. همچنین رمان **مردپر احساس** که توسط **هنری مکنزی** نوشته شده و رمان **تریسترام شنیدی** از **لارنس استرن** هم رمان های احساساتی به شمار می روند.^{۲۰}

۲. رمان پیکارسک

رمان پیکارسک یکی از مهمترین انواع رمان است که وقایعنامه و شرح احوال زندگی مردم که از طبقات پایین دست جامعه و کار خدمتکاری و نوکری و راه حقه بازی و رندی می گذرانند، درباره این نوشته می شود.

^{۱۹} همان، ص ۲۳-۲۴

^{۲۰} همان، ص ۲۶-۲۷

"رمان های پیکارسک به لحاظ استفاده از ماجرا جویی، شبیه داستانهای عاشقانه پر ماجرا هستند، ولی در پرداخت از شیوه های و واقعگرایانه استفاده می کنند. بدین معنی که جزئیات بسیار ریز داستان را صادقانه در اختیار خواننده می گذارند و نیز زبان شان کاملاً صریح و رک است، و حوادثی را شرح می دهند که در ارتباط با زندگی افراد سطح پایین اجتماع است."^{۲۱}

رمان *مسافر بخت برگشته* اولین رمان پیکارسک است که توسط *تامس ناش* به زبان انگلیسی نوشته شده است و بعد از آن آثار *دانیل دفو* در ادبیات انگلیسی، این نوع رمان را منزلتی خاص فراهم کرد. رمان *مول فلاندرز* هم این نوع رمان را غنی تر کرده است.

۳. رمان پلیسی

رمان پلیسی رمانی است که داستان های جنایتی را ذکر می کند. رمان *ماجراهای کیلب ویلیمز* که توسط *ویلیام گادوین* نوشته شده، اولین رمانی که مسئله جنایت و پرده برداری را نشان می دهد. رمان پلیسی در انگلستان و امریکا از حیث تفریح و سهل الهضم بکار برده می شود. رمان های پلیسی امریکا احساساتی تر و پر ماجرا تر می باشد.

"بزرگترین نویسندۀ داستانهای پلیسی «آرتور کنان دوئل» بود و «داستانهای شر لوک هومز» او ۱۸۹۰م.، شخصیت، اداها، فضا و مکان و یک مشت عبارات خاصی را برای

^{۲۱} همان، ص ۳۰

خوانندگان انگلیسی زبان به ارث گذاشت. و از همین زمان به بعد بود که عامه مردم به طرزی شگفت انگیز از داستانهای پلیسی استقبال کردند. البته شیوه خلق «هومز» و «دکتر واتسون» توسط «کنان دوایل» روش پر طرفداری شد، ولی جز افسانه ها در آمد و دست نیافتنی و بی نظیر ماند. پس از «دوایل» نیز نوشتن انواع و اقسام رمانهای و داستانهای پلیسی با شیوه های مختلف و حتی خیز کننده همچنان ادامه یافت.^{۲۲}

نویسندگان مشهور رمان پلیسی از جمله *آگاتا کریستس، دوروتی سیز، فریمن ویلز کرافتش، ادگار والیس* هستند که در این زمینه مقبول و مشهور شدند.

۴. رمان تجربی

رمان تجربی مهمترین نوعی رمان طبیعت گرایانه است که درمورد طبیعت گرایی در رمان بحث می کند. *امیل زولا* یکی از چهره های معروف رمان نویسان طبیعت گرا درباره رمان تجربی می نویسد.

" در این کتاب می خواهم ثابت کنم که اگر شیوه علوم تجربی به معرفت نسبت به زندگی مادی و جسمانی می انجامد، این شیوه همچنین باید ما را به سوی شناخت زندگی عقلانی و احساسی نیز رهنمون باشد و رمان نویسی تجربی، کسی است که نکات و مسایل اثبات شده «علمی» را می پذیرد و سعی می کند که روال و کار پدیده های انسانی و اجتماعی را که علوم تجربی اثبات کرده، نشان دهد. علاوه بر این هیچگاه احساسات شخصی خود را در

^{۲۲} همان، ص ۲۹-۲۸

کار دخالت نمی دهد؛ مگر در مواردی که هنوز مسله ای روشن نباشد و قطعیتش ثابت نشده باشد. رمان نویس تجربی تا آنجا که می تواند احساسات شخصی، برداشتها، عقاید و مفاهیمی را که از طریقی غیر از تجربه به دست آورده، از طریق مشاهده و آزمایش محک می زند و رمان نویس نیز مانند دانشمند علوم تجربی باید فارغ و به دور از هرگونه اصول اخلاقی، قرار دادهای اجتماعی و پیش داوری به آزمایش پردازد. رمان باید مبتنی بر جمع آوری اسناد و مدارک دقیق علمی باشد و رمان نویس باید بی طرفانه، پدیده مشخصی را مشاهده و آزمایش کرده، نتایج مشلم حاصل از این آزمایش را ترسیم کند.^{۲۳}

۵. رمان حادثه

رمان حادثه رمانی است که داستان ها و حوادث بی ارتباط و طرح و شخصیت پردازی بسیار اهمیت ندارد. ساختمان طرح این رمان ها ساده می شود اما بی چفت و بست را هم نشان می دهد. رمان *دفو* و *سه تفنگدار* مثال خوبی رمان حادثه محسوب می شوند.

۶. رمان تربیتی

رمان تربیتی مهمترین نوعی رمان نویسی است که در این نوع رمان شخصیتی را از کودکی تا بلوغ و فلسفه ای زندگی و هنر خوب زندگی کردن نوشته می شود و گاهی درباره مرگ را

^{۲۳} همان، ص ۳۷

هم بیان می کند. نوشتن رمان تربیتی از **گوته** آغاز شد. رمان های تربیتی که نوشته شده، عبارتند از..

آرزوهای بزرگ

دیوید کاپرفیلد

چارلز دیکنز

آموزش عاطفی و

فرزندان خشونت^{۲۴}

۷. رمان روانکاوانه یا رمان جریان سیال ذهن

رمان روانکاوانه یکی از انواع رمان روانی است که درباره آگاهیهای مختلف و واکنشهای ذهنی و احساسی فرد و شعور خود آگاهی اشخاص می شود. رمان جریان سیال ذهن و واژه شعور خود آگاه را نخستین بار **ویلیام جیمز** در کتاب **اصول روانشناسی** بکار برده است.

" از سال ۱۹۲۰ میلادی تا کنون بسیاری از نویسندگان سعی کرده اند تا راه «جوئیس» را ادامه دهند و با او از در رقابت بر آیند؛ که از میان ایشان دو تن بیش از بقیه، این شیوه را بسط و تکامل داده اند. یکی از ایشان «ویرجینیاولف» است با رمانهای «خانم دالووی» ۱۹۲۵م. (که درباره افکار زنی است که بیماری سرطان دارد و هر لحظه امکان مردنش می

^{۲۴} همان، ص ۳۷

رود) و «به سوی فانوس دریایی» ۱۹۲۷ م. و دیگری «ویلیام فاکنر» که رمان «خشم و هیاهو» خود را به سال ۱۹۳۲ میلادی به این شیوه نوشت. امروز رمان نویسان از مایه های جریان سیال ذهن یا شیوه تک گویی درونی (حدیث نفس)، صرفاً به عنوان شگرد و ابزاری فنی جهت بررسی عمیقتر شخصیتها استفاده می کنند و معمولاً همه رمان خود را در بست در اختیار این شیوه از نگارش و یا موضوع «جریان سیال ذهن» نمی گذارند.^{۲۵}

۱ رمان روانی

رمان روانی رمانی است که شخصیت درونی و اعمال و فعالیت های درونی و روانی افراد را نشان می دهد. در این نوع رمان اعمال و حوادث را هم توضیح داده می شود. اصطلاح رمان روانی نخستین بار در قرن نوزدهم در آثار نویسندگان دیده می شد. بعضی از نویسندگان که رمان روانی نوشته اند، خیلی مشهور و معروف گشتند. چون **جورج الیوت و جورج مردیث و چارلز دیکنز** که در آثار شان جزییات رمان روانی را می توان دید. علاوه بر این **تولستوی** در رمان **آناکارینا** درباره یک زن نوشته است و درونی و وضعیت روحی و روانی را با خوبی ذکر کرده است و همچنین **داستایوسکی و تامس هاردی و جوزف کنراد** هستند که در زمینه موفق شده اند.

^{۲۵} همان، ص ۴۷

۹. رمان رفتار و رسوم اجتماعی

رمان رفتار و رسوم اجتماعی، چنانکه می‌دانیم همه رمان‌ها کم و بیش رمان رفتار و رسوم اجتماعی می‌باشند چون که در همه رمان‌ها فعالیت‌های شخصیتی و آداب و رسوم و رفتار آن جامعه خاص مطرح می‌شود. اما رمان رفتار و رسوم اجتماعی رمانی است که در مورد رفتار و رسوم اجتماعی بسته را تحلیل می‌کند.

رمان رفتار و رسوم اجتماعی واقعی، رفتار و قرار دادهای گروهی خاص و عادات را با تفصیل و دقت توضیح داده می‌شود. برخی رمان‌تاریخی را هم در این نوعی رمان به شمار می‌رود. رمان *غرور و تعصب* که توسط *جین اوستن* نوشته شده است، یکی از مهمترین آثار رمان رفتار و رسوم اجتماعی محسوب می‌شود.^{۲۶}

۱۰. رمان رستایی یا شبانی

رمان رستایی یا شبانی رمانی است که در این نوع داستان‌های روستا نوشته می‌شود اما همه رمان‌های روستایی لازم نیست که مربوط به زندگی شبانیها یا چوپانها می‌باشد. رمان روستایی ذهنی و خیالی و واقعگرایانه هم در این نوع رمان نویسی می‌توان دید.

۱۱. رمان زمین

^{۲۶} همان، ص ۴۷-۴۶

رمان زمین یکی از مهمترین انواع رمان نویسی است که در این رمان نویس درباره انسانها و عوامل طبیعی آنان به منظور بقا و ادامه زندگی را بیان می کند. و رمان زمین در قرن بیستم بوجود آمده و رواج نیز یافته است و این نوعی رمان معمولاً در مورد داستانهای روستا می شود.

" معمولاً وقتی از رمان زمین صحبت به میان می آید، اشاره به رمانی است که در روستا اتفاق می افتد و با سبک واقعگرایانه (Realistic) و یا طبیعت گرایانه (Naturalistic) نوشته می شود. از میان نمونه های قابل ذکر «رمان زمین»، می توان از رمانهای «زمین لم یزرع» (۱۹۲۵م.) «الن گلاسگو»، «زمان بشر» «الیزابت مادوکس رابرتز»، «جاده تنباکو» (۱۹۳۲م.) «ارسکین کالدول»، «خوشه های خشم» (۱۹۳۹م.) «جان استاین بک» و «درخت انسان» (۱۹۵۶م.) «پاتریک وتیت» نام برد.^{۲۷}

۱۲. رمان سیاسی - اجتماعی یا رمان مسئله غامض اجتماعی

رمان سیاسی - اجتماعی یا رمان مسئله غامض رمانی است که مسایل سیاسی و اجتماعی دشواری که در جامعه وجود دارند، را تصویر می کشد. نویسندگان در رمان واقعگرای همیشه مسایل اجتماعی و سیاسی را می نویسند.

۱۳. رمان شخصیت

^{۲۷} همان، ص ۴۹

رمان شخصیت رمانی است که درباره شخصیتها و تحول آنان سروکار دارد و طرح داستان و ساختمان مردم را متأثر می کند.

۱۴. رمان ضد رمان

رمان ضد رمان رمانی است که طرح داستانی مشخص و واضحی وجود ندارد و در این نوعی داستان از حوادث پراکنده بکار می برند.

" ضد رمان نوعی اثر تجربی است که قوانین، سنتها و شیوه های داستانگویی و رمان نویسی گذشته را زیر پا می گذارد. در این نوع از رمان، رمان نویس سعی نمی کند تا به شیوه واقعگرایان، همه چیز را واقعی جلوه دهد و یا از سبک طبیعت گرایی (Naturalism) استفاده کند، بلکه از قوانین واقعگرایانه خاص خود پیروی می کند. یعنی مثلاً نمی گذارد تا خوانندگان با شخصیتها هم هویت و همدرد شوند، ولی در ضمن آنها را ترغیب کند تا در حوادث داستان (البته نه به نیابت از طرف اشخاص داستان) شرکت کنند. برای اینکه بتوان ضد رمانها را به درستی از رمانهای عادی باز شناخت، باید مثلاً آثار «تامس هاردی» و «هنری جیمز» را با آثار «نابکوف» و یا «سامویل بکت» مقایسه کرد و دید که چرا آثار «نابکوف» و یا «بکت» جز ضد رمانها هستند.^{۲۸}

^{۲۸} همان، ص ۵۱

سارتر، موریس بلانشو، کامو، فیلیپ توین بی، آلن روب، بوتور، نابکوف، رینر هپن استال، کریستین بروک روز و کلودسیمون نویستندگان رمان ضد رمان هستند که در این زمینه کار های مهم را انجام داده اند و این نوعی رمان را پیشرفت کردند.

۱۵. رمان عاشقانه پر ماجرا

رمان عاشقانه پر ماجرا رمانی است که داستانهای عاشقانه و رمانس را بیان می کند. رمان های عاشقانه اغلب بر اساس عشق و جنگ و جدال می شود. در این رمان نویسی نویسندگان داستانهای عشق و جنگ و جدال و رمانس ها و مشکل های بازیگرانی و بانوان و دلتنگ آنان را تصویر می کشند. " رمانهای عاشقانه پر ماجرا به شخصیت پردازی اهمیتی نمی دهد و مانند رمانس بیشتر به تشریح ماجراها و حوادث می پردازند؛ ولی از این جهت که داستانهایشان بر خاسته از تخیل نویسنده است، بیشتر داستانی اند تا مانند رمانس، افسانه ای. البته رمانهای عاشقانه و پر ماجرا هم درست مثل رمانسها، سعی دارند بیشتر خواننده را سرگرم کنند تا اینکه بخواهند او را با واقعیات زندگی آشنا کنند."^{۲۹}

رمان *گوزپشت نتردام* که توسط *هوگو* نوشته شده است، او در این رمان تصویرهای دلهره آور و مرموز را نشان داده است و در رمان *غرور و تعصب* از *جین اوستن*، داستان واقعی

^{۲۹} همان، ص ۵۴

و وقایع عادی زندگی و مسایل سطحی را بیان کرده است. همچنین رمان *مادام بوواری*، *باندیهای بادگیر*، *غمهای و رترجوان*، *ویورلی و بینوایان* رمانهای عاشقانه‌ی پر ماجرا هستند.^{۳۰}

۱۶. رمان عقیدتی یا تبلیغی

رمان عقیدتی و تبلیغی رمانی است که مسئله‌ی سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و مشکل خاص اجتماعی و پیچیده را اساس قرار داده می‌شود و راه حل و مشکل این مسئله و دشوری را هم دفاع می‌کند.

"مثلاً اگر نویسنده‌ای سعی کند که از طریق رمان دلیلی برای اثبات مدعا و دیدگاه‌های خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره خود ارائه دهد، احتمالاً - به هنگام نوشتن رمان - شخصیتها و موقعیتها را طوری جفت و جور خواهد کرد که بر نظریه یا عقیده اش منطبق شود. در نتیجه نمی‌تواند آن طور که باید و شاید صحنه‌ها، حوادث و اشخاص را واقعی جلوه دهد، و اثر او تبلیغی از کار در خواهد آمد. البته در صورتی که شرایط و دورانی که باعث به وجود آمدن رمانی تبلیغی شده، سپری شود و باز هم اثر قابل خواندن باشد، باید گفت که آن رمان چیزی بیش از تبلیغات صرف و رفع احتیاجات مقطعی را ارائه داده است. اثر تبلیغی بی طرف نیست، زیرا اساساً به منظور نشر و تبلیغ عقیده و یا بینش خاصی نوشته می‌شود."^{۳۱}

^{۳۰} همان، ص ۵۷-۵۶

^{۳۱} همان، ص ۵۷

بیشتر نویسندگان در این نوعی رمان نویسی نقش های مهمی را ایفا نموده اند که عبارتند از:

ه.ج ولز، جورج برنارد شاو، هیلر بلاک و ج.ک. چسترتون.

۱۷. رمان کلیددار

رمان کلیددار رمانی است که در آن حوادث واقعی را به شکل داستان نوشته می شود و نویسنده آن داستان را به طبق خود می توان شکل داد و اسم های داستان را به نام کردار شخص که در داستان تذکر داده شده است، هم عوض می کند.

یکی از بهترین نمونه های رمان کلیددار رمان *مزرعه حیوانات* از جورج اورول محسوب می شود و علاوه بر این *خورشید هم طلوع می کند، نقطه و نقطه مقابل و رمان نیمه را بهشت (سعید نفیسی)* هستند که در این نوعی رمان را پیشرفت می کنند.

۱۸. رمان دلهره آور یا گاتیک

رمان دلهره آور رمانی است که مربوط به سبک در معماری می شود و سبک معماری را تشریح می دهد. در نیمه دوم قرن هجدهم این سبک از معماری بالخصوص در انگلستان بوجود آمد. بعد از آن نویسندگان درباره ویژگیهای این معماری در داستان خودشان جای خاص داده اند و در داستان چیزهای ترسناک و خوف و وحشت را ذکر می کنند.

"در همین دوران برای عکس العمل نشان دادن در مقابل نئوکلاسیستها که به عقل و احساسات سطحی گرایش داشتند- نوعی رمان بوجود آمد که از چنین فضاها و مکانهایی در داستان خود استفاده می کرد و از ویوگیهای مهمش گرایش به پهلوانیگری و سلحشوری، راز و رمز و استفاده از چیزهای اسرار آمیز و جادویی بود. عنوان «رمان گاتیک» از رمانی به نام «قصر اترانتو» گرفته شد که «هوراس والپول» (۱۷۱۷م. -۹۷) آن را در سال ۱۷۶۴ میلادی نوشت. «قصر اترانتو» قصه ای است که در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی اتفاق می افتد و پر است از بی رحمی، شهوترانی، شقاوت و خونریزی (در این داستان همچنین شبیحی غول آسا نیز حضور دارد). این اثر به مثابه بذری بود که بعدها رشد کرد و موجب بسط و تکامل شیوه ای از رمان نویسی - رمان گاتیک شد.^{۳۲}

۱۹. رمان مستند

رمان مستند رمانی است که بر اساس مدارک و اسناد و شواهد و روزنامه ها و مقالات و اسناد رسمی نوشته می شود. نمونه های رمان مستند که نوشته شده اند، عبارتند از: رمان *تراژدی امریکایی از تئودور درایزر* و رمان *قتل عمد از ترومن کپوتی* هستند.

^{۳۲} همان، ص ۶۰

نوع رمان مستند دیگر هم وجود دارد که در این داستان های از وقایع حوادث مهم که هر روز اتفاق می افتد، ذکر می شود. مثلا رمان *آرام* که توسط *گراهام گرین* نوشته شده و رمان *کفشهای ماهیگیر* که توسط *موريس وست* نوشته شده است.^{۳۳}

۲۰. رمان مکاتبه ای

رمان مکاتبه ای رمانی است که بر اساس نامه ها و روزنامه ها و اسناد می شود و نویسنده این داستان که از این وسیله می گیرد، آن را می نویسد تا احساسات اشخاص را در داستان بیان می کند و این طور می نویسد که خواننده احساس می کند که نامه های چند شخص حقیقی بوده است.

رمان مکاتبه ای در قرن هجدهم از رمان *پاملا* که توسط *ساموئل ریچاردسون* نوشته شده، آغاز شد و رواج هم یافت. همچنین رمان های مکاتبه ای مانند *هامفری کالینگر، ایولینا و روابط خطرناک* هم وجود دارند که قابل ذکر است.^{۳۴}

۲۱. رمان محلی

رمان محلی مهمترین نوعی رمان نویسی است که یک ناحیه خاص را متمرکز می کند و با دقت طرز صحبت و آداب و رسوم و رفتار اجتماعی و تاریخ، فرهنگ و تمدن آن جایی را

^{۳۳} همان، ص ۶۴-۶۳

^{۳۴} همان، ص ۶۷-۶۶

به شکل داستان نوشته می شود. اولین نویسنده در این زمینه که رمان *بلیندا* در سال ۱۸۵۱ م. توسط *ماریا اج ورث* نوشته شده، ذکر شده است و بعد از آن در قرن اواخر نوزدهم برت هارت، مارک تواین، جورج واشنگتن کیبل سارا اورن جوئت و مری بی. ویلکینز فریمن در امریکای شمالی رواج این رمان را ادامه داده اند.^{۳۵}

تاریخ مختصری رمان نویسی فارسی

در این باب ما درمورد پیدایش رمان، تعریف رمان و انواع رمان بحث کرده ایم و حالا نوبت تاریخ رمان نویسی فارسی آمد که ما اینجا مورد مطالعه قرار می دهیم. چنانکه می دانیم که رمان نویسی در دنیای ادبیات فارسی یکی از مهمترین بخش های ادبی معاصر است و اهمیت و ارزش این نه فقط در ادبیات فارسی بلکه در ادبیات جهان نیز می باشد. اگر ما درمورد تاریخ رمان و داستان نویسی نگاه می کنیم، می یابیم که رمان نویسی یا داستان نویسی در فارسی به طور کلی تازه نیست بلکه سابقه رمان و داستان نویسی در زمین ایران تاریخ طولانی دارد که به شکل و صورت گوناگون وجود دارد. چنانکه می دانیم، نثر و نظم از زمان قدیم تا امروز متداول است ولی سبب ظهور این نوع ادبی تحولات جامعه است که در ادبیات به وجود آمد. چون که رمان تحولات زندگی که در زمان مخصوص در آمد، تصویر می کند و آینه عهد خود را نشان می دهد.

^{۳۵} همان، ص ۶۸-۶۷

رمان نویسی که به سبک اروپایی به معنی امروز که در ادبیات معاصر ایران دیده می شود، قبل از اوایل قرن چهارم هجری که فرهنگ و تمدن غرب به ایران وارد شد، در ادبیات ایران این نوع ادبی هیچ سابقه نداشت. ولی رمان های اروپایی به راه ترجمه در ادبیات ایران آمد و ادبیات فارسی را نفوذ کرد و رواج رمان نویسی در ادبیات فارسی پیدا کرد و یکی از مهمترین بخش های فارسی مدرن هم شد.

رمان نویسی تقریباً در سال ۱۸۵۱ میلادی با تاسیس دارالفنون آغاز می گردد و بعد از آن در دوره مشروطیت رفته رفته خود را در ادبیات فارسی محکم می کند. در دوره پنجاه ساله ناصرالدین شاه در جامعه ایران تحولات و تغییرات فراوان دیده می شد. در این عهد ایرانیان با فرهنگ و تمدن و زبان و غذا و لباس و غیره غرب آشنا شدند و همچنین ادبیات اروپای را اهمیت فراوان دادند. دانشمندان ایرانی برای تحصیل به اروپا می رفتند و زبانها و فرهنگ آنان را می خواندند و سپس آثار نویسندگان اروپای را به زبان فارسی ترجمه می کردند.

میرزا عباس از نخستین کسانی بود که برای توسعه روزنامه ها و رسالات در تبریز چاپخانه را معرفی کرد. *میرزا تقی خان امیر کبیر* برای دگرگون کردن فضای فکر مردم ایران در زمینه مختلف کارهای مهمی را ایفا نمود و با کمک دارالفنون سبک های نویسندگی و اندیشه های فلسفه غرب، ادبیات فارسی خیلی متاثر شد که در ادبیات معاصر ایران دیده می شود.

رسالات و اشعار *میرزا آقا خان کرمانی*، و نمایشنامه های *میرزا فتحعلی آخوند زاده*، نوشته های *شیخ احمد روحی*، *سیاحت نامه زین العبدین مراغه ای* و کتابهای *میرزا عبدالرحیم طالبوف* مثال ساده نویسی در سر زمین ایران رواج داد و از این رو می توان گفت که ادبیات

نویسنده‌ها و شیوه‌های نویسندگی جدید در ایران به وجود آمد. این نوع ادبی با ادبیات کهنه هیچ سروکاری نداشت چون که این زمان رمان اوضاع و احوال روز هماهنگی و واقعیت‌های زندگی را انعکاس می‌کند و مقبولیت عام هم پیدا کرد.

اولین رمان فارسی در سال ۱۸۸۰ میلادی به نام *سیاحت نامه ابراهیم بیگ* توسط زین العبدین مراغه‌ای نوشته شده است. او اولین کسانی بود که شیوه جدید و ساده نویسی را بکار برده است. این رمان در مورد طنز سیاسی در قالب اتوبیوگرافی است.

حبیب اصفهانی کسانی بود که زبان اروپا آشنا بود و آثار اروپا را نیز به فارسی ترجمه کرد و در زمینه این کارهای مهمی را انجام داده و رمان *حاجی با تالیف موریر* را به زبان فارسی ترجمه کرد. این رمان تمام اوضاع سیاسی و اجتماعی و بیداری مردم ایران را نشان می‌دهد و یکی از کامیاب‌ترین آثار ترجمه می‌باشد که شیوه جدید در نثر فارسی را منعکس می‌کند.^{۳۶}

علاوه بر این بیشتر رمانهای فارسی که در دوره مشروطیت و بعد از آن که نوشته شده، برای توسعه این نوع ادبی نقش‌های مهمی ایفا نموده‌اند که عبارتند از:

محمد باقر میرزا خسروی

محمد باقر میرزا خسروی نویسنده نخستین رمان تاریخ ایران محسوب می‌شود. میرزا خسروی در سال ۱۲۶۶ ه.ق در کرمانشاه به دنیا آمد. او در زمینه رمان نویسی کارهای مهمی

^{۳۶} آریین پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۳۹-۲۳۶

را انجام داد. در دوره مشروطه کار خود را آغاز کرد و افکار جدید را موضوع قرار داد. او انجمن ولایتی کرمانشاه را تاسیس کرد.

او رمان تاریخی به نام *شمس و طغرا* نوشت. این رمان در سه جلد است که هر جلد نام مختلف دارد. جلد دوم به نام *مادی و نیسی* و جلد سوم به نام *طغرل و همای* مشهور است.

این رمان در سالهای انقلاب مشروطیت ایران نوشته شده است. جلد اول در سال ۱۳۲۷ ه.ق و جلد دوم در سال ۱۳۲۸ ه.ق و جلد سوم در سال ۱۳۲۸ یعنی همان سال پایان رسانده است. موضوع این رمان تاریخی وقایع عهد پر آشوب فرمانروایی مغول بر ایران است که نویسنده تاریخی و مطالب جغرافی و اخلاقی زمان پادشاهی آتش خاتون را بیان می کند. نخستین رمانی است که از جنبه فکری و اجتماعی دارد و از این رو می توان گفت که این رمان نمونه بهترین در ادبیات فارسی جدید است که به زبانهای خارجی ترجمه شده

شیخ موسی

شیخ موسی در این نوع رمان تاریخی هم ادبیات فارسی را توسعه داده است. دومین رمان تاریخی به نام *عشق و سلطنت یا فتوحات کورش کبیر* نوشته است. این رمان در سال ۱۳۳۷ ه.ق/۱۹۱۹ م. به نفقه اکیر نظام در همدان چاپ شده است. موضوع این رمان سر

^{۳۷} همان، ص ۲۵۲-۲۴۰

گذشته کورش کبیر است که در مورد این رمان گفته می شود که این اولین رمانی است که به اسلوب مغرب تالیف شده است و سبک نگارش و زبان ساده و روان است.^{۳۸}

میرزا حسن خان بدیع

میرزا حسن خان بدیع شخصی بود که سومین رمان تاریخی به نام *داستان باستان یا سر گذشت کورش و شمس و قمر* نوشته است. این رمان اولین بار در سال ۱۹۲۱م. در تهران انتشار شد. این رمان درباره عهد کورش کبیر است که با زبان ساده و روان نوشته شده و از نفوذ رمان فرانسه آزاد است. موضوع اصلی این رمان " داستان شیرین بیژن و منزه ، یکی از قسمت‌های تغزلی حماسه بزرگ فردوسی است. ولی نویسنده می کوشد مجالسی را که فردوسی در زمینه افسانه داده است، در چارچوبه نتایجی که از مساعی محققین غرب به دست آمده، جای دهد و این خود کاری است بسیار پیچیده و دشوار که جل آن علاوه بر هنر داستان نویسی مستلزم شایستگی و صلاحیت خاص و فوق العده علمی است."^{۳۹}

صنعتی زاده کرمانی

عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی شخص معروف است که در زمینه رمان نویسی تاریخی نقش های مهم را ايفا نموده است. صنعتی زاده کرمانی در سال ۱۳۱۳ه.ق در شهر کرمان

^{۳۸} همان، ص ۲۵۴-۲۵۲

^{۳۹} همان، ص ۲۵۵

متولد شد. او رمان تاریخی به نام *دام گستران یا انتقام خواهان مزدک و داستان مانی نقاش* نوشت.

رمان *گستران یا انتقام خواهان* در سال ۱۹۲۱ میلادی نوشته شده است. این رمان در مورد آخرین شاه ساسانی است.

"در این کتاب نویسنده مقدمتاً ما را به عهد خسرو انوشیروان رهبری می کند و سر انجام دردناک جنبش مزدک را به اختصار بیان می کند و بعد در متن داستان وقایع سلطنت یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، و لشکر کشی مسلمان به سرداری سعد وقاص به ایران و جنگهای قادسیه و مداین و جلولا و شکست نهاوند و تباهی تاج و تخت یزدگرد و سرگردانیهای او تا کشته شدن وی به دست ماهوی سوری در مرو و به طور خلاصه وقایع بیست سال سلطنت یزدگرد را از ۳۲ تا ۶۵۲ میلادی، که مصافت با خلافت ابوبکر و عمر و قسمتی از عهد عثمان است، شرح می دهد."^{۴۰}

رمان *داستان مانی نقاشی* در سال ۱۲۴۵ ه. ق / ۱۹۲۷ م. منتشر شد. این رمان درباره زندگی افسانه مانی است. طرح و کردار نگاری این رمان بهتر رمان *گستران* محسوب می شود.

مشفق کاظمی

مشفق کاظمی نویسنده بر جسته در زمینه رمان نویسی اجتماعی است که این نوع ادبی را توسعه داد و ادبیات ایران را غنی تر کرد. رمان به نام *تهران مخوف* را در سال ۱۹۳۵ در دو

^{۴۰} همان، ص ۲۵۶

جلد به صورت کتاب منتشر گردید. این رمان یک داستان عشق و محبت را بیان می کند و اوضاع زنان ایرانی آن زمان را تصویر می کند. مشفق کاظمی موضوع مهمی آن زمان که مربوط به مسئله زنان و وضع نابرابری زنان در جامعه ایرانی است، آن مسایل را پیش مردم ایران گذاشت و از این رو رمان اجتماعی در ادبیات ایران با موضوع جدید نوشتن شروع شد. این رمان وضعیت های حقارت آمیز زنان ایرانی را نشان می دهد. نویسنده این رمان به تکنیک رمان نویسی اروپای آشنا بود، به همین سبب مطالب را به طوری طرح می کند و سبک نگارش ساده و قابل فهم است.

عباس خلیلی

عباس خلیلی دیگر نویسنده در سلسله رمانهای اجتماعی است که بعد از رمان *تهران مخوف*، رمان به نام *روزگار سیاه، انتقام، انسان و اسرار شب* را نوشت. رمان *روزگار سیاه* مهمترین اثر اوست که در مورد مسئله وضعیت های بدبختی و بیچارگی و حقوق زنان ایرانی آن زمان است و زیادی شباهت به رمان *تهران مخوف* دارد. موضوع و سبک این رمان رئالیسم جدی است و گرایش رمان اجتماعی را ادامه می دهد. نویسنده شیوه شرقی را در آوردن داستان در داستان بکار برده است. این رمان هم صحنه هایی دردناک و نفرت آور که در جامعه ایران وجود داشت، به خوبی بیان کرد است.

رمان *اسرار شب* هم مربوط به مسئله اجتماعی ایران است که به صورت نامه و حسب حال نوشته شده است. این رمان درباره زنی است که بعد از خیانت شوهر به کاری بدی خودش

را مبتلا کرد و از هرچه مرد انتقام خود را می گیرد. این هم مهمترین رمان خلیلی است که گرایش آن زمان را به خوبی نشان می دهد.

حاجی میرزا یحیی دولت آبادی

حاجی میرزا یحیی دولت آبادی هم در این زمینه رمان به نام *شهر ناز* در سال ۱۹۲۴م. نوشته است که در این نویسنده درباره مسله عروسی را بیان می کند و عروسی که تصمیم گیری به مادر و پدر انجام داده می شود، آن را محکوم می کند و عشق و محبت را اساس طبیعی قرار داده است.

ربیع انصاری

ربیع انصاری گرایش رمان نویسی جدید را هم رونق بخشیده است. او رمانهای به نام *خیانت پسر، فروشان قرن بیستم و سجده نوروز* را نوشت که ایشان را در این زمینه یادگار گذاشته است. موضوع این رمانهای ربیع انصاری حقیقت جامعه ایران را بیان می کند که چقدر در جامعه ایران فتنه و فساد در تمدن جدید و فحشگی در اجتماع وجود دارد، بخوبی تصویر کرده است.

علاوه بر این بیشتر نویسندگان در این گرایش رمان نویسی هستند که حوزه ادبیات فارسی را گسترش کرده اند. عبارتند از:

علی محمد آزاد همدانی

زین العبدین موتمن

حبیب یغمایی

یحیی قریب

رحیم زاده صفوی

میرزا حیدر علی کمالی

محمد حسین رکن زاده آدمیت

حسین قلی میرزا عمادالسلطنه سالور

انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۹۱ش/۱۹۰۵-۱۹۱۱م) و انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م) در ادبیات فارسی بالخصوص در ادبیات داستانی ایران را با عناصر تجدد متاثر کرد. زنان هم در آن زمان در کار نوشتن و خواندن خودشان را مشغول گذاشته و ادبیات داستانی (رمان و داستان کوتاه) را غنی تر کرده اند. انقلاب اسلامی ایدئولوژی مختلف در ادبیات آورده و مسایل اجتماعی که مربوط به زنان بود، آن را در ادبیات مهمی قرار داده شده و آن زمان زنان از مسایل اجتماعی به خود آگاهی فیمنستی و مباحث فیمنستی و جنسیتی در مرکز توجه قرار گرفته اند.

انقلاب مشروطه برای بیداری سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایرانیان خیلی مهمی دانسته می شود. زنان در این دوره نیز برای بهبود اوضاع خود حرکت می کردند. **میرزا آقاخان کرمانی**

و میرزا فتحعلی آخوندزاده کسانی بودند که قبل از انقلاب مشروطه با کمک داستانهای خوشان وضعیت های زنان در جامعه ایران را توضیح داده اند و زنان را از مسایل اصلی آشنا کردند. آنها باور دارند که همه حقوق حیاتی که مردان دارند، زنان هم در جامعه ایران مساوی شمرده شوند.

رمان های که در این نوع ادبی نوشته شده اند. سیمین دانشور یکی از معروفترین چهره های این نوع ادبی است که فصلی تازه در ادبیات داستانی فارسی آغاز کرد. او رمان به نام *سوشون* در سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۹م. نوشته است. سیمین دانشور همسر مرحوم جلال آل احمد بود که هم جدی ترین رمانهای فارسی، بعد از جنگ جهانی دوم نوشته است. این رمان به زبان یک زن، شرح حال یک خانواده باسواد و در آن اجتماع مرد برتری می دارد، را بیان می کند.

شهرنوش پارسی پور هم از مهمترین نویسندگان زن در دهه پنجاه بود که نخستین رمان خود به عنوان *سگ و زمستان بلند* (۱۳۵۵) و دیگر رمان به نام *خواب زمستانی* نوشته است. زنان دیگری نیز در این زمینه کارهای مهمی را انجام داده اند که عبارتند از:

منیر روانی پور رمان *دل فولاد* و مجموعه داستان به نام *سمگهای شیطان* درباره مشکلات عاطفی و معیشتی نوشته است.

فرحنده آقایی رمان به نام *جنسیت گمشده و شیطان آموخت و سوزاند* نوشته و با سهم خود نقشهای زنان را نشان می دهد.^{۴۱}

^{۴۱} عابدینی، حسن، صد سال داستان نویسی در ایران، جلد ۳-۲، تهران، نشر چشمه ۱۳۷۷، ص ۱۱۱۰-۱۱۱۳

گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی

گرایش های رمان نویسی فارسی، زمان تاسیس دارالفنون و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تحولات فکری و ادبی و اثر ایدیولوژی اروپای و موضوع و محتوا و سبک نگارش ادبیات داستانی (رمان و داستان کوتاه) و فرمهای گوناگون به صورت انواعی تازه و شکل خاص می گیرد، آن را به خوانندگان آشکار می کند. ما اینجا گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی را مورد مطالعه قرار می دهیم و سعی می کنیم که گرایش های رمان نویسی در ادبیات فارسی را با خوبی بنویسیم.

دوران انقلاب مشروطه و اسلامی در زمینه رمان نویسی خیلی تحولات و تغییرات را می توان دید. چون که ایران آن زمان یک فرهنگ جدید به ویژه ادبیات داستانی معرفی می کرد و یک گرایش جدید در ادبیات فارسی هم آغاز کرد. آثار ادبی که در آن دوره نوشته می شود، ذوق و سلیق مردم آن دوره را تحت تاثیر خود قرار می گیرد و گرایش جدید در این نوع ادبی توسعه می دهد.

در پایان سده سیزدهم و ابتدای سده چهاردهم شمسی گرایش سکولار و مفاهیم جدیدی درباره هویت، تاریخ و مدرنیت در ادبیات فارسی وارد شد و از این رو ادبیات جدید ایران، فرهنگ ادبی فارسی را متاثر کرد. مثلاً در زمان قدیم فرمی که در ادبیات فارسی وجود داشت، داستانها در قالب شعر سروده می شدند. اما در قرن بیستم میلادی وقتی که روشنفکران ایران با گرایش های ادبی اروپا آشنا شدند، قالب های جدید را پذیرفتند و نثر چون رمان، داستان کوتاه، داستان بلند و نمایشنامه را مورد توجه قرار گرفتند.

اگر اولین دوره ادبی جدید در ایران را نگاه می‌کنیم، مدرنیست یا ناسیونالیست می‌توانیم پیدا کنیم. جنبش مشروطیت و بعد از آن قوالب ادبی غربی، روش ادبی جدید و فرهنگ غیر سنتی با کمک ایدیولوژی مختلف و مکتبهای ادبی چون رئالیسم، تاتوالیسم، سورالیسم، سمبولیسم، مارکسیسم، ناسیونالیسم و فمینیسم، ادبیات فارسی را که قبل از این دوره بوده، متاثر کرد و از این رو گرایش‌های جدید و تازه در رمان نویسی می‌توان دید.

پس از انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، روش‌ها و روندها و گرایش‌های تازه در ادبیات فارسی به عنوان ادبیات دفاع مقدسی و ادبیات مقاومت هم می‌توان دید که گرایش نوین رمان نویسی را نشان می‌دهد.^{۴۲}

صادق هدایت

صادق هدایت یکی از معروفترین چهره‌های در ادبیات معاصر فارسی است که در زمینه رمان نویسی یک گرایش تازه را رواج پیدا کرد. او در سال ۱۲۸۱ش/۱۹۰۳م. در تهران به دنیا آمد و نه تنها در کشور ایران، بلکه خارج از ایران هم شهرت و معروفیت یافت، در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م. در گذشت. او یکی از پایه‌گذاران داستان مدرن است که در حوزه‌های دیگر از ترجمه تا نمایش نامه نویسی نقش مهمی را انجام داده است.

بوف کور یکی از بهترین رمان‌های قرن بیستم است که گرایش تازه‌ای آن دوره را نشان می‌دهد. رمان **بوف کور** داستان تخیلی است که رونده سوررئالیسم بیان شده است. هدایت

^{۴۲} داوید، محمد، روند‌های تازه در رمان نویسی فرسی بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتر، ۲۰۱۹

درد ها و مشکلهای و پریشانه‌های روزگار را در این رمان به خوبی توضیح داده است. سبک نگارش او بی نظیر است که در ادبیات جهان هم شناخته می شود.

علاوه بر این آثار هدایت دیگر نیز وجود دارند که با گرایش های آن زمان به خوانندگان را آشنا می کند، عبارتند از:

حاجی آقا، محلل

انسان و حیوان

مسخ، دیوار

گروه محکومین

سگ ولگرد

فواید گیاهخوری

ترانه های خیام

وغ وغ ساهاب

ماز یار، نیرنگستان

علویه خانم و ولنکاری

زنده بگور

پروین دختر ساسان

سایه و روشن و

سه قطره خون.^{۴۳}

بزرگ علوی

بزرگ علوی پس از صادق هدایت و جمال زاده در زمینه رمان نویسی کارهای مهمی را انجام داد است. او در سال ۱۲۷۳ش./۱۹۰۵م. در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۵ش./۱۹۹۷م. در گذشت.

بزرگ علوی نویسنده واقعه‌گرا، چپ‌گرا، نوگرا و استاد زبان فارسی بود که در زمینه این نوع ادبی نقش‌های مهمی را ایفا نموده است.

او در آثار خود مسایل اجتماعی و سیاسی به زبان ساده و روان و سلیس بیان کرده است. او رمان به نام *چشمه‌هایش* نوشته است و در این درباره شرح زندگی یک دختر جوان و یک نفر نقاش را بیان کرده است. این رمان در سال ۱۹۵۲م. چاپ شد. علاوه بر این او رمان به نام *دختر رعیت* در سال ۱۹۵۲م هم نوشته است که در مورد مسایل اجتماع ایران است و می

^{۴۳} آربین پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲ش، ص ۳۳۳-۳۵۹

توان گفت که برای فهمیدن گرایش های رمان نویسی آن زمان، آثارش خیلی کمک کننده است.^{۴۴}

محمد علی جمال زاده

محمد علی جمال زاده در زمینه رمان نویسی بسیار مقبولیت حاصل کرده است. او در سال ۱۲۷۰ش/۱۸۹۲م. متولد شد و در سال ۱۳۷۵ش/۱۹۹۷م. در گذشت.

او رمان های به نام *قلشتن دیوان*، *صحرای محشر و راه آب* نوشته است. در آثارش رئالیستی دیده می شود و او نه فقط درباره مسایل اجتماعی گوناگون نوشته بلکه در مورد سیاست مداران فاسد هم ذکر کرده است. زبان و سبک رمانهای وی طنز آمیز می باشد که گرایش های مهمی آن زمان را اشاره می کند.^{۴۵}

صادق چوبک

صادق چوبک در سال ۱۲۹۵ش/۱۹۱۶م. در بوشهر متولد شد و در سال ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م. در گذشت. او رمانهای به نام *تنگ سیر*، *سنگ صبور* نوشته است که روندهای مختلف را نشان می دهد. رمان *تنگ سیر* که در سال ۱۹۶۳ میلادی نوشته شده است و تصویر های زندگی بومی ایران را با طرز نو بیان کرده و رمان *سنگ صبور* که در سال ۱۹۶۶ میلادی نوشته شده، مسایل جدید که مربوط به فاحشگی فاحشه ها را توضیح داده است. این

^{۴۴} صلاح الدین، آغاز و پیشرفت رمان نویسی تاریخی به فارسی، اکیدمی ایکسینس، دهلی، ۲۰۰۳م.، ص ۲۲۷-۲۲۶

^{۴۵} همان، ص ۲۲۴-۲۲۳

گرایش رمان نویسی ، چوبک بعد از تقلید نویسندگان خارجی در ادبیات فارسی معرفی کرده است.

جلال آل احمد

جلال آل احمد یکی از مشهورترین رمان نویس های ایرانی است که در رمان خود مسایل گوناگون ایران که مربوط به روستای ایران و اجتماعی ایران است، بسیار شهرت حاصل کرده است. او در سال ۱۹۲۳م. در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۹ در گذشت. آثار معروفترین جلال آل احمد، عبارتند از:

سرگذشت کندوها

نون و قلم

سه تار

از رنجی که می بریم

و آفتاب لب بام.^{۴۶}

هوشنگ گلشیری

^{۴۶} همان، ص ۲۲۶

هوشنگ گلشیری نخستین کسی بود که از تکنیک ادبی مدرن در داستان نویسی فارسی استفاده کرد. او یکی از تاثیرگذارترین داستان نویسان معاصر فارسی محسوب می شود. هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶ش/۱۹۳۸م. در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م. در گذشت. او در زمینه رمان نویسی هم کارهای مهمی را انجام داده است. او رمان به نام *سازده/احتجاج* در سال ۱۹۶۹ میلادی نوشته است. این رمان در مورد ظلم و ستم و استبداد شاهزادگان قاجاری است. رمانهای گلشیری دیگر هم گرایشهای جدید را نشان می دهد که عبارتند از:

کریستین و کید

بره گکشدہ راعی

آینه های دردار

جن نامخ^{۴۷}

محمد حجازی

محمد حجازی هم از برجسته ترین رمان نویسان فارسی است که در این زمینه رمان نویسی و داستان نویسی نقش های مهمی را ایفا نموده است. او در آثار خود درباره مسایل جامعه ایران بالخصوص مسایل زنان بسیار صحبت کرده است و همچنین در مورد زندگی طبقات

پائین و ستم دیده اجتماعی ایران ذکر کرده است. او در سال ۱۹۷۴ میلادی درگذشت. رمانهای که او نوشته اند، زیر می نویسم.

زیبا، هوما، پریچهر، آینه، آهنگ، ساغر، نسیم، پروانه و غیره...

محمد علی افغانی

محمد علی افغانی نویسنده نامی و گرامی ادبیات فارسی است که در سال ۱۹۲۵ میلادی در شهر اصفهان به دنیا آمد. او در رمان خود وضعیت های زنان ایرانی اینطور بیان کرده است که کسی قبل از وی بیان نکرده است. رمان **شوهر آهو خانم** شاهکار اوست که در این راه عشق برای زنان چقدر مشکل می شود، آن را به طبق جامعه ایرانی به خوبی بیان کرده است. این رمان در سال ۱۹۶۱ به چاپ رسیده است. این رمان ارزش و اهمیت ادبی تاریخی اجتماعی را هم نشان می دهد.

غلام حسین ساعدی

پس از رمان **شوهر آهو خانم**، یکی از مهمترین رمان های اجتماعی به وجود آمد که به نام **توب** نوشته شده است. این رمان توسط غلام حسین ساعدی نوشته شده است. این رمان هم از حیث اجتماعی خیلی مهم دانسته می شود و گرایش های رمان نویسی این دوره را نشان می دهد. آثار دیگر ساعدی هم وجود دارند که عبارتند از:

مقتل، تاتار خندان، غریبه در شهر و پنجه در هوا.

سیمین دانشور

سیمین دانشور یکی از معروفترین چهره های این نوع ادبی است که فصلی تازه در ادبیات داستانی فارسی آغاز کرد. او رمان به نام *سوشون* در سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۹م. نوشته است. سیمین دانشور همسر مرحوم جلال آل احمد بود که هم جدی ترین رمانهای فارسی، بعد از جنگ جهانی دوم نوشته است. این رمان به زبان یک زن، شرح حال یک خانواده باسواد و در آن اجتماع مرد برتری می دارد، را بیان می کند. او در سال ۲۰۱۲ میلادی در گذشت.

رضا براهنی

رضا براهنی هم چهره معروف در زمینه رمان نویسی است که رمان تاریخی به نام *روزگار دوزخی آقا ایاز* نوشته است. این رمان در سال ۱۹۷۲ میلادی منتشر شد. در این رمان درباره شرح زندگی محمود غزنوی، منصور حلاج و غلام محمود غزنوی ایاز ذکر شده است. دیگر آثار وی،

چاه به چاه، الیاس در نیویورک، بعد از عروسی چه گذشت، آواز کستگان و راز های سرزمین من.

علاوه بر این بیشتر رمان نویسان هستند که برای فهمیدن گرایش های رمان نویسی این دوره خیلی کمک کننده است. عبارتند از:

سعید نفیسی

محمد مسعود دهاتی

ابراهیم گلستان

علی دشتی

لطف الله ترقی

مرجان ساتراپی

ایرج پژشکزاد

مصطفی مستوری

ابراهیم جسیب بیگی

سید مهدی شجاعی

فصل دوم

گرایش های رمان نویسی انگلیسی: دوران جان استاین بک

گرایش های رمان نویسی انگلیسی: دوران جان استاین بک

معرفی مختصری تاریخ ادبیات انگلیسی

در تاریخ زبان انگلیسی پیدا می شود که در سال ۱۳۶۲م زبان انگلیسی در کشورهای مختلف زبان حقوقی دادگاههای انگلستان به وجود آمد. در این سال زبان انگلیسی زبان رسمی نبود. در سال ۱۳۶۳م وقتی که نخست وزیر انگلستان برای افتتاح پارلمان آمده و به زبان انگلیسی سخن گفته است. پس از آن زبان انگلیسی زبان رسمی گردید. دانشمندان و نویسندگان تا قرن شانزدهم به زبان لاتین آثار خود می نوشتند اما بعد از آن بیشتر نویسندگان به زبان انگلیسی نوشتن آثار خود آغاز کردند.

تاریخ ادبیات انگلیسی یکی از برجسته ترین و معروفترین ادبیات سراسر جهان محسوب می شود. ادبیات انگلیسی در دنیا خیلی گسترش یافته است چون که خارجیان آثار خودشان را در سرزمین انگلستان به زبان انگلیسی می نوشتند و کشورهای تحت استعمار بریتانیا و بیشتر کشورهای همسایه آن تحت تاثیر این زبان و ادب هم بوده و آثارشان نیز به این زبان ظهور شد.

در اوایل قرن نوزدهم می بینیم که بیشتر نویسندگان و دانشمندان بریتانیا آثار بزرگ خود را به زبان انگلیسی نوشته اند و بعد از آن زمان همین فرهنگ نوشتن و خواندن به دست ایالات متحده امریکا رسیده و در قرن بیستم می یابیم که بیشتر آثار توسط آمریکایی و ایرلندی نگاشته شده اند.^{۴۸}

در قرن پنجم امپراطوری روم سرزمین بریتانیا ترک کرد و کشور خود باز گزیدند. از این دوره اگر ادبیات باستانی را می بینیم، معلوم می شود که بیشتر آثار حماسی و اشعار حماسی نوشته شده است. این همه آثار از انجیل به وجود آمده است. *بیولوف*^{۴۹} یکی از اشعار مهمترین و معروف دانسته می شود.

در قرن هشتم قبیله دیگری از ژرمن ها به سرزمین انگلستان حمله کردند. نورمن ها یک قبیله بودند که در شمال فرانسه می زیسته اند. در این دوره اشعار و داستان های مذهبی نوشته شده اند که بیشتر از انجیل گرفته شده اند. علاوه بر این داستان های غیر مذهبی هم به وجود آمدند و گرایش های نو در ادبیات آغاز کرد. *کانتربری تلس*^{۵۰} که توسط جفری پاسر نوشته شده و *مورتی دی آرتور*^{۵۱} اثر توماس مالوری است. این آثار غیر مذهبی مهمی قرار داده اند و گرایش های جدید هم معرفی کرده است.

" هر چه به اواخر قرون وسطی نزدیکتر می شویم، در کاخ های فیودال ها که روز به روز بیشتر از قدرت مرکزی فاصله می گیرند توجه بیشتری به جنبش های ادبی احساس می شود. این فیودال ها ضمناً تحت حمایت دربار پاپ و صومعه ها هستند که گذشته از ادبیات

Rickett, Compyon, A History of English Literature, London, 1923A.D ^{۴۸}
Beowulf(Old English Epic Poem) ^{۴۹}
Canterbury Tales ^{۵۰}
Morte d'Arthur ^{۵۱}

مذهبی، ادبیات غیر مذهبی را هم اداره می کنند. در کنار موجی از سرودها و زندگی قدیسان، یک رشته آثار غیر مذهبی از قبیل تاریخ نویسی و حماسه و اشعار غنایی و آموزشی نیز به وجود می آید.^{۵۲}

در قرن پانزدهم عصر جدیدی در ادبیات انگلیسی به نام *رنسانس* ظهور شد. این یکی از مکتب های مهمی دانسته می شود چون که یک گرایش نو در دنیای ادبیات انگلیسی رواج داد.

اگر ما ادبیات باستانی و وسطی می خوانیم، می یابیم که آن زمان دانشمندان و ادیبان بیشتر آثار به مسایل اخروی و مذهبی نگاشته شده اند اما دوران رنسانس می بینیم که بیشتر آثار مسایل انسان و دنیوی نوشته شده و ادبیات انگلیسی را غنی تر کرده اند.

رنسانس را عصر روشنگری دانسته می شود. اصلاً این نوع جدید بود که از ایتالیا آغاز شد و تمام اروپا گسترش کرد.

معنی رنسانس در لغت نامه دهخدا

"رنسانس، احیاء. بازگشت به زندگی. اعاده حیات. تولد جدید. تجدید حیات، بطور خاص دوره تجدد و جنبشی را گویند که در پایان قرون وسطی و آغاز قرون جدید (قرن ۱۴ - ۱۶ م.) برای احیای ادبیات و علوم و صنایع در اروپا بوجود آمد و اساس این جنبش و تجدید حیات تقلید از ادبیات قدیم بود. در پایان قرن پانزدهم و نیمه اول قرن شانزدهم صنایع و ادبیات را رونق شگفت آوری پدید آمد. این شکفتگی را که در عالم صنعت و ادب روی

^{۵۲} سید جسینی، رضا، مکتب های ادبی، جلد اول، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵

نمود، رنسانس می خوانند و هرچند این معنی چندان رسا نیست ولی مراد از آن بازگشت هنر و ادب است. رنسانس که یکی از مهمترین وقایع تاریخ دنیاست نخست در ایتالیا مایه گرفت و از آن پس در فرانسه و آلمان و اسپانیا و هلند بسط و انتشار یافت و هنرمندان آن دوره شاهکارهایی بوجود آوردند که تا امروز اثری عالیترا و نیکوتر از آنها پدیدار نشده است. چنانکه اکتشافات بحری میدان سعی و عمل را در کارهای مادی وسعت داد، رنسانس هم عرصه فکر بشر را توسعه بخشید. علل رنسانس و پیشروان آن : یکی از مهمترین موجبات پیشرفت رنسانس در اروپا کشف آثار بازمانده ملل باستانی و بخصوص شاهکارهای علمی و فلسفی یونان بود که در قرون وسطی مردم از وجود آنها بکلی بیخبر بودند. این آثار در نتیجه فتوحات مسلمانان در امپراطوری بیزانس بدست آنها افتاد و در قرن دوازدهم میلادی قسمتی از آن از راه شمال افریقا و سرزمین اندلس (اسپانیا) به اروپا رفت و قسمتی دیگر در جنگهای صلیبی مستقیماً بدست اروپاییان که با مسلمانان در جنگ بودند افتاد و به زبانهای اروپایی ترجمه شد و این ترجمه و انتشار آثار یونانی موجب ایجاد افکار فلسفی و ادبی و علمی تازه ای شد و همین اندیشه های جدید از مهمترین عوامل پیدایش رنسانس گردید"^{۵۳}

در قرن هجدهم یکی از مهمترین مکتب های ادبی در ادبیات انگلیسی به وجود آمد که رومانتیسم می گویند. انقلاب فرانسه که در سال ۱۷۸۹م اتفاق افتاد، یکی از عوامل زمینه رمانتیسم محسوب می شود.

^{۵۳} <https://abadis.ir/fatofa/%D8%B1%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%D8%B3>

رومانتیسم در حقیقت جنبش انقلابی است که سخنان فلسفی و سیاسی و همه در عصر روشنگری و بیان آزادی انسان و حساسیت های آنان و تایید حقوق فردی را نشان می دهد. **آفره دوموسه**^{۵۴} درباره این مکتب چنین گفته است. "رومانتیسم نه تحقیر قانون سه وحدت کلاسیک است، نه در آمیختن کمدی با تراژدی و چیزی دیگری از این قبیل. بیهوده برای گرفتن پروانه ای بالهای او را می چسبید، زیرا رشته های ظریفی که این بال را به بدن او وصل می کند در میان انگشتانتان نابود خواهد شد. رومانتیسم ستاره گریانی است، رومانتیسم نسیم نالانی است، رومانتیسم پرتو ناگهانی و سرمستی بیماری است..."^{۵۵}

می دانیم که رمانتیسم یک جریان ادبی و هنری است که نخست در اواخر قرن هجدهم در انگلستان و کشورهای دیگر شروع شد. مهمترین نویسندگان این مکتب می توانید در زیر ببینید.

در انگلستان

ویلیام بلیک^{۵۶}

وردزورث^{۵۷}

کالریج^{۵۸}

در آلمان

^{۵۴} Alfred de Musset

^{۵۵} سید جسنی، رضا، مکتب های ادبی، جلد اول، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۱۶۱

^{۵۶} William Blake

^{۵۷} Wordsworth

^{۵۸} Coleridge

گوته^{۵۹}

شیلر^{۶۰}

هولدرلین^{۶۱}

در فرانسه

ویکتور هوگو

شاتوبریان

لامارتین

در ایتالیا

مانتسونی^{۶۲}

لیوپاردی^{۶۳}

در اسپانیا

سورلیا^{۶۴}

در اسکاندیناوی

Goete^{۵۹}

Schiller^{۶۰}

Holderlin^{۶۱}

Manzoni^{۶۲}

Leopardi^{۶۳}

Zorrilla^{۶۴}

اولنشلگر^{۶۵}

تگنر^{۶۶}

استاگنلیوس^{۶۷}

هنگامی که ملکه ویکتوریا بر تخت سلطنت نشست و تقریباً ۶۴ سال حکمرانی کرد، دوران ملکه ویکتوریا پیشرفت های صنعتی و امپراطوری بریتانیا به اوج رسیده است و در این دوره بیشتر مجلات و داستان ها و رمان ها چاپ شده اند و ادبیات انگلیسی را رونق بخشیده است.

فهرستی از معروفترین نویسندگان و شاعران انگلستان و گرایش های آنان در زیر می توانید ببینید.

ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶)

در ادبیات انگلیسی ویلیام شکسپیر یکی از معروفترین و بزرگترین شاعران و نمایش نامه نویسان دانسته می شود. او برای پیشرف کردن ادبیات انگلیسی کارهای مهمی را انجام داده و شاهکارهای ادبیات انگلیسی را خلق کرد. آثار وی در زیر می توانید ببینید.

Oehlenschlager^{۶۵}

Tegner^{۶۶}

Stagnelius^{۶۷}

سید جسینی، رضا، مکتب های ادبی، جلد اول، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۱۶۱

اتللو^{۶۸}

مکبث^{۶۹}

هملت^{۷۰}

رومیو و ژولیت^{۷۱}

شاه لیر^{۷۲}

ساموئل جانسون^{۷۳} (۱۷۰۹ - ۱۷۸۴)

ساموئل جانسون شاعر، نویسنده، منتقد و فرهنگ نویس معروف در قرن هجدهم میلادی به شمار می رود که بیشتر آثار وی فرهنگ زبان انگلیسی و زندگی شاعران را نشان می دهد و یک گرایش جدید در ادبیات انگلیسی رواج داد.

مهمترین آثار وی: عبارتند از

تراژدی ایرن

لندن

Othello^{۶۸}
Macbeth^{۶۹}
Hamlet^{۷۰}
Romeo and Juliet^{۷۱}
King Lear^{۷۲}
Samuel Johnson^{۷۳}

بیهودگی آرزوهای انسان

مسافر جهان

میهن پرست

سرگردان

مقدمه‌ای بر نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر

فرهنگ لغت زبان انگلیسی

نظرات گوناگون درباره تراژدی مکبث

جین آستین^{۷۴} (۱۷۷۵ - ۱۸۱۷)

جین آستین در زمان خود یکی از مشهورترین رمان نویسان ادبیات انگلیسی است که آثار وی ادبیات غرب را متاثر کرد. آثار وی به زبان فارسی هم ترجمه شده اند که عبارتند از: در سال ۱۳۳۶ش. رمان های جین آستین توسط شمس الملوک به زبان فارسی ترجمه شده است.

رمان عقل و احساس به عنوان حس و حساسیت توسط نشر نی به فارسی ترجمه شده است که معروفترین آثار وی در ایران محسوب می شود.^{۷۵}

Jane Austen^{۷۴}

چالز دیکنز^{۷۶} (۱۸۱۲ - ۱۸۷۰)

چالز دیکنز یکی از تاثیرگذارترین نویسندگان دروه حکمرانی ویکتوریا بود. او داستان‌ها نوشته‌اند که ادبیات انگلیسی را رونق بخشیده است. آثار وی عبارتند از:

دیوید کاپرفیلد^{۷۷}

آرزوهای بزرگ^{۷۸}

الیور توئیست^{۷۹} و

داستان دو شهر^{۸۰}

جرج الیوت (۱۸۱۹ - ۱۸۸۰)

جرج الیوت هم معروفترین نویسنده دوران حکمرانی ملکه ویکتوریا بود که در زمینه رمان نویسی کارهای مهمی را انجام داد و رمان‌های مدرن را ایجاد کرد.

آثار وی یک گرایش جدید را نشان می‌دهد که عبارتند از:

⁷⁵ Jane Austen - IMDb Official Page, <http://www.imdb.com/name/nm0000807/>

Charles Dickens^{۷۶}
David Copperfield^{۷۷}
Great Expectations^{۷۸}
Oliver Twist^{۷۹}
A Tale of Two Cities^{۸۰}

آسیاب کنار فلوس

رود خانه

میدل مارچ

دانیل دروندا

توماس هاردی^{۸۱} (۱۸۴۰-۱۹۲۸)

توماس هاردی رمان نویس ناتورالیسم و شاعر اهل انگلستان است که در زمینه رمان نویسی طبیعت گرایی کارهای مهمی را انجام داد و گرایش نوشتن رمان طبیعت گرایی را یک کمی پیشرفت کرده است.

آثار معروف وی ، عبارتند از:

انو و مرد فقیر

یک جفت چشم آبی

به دور از مردم شوریده

ساکن بیشه زار

داستانهای وسکس

Thomas Hardy^{۸۱}

تس از خانواده دوربرویل

دلبند

قضای روزگار

ویرجینیا ولف^{۸۲} (۱۸۸۲ - ۱۹۴۱)

ویرجینیا ولف نویسنده رمان نویسی فیمنیسی انگلیسی بود. او در رمان های خود مسایل واقعیت های درونی انسان و نظرات فیمنیسی بسیار ذکر کرده است.

آثار وی در زیر می توانیم ببینیم.

خانوم دلووی

به سوی فانوس دریایی

اتاقی از آن خود

اتاق جیکوب

علاوه بر این بیشتر نویسندگان و شاعران هستند که ادبیات انگلیسی را رونق بخشیده اند و گرایش های جدیدی را معرفی کرده اند.

Virginia Woolf^{۸۲}

عبارتند از:

جاناتان سوئیفت^{۸۳} (۱۷۴۵ - ۱۶۶۷)

شارلوت برونته^{۸۴} (۱۸۵۵ - ۱۸۱۶)

اسکار وایلد^{۸۵} (۱۹۰۰ - ۱۸۵۴)

ویرجینیا ولف (۱۹۴۱ - ۱۸۸۲)

آگاتا کریستی^{۸۶} (۱۹۷۶ - ۱۸۹۰)

جی آر آر تالکین^{۸۷} (۱۹۷۳ - ۱۸۹۲)

باربارا کارتلند^{۸۸} (۲۰۰۰ - ۱۹۰۱)

جورج اورول^{۸۹} (۱۹۵۰ - ۱۹۰۳)

رولد دال^{۹۰} (۱۹۹۰ - ۱۹۱۶)

معرفی مختصری ادبیات آمریکا و گرایش های رمان نویسی آمریکا

Jonathan Swift^{۸۳}

Emily Brontë^{۸۴}

Oscar Wilde^{۸۵}

Agatha Christie^{۸۶}

J. R. R. Tolkien^{۸۷}

Barbara Cartland^{۸۸}

George Orwell^{۸۹}

Roald Dahl^{۹۰}

ادبیات آمریکا ادبیاتی است که در ایالات متحده آمریکا و مستعمرات سابق آن نوشته و تولید شده اند. قبل از تاسیس ایالات متحده، ادبیات آمریکا تحت تاثیر ادبیات انگلیسی بوده و ادبیات آمریکا بسیار نزدیک با ادبیات انگلیسی است.

دوره استعماری (۱۴۹۲-۱۷۰۰) ۱

تاریخ ادبیات آمریکا در دوره استعماری بریتانیا آغاز شد و بعد از آن در زمینه ادبی مختلف پیشرفت کرد. اگر ما در مورد ادبیات آمریکا را می خوانیم، می یابیم که آغاز ادبیات آمریکا نه فقط در سر زمین انگلستان شروع شد بلکه روابط این ادبیات هم به ادبیات فرانسه، اسپانیا و هلند می توان دید. نویسندگان و شاعران آن زمان سبک و طرز نوشتن از ادبیات انگلیسی در آوردند و سبک ادبیات انگلیسی را قبول کردند و چندان هستند که فرهنگ آمریکایی را ادبیات آمریکا جای مهمی قرار دادند و ادبیات آمریکایی را غنی تر کردند.^{۹۱}

جنگ آمریکا علیه انگلستان که در سال ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۳ اتفاق افتاده است ، جنگ استقلال ادبی قرار داده شده است. پس از آن ادبیات مستقل آمریکایی به وجود آمد و بیشتر آثار نوشته شده اند.

" جنگ تمام عیار انقلابیون آمریکا بر علیه بریتانیا(۱۷۷۵-۱۷۸۳) اولین جنگ آزادی خواهانه نوین در برابر قدرت استعماری بود. پیروزی و استقلال آمریکا برای بسیاری از افراد در آن روزها، نشانی الهی و حکایت از این داشت که تقدیر، عظمت و بزرگی را برای این کشور

^{۹۱} Beers, A. Henry, Brief History of English and American Literature, Eaton and Mains New York, United States, 1897,p-117-30

رقم خواهد زد. پیروزی به دست آمده نظامی، امید میهن پرستانه ای برای ادبیات پرشکوه جدید بود. با این حال، به استثنای نوشته های مهم سیاسی، تعداد اندکی آثار ادبی قبل و بعد از انقلاب به نگارش در آمدند.^{۹۲}

جیمز مور کوپر^{۹۳} (۱۷۸۹-۱۸۵۱)

جیمز مور کوپر و همچنین *واشنگتن اروینگ*^{۹۴} از حیث نخستین نویسندگان بزرگ آمریکا شناخته می شوند و دیگر نویسندگان دوره رمانتیسزم هم بودند که اسطوره های قدرتمند عصر طلاعی گذشته آمریکا و تاثیر آن را آشکار کرده اند.

در پنج رمان کوپر که به عنوان داستان های *لدر استاکینگ*^{۹۵} است. این پنج داستان یک حماسه است که به شکل نثر نوشته شده است. داستان این رمان درباره قبایل سرخ پوست، جنگ های بزرگ و بازیگران آن زمان و اجتماع و جامعه آنان را بیان می کند و هم در مورد زندگی نخستین مردم آمریکا را از سال ۱۷۴۰ تا ۱۸۰۴ مطرح می کند.

علاوه بر کوپر دیگر نویسندگان هم بودند که در این زمینه کارهای ادبی مهمی را انجام داده اند. عبارتند از:

رادیارد کیپلینگ^{۹۶}

^{۹۲} در آمدی بر ادبیات آمریکا، از مجموعه آوا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ص، ۹

^{۹۳} James Fenimore Cooper

^{۹۴} Washington Irving

^{۹۵} Leather-Stocking

^{۹۶} Rudyard Kipling

ادوارد مورگان فورستر^{۹۷}

همانطور که می دانیم که جنبش رمانتیسم از آلمان و کشورهای دیگر آغاز شد و به سرعت گسترش یافته است. در حدود سال ۱۸۲۰ م. این جنبش رمانتیسم به آمریکا رسیده و یک جنبش تعالی گرایی که رابطه با جنبش رمانتیک داشت، نیز ادبیات آمریکا را رونق بخشیده است. اسم های نویسندگان این دوره در زیر می توانید ببینید.

رالف والدو امرسون^{۹۸}

هنری دیوید ترو^{۹۹}

والت ویتمن^{۱۰۰}

امیلی دیکینسون^{۱۰۱}

ادبیات آمریکا در دوره جنگ جهان اول و دوم خیلی متاثر شده است. بسیاری از نویسندگان و مورخان، مدت این زمان را عصر آسیب ها قرار داده اند.

در این زمان سربازان آمریکایی به خانه خود باز گشتند. گفته اند که زندگی مردم آمریکایی بسیار تغییر شده اند و اثر بر ادبیات را هم می توان دید. در حقیقت بعد از آشنا شدن زندگی شهری، آنها برای زندگی کردن به سوی شهر کوچ کردند.

E. M. Forster^{۹۷}
Ralph Waldo Emerson^{۹۸}
Henry David Thoreau^{۹۹}
Walt Whitman^{۱۰۰}
Emily Dickinson^{۱۰۱}

پس از جنگ، دوران شکوفایی اقتصادی بزرگ تجارت بسیار رونق گرفت و آمریکایی برای تحصیلات عالی شرکت کردند. در این زمان آمریکا بسیار پیشرف کرد و ادبیات آمریکا هم از این محروم نبود. بسیاری از نویسندگان در زمینه تاریخ نویسی و به همراه جریانات فکر اروپایی بالخصوص به جریانات بیداری خودشان را مشغول گذاشته اند که عبارتند از:

اسکات فیتزجرالد^{۱۰۲}

ارنست همینگو^{۱۰۳}

گرترو استین^{۱۰۴}

در این زمان رمان های متعددی نوشته شده اند که در زیر می توانید ببینید.

خورشید هم طلوع می کند (همینگوی)

این سوی بهشت (فیتزجرالد)

نسل گم شده (گرترو استین)

نوگرایی موج فرهنگ عظیمی بود که در اروپا به وجود آمد و بعد از آن در اوایل قرن بیستم به آمریکا رسید. این هنری ادبی است که حسی از زندگی مدرن را بیان می کند.

Scott Fitzgerald^{۱۰۲}
Ernest Hemingway^{۱۰۳}
Gertrude Stein^{۱۰۴}

" موج فرهنگی عظیم نوگرایی که در اروپا پدیدار گشت و سپس در اوایل قرن بیستم به ایالات متحده رسید، از طریق هنر، حسی از زندگی مدرن را به دست می داد که کاملاً با گذشته فرق داشت. در حالی که ابزار ماشینی امروزی، سرعت، چگونگی و ظاهر زندگی روزمره را در اوایل قرن بیستم تغییر داده بود، هنرمندان و نویسندگان بسیاری، در سطوح گوناگون، شکل های هنری سنتی را تجدید و سعی نمودند شیوه های بنیادین جدیدی از هنر را بیابند، طنین زیبایی شناسی آن چیزی که مردم عصر ماشین نام گذاردند. " ^{۱۰۵}

معروفترین نویسندگان و شاعران این دوره و معاصر که ادبیات آمریکا را رونق بخشیده اند. عبارتند از:

تی.اس. الیوت ^{۱۰۶}

رابرت لی فراست ^{۱۰۷}

فرانسیس اسکات فیتزجرالد

ارنست همینگوی

ویلیام فالکنر ^{۱۰۸}

یوجین اونیل ^{۱۰۹}

^{۱۰۵} در آمدی بر ادبیات آمریکا، از مجموعه آوا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ص، ۲۰

^{۱۰۶} T. S. Eliot

^{۱۰۷} Robert Frost

^{۱۰۸} William Faulkner

سیلویا پلات^{۱۱۰}

الن گینزبرگ^{۱۱۱}

تنسی ویلیامز^{۱۱۲}

ادورا ولتی^{۱۱۳}

رالف الیسون^{۱۱۴}

جان چی ور

جان آپ دیک

نورمن میلر^{۱۱۵}

تونی موریسون^{۱۱۶}

لوئیز گلوک^{۱۱۷}

بیلی ک.لینز^{۱۱۸}

آنی پرولکس^{۱۱۹}

Eugene O'Neill^{۱۰۹}

Sylvia Plath^{۱۱۰}

Allen Ginsberg^{۱۱۱}

Tennessee Williams^{۱۱۲}

Eudora Alice Welty^{۱۱۳}

Ralph Ellison^{۱۱۴}

Norman Mailer^{۱۱۵}

Toni Morrison^{۱۱۶}

Louise Glück^{۱۱۷}

Billy Collins^{۱۱۸}

رمان نویسی در ادبیات آمریکا یکی از بخش های مهمترین است. بسیاری از نویسندگان هستند که در زمینه رمان نویسی کارهای مهمی را انجام داده اند.

"والت ویتمن"^{۱۲۱}، هرمن ملویل^{۱۲۲}، امیلی دیکینسون^{۱۲۳} به همراه معاصرین خود مانند نتانیل هاتورن^{۱۲۴}، ادگا آلن پو^{۱۲۵} نماینده نخستین نسل بزرگ ادبی هستند که در آمریکا پدیدار گشت. در مقوله داستان نویسی، دید احساسی را در قالبی که هاتورن آن را رمان می نامد شامل نوعی از داستان ظریف، حسی و نمادین می داند. آنگونه که هاتورن بیان می کند، رمان داستانی عشقی نیست، رمان های واقعی از شیوه ای خاص برای روابط پیچیده و معانی ظریف استفاده می کنند.^{۱۲۶}

تاریخ رمان نویسان آمریکایی با گذشته ای از کشمکش و انقلاب، جامعه دموکرات و سطح پایین را نشان می دهد. بسیاری از نویسندگان انگلیسی درباره شخصیت های ضعیف و

Annie Proulx^{۱۱۹}

Richard Ford^{۱۲۰}

Walt Whitman^{۱۲۱}

Herman Melville^{۱۲۲}

Emily Dickinson^{۱۲۳}

Nathaniel Hawthorne^{۱۲۴}

Edger Allen Poe^{۱۲۵}

^{۱۲۶} در آمدی بر ادبیات آمریکا، از مجموعه آوا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ص، ۳۲

پیشرف وضعیت های اجتماعی و اقتصادی آنان می نوشتند. این گرایش رمان نویسی انگلیسی جامعه آن زمان بالخصوص طبقه متوسط را نشان می دهد.

" از سوی دیگر داستان نویسان آمریکایی مجبور بودند که متکی به امکانات خود باشند. آمریکا تا اندازه ای، به شکل دوامدار با جمعیت مهاجر در حال رفت و برگشت، با زبان های گوناگون مواجه بوده است که هر کدام زندگی های عجیب و غریبی داشتند. بنابراین شخصیت اصلی در داستان های آمریکایی ممکن است خود را مانند کتاب *تایپی* نوشته ملویل در قبایل آدمخوار بیابد، و یا جستجو در سرزمین های وحشی مانند: داستان های سبک لدر استاکینگ نوشته جیمز فینمور کوپر، یا شاهد نگاهای تنها از قبر مانند تنهایی افراد در آثار پو، و یا دیدن شیطان در حالی که در جنگل قدم می زند، مانند *گودمن برون جوان* نوشته هاتورن. تقریباً تمام شخصیت های اصلی داستان های آمریکایی تنها هستند، شخصیت آزاد آمریکایی، که در حقیقت چنین بودند، باید خودشان را می آفریدند. داستان نویسان مهم آمریکا نیز مجبور به آفرینش شخصیت های جدید بودند: مانند قالب غیر معمول در شخصیت عجیب در داستان *موبی دیگ* اثر ملویل و داستان رویایی و سرگردان *آرتور گوردن پیم* نوشته پو.^{۱۲۷}"

نتانیل هاتورن^{۱۲۸} (۱۸۰۴-۱۸۶۴)

^{۱۲۷} همان، ص ۳۲

^{۱۲۸} Nathaniel Hawthorne

نتانیل هاتورن یکی از برجسته ترین نویسندگان آمریکایی است که در زمینه رمان نویسی و داستان نویسی کوتاه کارها مهمی را انجام داده است. او در داستان های خود در مورد تاریخ و اخلاق و مذهب بسیار نوشته است که برای فهمیدن گرایش های رمان نویسی آن زمان خیلی کمک کننده می باشد.

آثار نتانیل هاتورن

ماجرای عاشقانه دالیور

حرف سرخ فام

اکسیر حیات

فون مرمری

ماجرای عاشقانه بلیث دال

خانه هفت شیروانی

رمانس دالیور

تصویر برفی

قصه های دو بار گفته

قصه های تنگلوود

داغ تنگ (*The Scarlet Letter*) از معروفترین اثر هاتورن است. این رمان تاریخی است که در سال ۱۸۵۰م. منتشر شده است. داستان این رمان در شهر بوستون، یک جامعه شدیداً مذهبی را بیان می کند. این رمان هاتورن خیلی معروف در زمینه رمان نویسی آمریکا دانسته می شود.

هرمن ملویل^{۱۲۹} (۱۸۱۹-۱۸۹۱)

هرمن ملویل رمان نویسی و شاعر و نویسنده داستان های کوتاه آمریکایی است که در سال ۱۸۱۹م. در نیویورک به دنیا آمد. آثار وی در زمینه رمان نویسی خیلی مقبولیت حاصل کرده است. رمان *موبی دیک*^{۱۳۰} اثر هرمن ملویل است که یکی از برجسته ترین شاهکارهای ادبیات آمریکا و جهان شناخته شده است.

داستان رمان *موبی دیک* درباره حادثه کشتی شکار نهنگ که نامش *پکود*^{۱۳۱} و کاپیتانش *آهب*^{۱۳۲} را بیان می کند. بعد از مطالعه کردن این رمان می توان گفت که ملویل یک گرایش جدید در ادبیات آمریکا معرفی کرده است. علاوه بر این دیگر آثار وی هم موجود اند که عبارتند از:

تای پی^{۱۳۳}

Herman Melville^{۱۲۹}
Moby-Dick or The Whale^{۱۳۰}
Pequod^{۱۳۱}
Ahab^{۱۳۲}
Typee: A Peep at Polynesian Life^{۱۳۳}

مادری^{۱۳۴}

أمو^{۱۳۵}

نیم تنه سفید^{۱۳۶}

پیر^{۱۳۷}

ایسرائیل پاتر^{۱۳۸}

مرد مطمئن^{۱۳۹}

کلارل^{۱۴۰}

تیمالیون^{۱۴۱}

بارتلبی محرر^{۱۴۲}

هریت الیزابت بیچر استو^{۱۴۳} (۱۸۹۶-۱۸۱۱)

Mardi^{۱۳۴}

Omoo^{۱۳۵}

White-Jacket or The World in a Man -of-War^{۱۳۶}

Pierre^{۱۳۷}

Israel Potter^{۱۳۸}

The Confidence Man^{۱۳۹}

Clarel^{۱۴۰}

Timoleon^{۱۴۱}

Bartley the Scrivener^{۱۴۲}

Harriet Beecher^{۱۴۳}

هریت الیزابت بیچر استو از معروفترین نویسندگان در ایالات متحده آمریکا به شمار می رود. او رمان به نام *کلبه عمو تام*^{۱۴۴} نوشت که در سال ۱۸۵۲م. منتشر شده است. این رمان درباره جنگ داخلی آمریکا که چگونه متاثر کرده و آمریکایی آفریقایی تبار ذکر کرده است.

سمیوئل لنگهورن کلمنز^{۱۴۵} (۱۸۳۵-۱۹۱۰)

سمیوئل لنگهورن کلمنز نیز به نام *مارک توین*^{۱۴۶} شناخته شده است. او نویسنده و طنزپرداز آمریکایی است که برای کار رمان *ماجراهای تام سایر*^{۱۴۷} و *ماجراهای هاگلبری فین*^{۱۴۸} بسیار شهرت حاصل کرده و مقبول شد. مارک توین اولین نویسنده ای است که سبک گفتاری و سوخ مزاحی را در آثار خود بکار برده است. این سبک توین مبنی بر واقع گریانه، پر انرژی و گویش آمریکایی است که یک گرایش جدید آن زمان را نشان می دهد.

آثار مارک توین

شاهزاده و گدا

عصر طلاعی

خاطرات شخصی ژان دارک

داستان یک اسب

Uncle Tom's Cabin^{۱۴۴}
Samuel Langhorne Clemens^{۱۴۵}
Mark Twain^{۱۴۶}
The Adventures of Tom Sawyer^{۱۴۷}
Adventures of Huckleberry Finn^{۱۴۸}

بیگانه مرموز

تام سایر در خارج

تراژدی ویلسون کله پوک

یک یانکی اهل کتیک در دربار شاه آرتور

داستان یک سگ

خاطرات آدم

بشر چیست

خاطرات حوا

مردی که هایدلبرگ را تباه کرد

یک قتل راز یک ازدواج

به دنبال خط استوا

فرانسیس اسکات کی فیتزجرالد (۱۹۲۱-۱۹۴۰)

فرانسیس اسکات کی فیتزجرالد یکی از نویسندگان بزرگ قرن بیستم میلادی دانسته می شود. رمان گتسبی بزرگ^{۱۴۹} مهمترین اثر او است که در سال ۱۹۲۵م. چاپ شده است.

The Great Gatsby^{۱۴۹}

آثار فرانسیس اسکات کی فیتزجرالد

لطیف است شب

زیبا و ملعون

انتشارات روزگار نو

آخرین قارون

رویاهای زمستان

این سوی بهشت

بازگشت به بابل

ویلیام کاتبرت فاکنر (۱۸۹۷-۱۹۶۲)

ویلیام کاتبرت فاکنر یکی از برجسته ترین نویسندگان ادبیات آمریکا است. او رمان نویسی آمریکایی است که صاحب برنده جایز نوبل ادبیات است. او نه فقط در زمینه رمان نویسی کارهای را انجام داده بلکه داستان کوتاه، نمایشنامه، شعر و مقاله بسیار هم نوشته است و ادبیات آمریکا را غنی تر کرده است.

معروفترین رمان های فاکنر، عبارتند از:

خشم و هیاهم^{۱۵۰}. و گور به گور^{۱۵۱} رمان های مهمی از فاکنر که در سال ۱۹۲۹-۳۰م نوشته شده اند. این هر دو رمان اثر نوگرا را با خوبی نشان می دهد و یک گرایش جدیدی هم معرفی می کند. رمان *روشنایی ماه اوت*^{۱۵۲} هم نوشته و مسایل پیچیده بین خانمی سفید پوست و مردی سیاه پوست را بیان می کند.

آثار دیگری فاکنر

ابشالوم، ابشالوم^{۱۵۳}

شکست ناپذیر^{۱۵۴}

برخیزای موسی

ناخوانده در غبار

یک افسانه

شهر

عمارت

نحل های وحشی

The Sound and the Fury^{۱۵۰}
As I Lay Dying^{۱۵۱}
Light in August^{۱۵۲}
Absalom, Absalom^{۱۵۳}
The Unvanquished^{۱۵۴}

حرامیان

سازتوریس

مواجب بخور و نمیر

پشه ها

رالف والدو ایلسون^{۱۵۵} (۱۹۱۳-۱۹۹۴)

رالف والدو ایلسون از نویسندگان بزرگ آمریکایی است که در ایالت اوکلاهما به دنیا آمد. او رمان به نام *مرد نامرئی*^{۱۵۶} نوشت. این رمان مسایل نژادی را بیان می کند.

توماس پینچن^{۱۵۷} (۱۹۱۵-۱۹۷۲)

توماس پینچن یکی از نویسندگان آمریکایی است که در زمینه مختلف کارهای خود را انجام داده است. او در سبک رمان نویسی بسیار شهرت حاصل کرده و او برای رمان های سخت و پیچیده در ادبیات آمریکا شناخته می شود. او ژانرهای مختلف مانند موسیقی، تاریخ، ریاضیات و دانش هم علاقه بسیار داشت. او یکی از معروفترین نویسندگان بعد از جنگ

Ralph Waldo Ellison^{۱۵۵}

Invisible Man^{۱۵۶}

Thomas Pynchon^{۱۵۷}

جهانی دوم هم محسوب می شود. رمان برجسته وی به عنوان *رنگین کمان جاذبه*^{۱۵۸} است که در سال ۱۹۷۳م. منتشر شد. این رمان درباره جنگ آن زمان را نشان می دهد و گرایش رمان نویسی آن زمان را هم توضیح می دهد.^{۱۵۹}

آثار دیگری توماس پینچین

اعلان قرعه ۴۹

وی

تاکستان

ماسن و دیکسون

لبه خونین

علیه روز

خبث ذاتی

علاوه بر این بیشتر رمان نویسان هستند که برای فهمیدن گرایش های رمان نویسی این دوره خیلی کمک کننده است. عبارتند از:

^{۱۵۸} Gravity's Rainbow

^{۱۵۹} در آمدی بر ادبیات آمریکا، از مجموعه آوا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ص، ۳۲-۱۷

جروم دیوید سالینجر^{۱۶۰}

جیمز آرتور بالدوین^{۱۶۱}

ریچارد ناتانیل رایت^{۱۶۲}

جان هویر آپدایک^{۱۶۳}

کیرت وانه‌گت^{۱۶۴}

Jerome David Salinger^{۱۶۰}
James Arthur Baldwin^{۱۶۱}
Richard Nathaniel Wright^{۱۶۲}
John Hoyer Updike^{۱۶۳}
Kurt Vonnegut^{۱۶۴}

فصل سوم

احوال و آثار محمود دولت آبادی و جان استاین بک

محمود دولت آبادی

محمود دولت آبادی در مرداد ماه ۱۳۱۹ه.ش/۱۹۴۰م در روستای دولب آباد سبزوار استان خراسان در خانواده ای روستایی و کشاورز متولد شد. محمود دولت آبادی خود می گوید: "برادر بزرگم محمد رضا که مرا بزرگ کرده و زمان تولد من نه ساله بوده گفت تو در نیمه مرداد ۱۳۱۹ متولد شده ای و من با پشت چاقو این تاریخ را پشت در خانه کندم. ولی بعد که پدرم سجل می گیرد تاریخ تولدم را می نویسند ده مرداد. مادرش فاطمه و پدرش عبدالرسول داشت.

ایام خردسالی او مصادف شد با سال های جنگ دوم جهانی در نیمه دهه بیست شمسی؛ سال های قحطی و مصیبت ایران، از فرط فقر، کار را از همان سنین کودکی آغاز کرد و مشاغل مختلفی را تجربه کرد؛ کار روی زمین، چوپانی، پادویی کفاشی، صاف کردن میخ های کج و بعد به عنوان وردست پدر و برادر به عنوان دنده پیچ کارگاه تخت گیوه کشی، دوچرخه سازی، سلمانی و... در چهارده سالگی بر اثر کار در کارخانه پنبه به نوعی بیماری استخوانی مبتلا شد و همراه پدر و مادر برای معالجه به مشهد رفت و پس از آن نیز پدر و مادر برای زیارت او را به عتبات عالیات در عراق بردند. پس از اقامتی شش ماهه در عراق و بازگشت به ایران، یک سالی در تهران مستقر شد. در آن ایام نیز کار در کارخانه و حروف چینی را تجربه کرد. پس از یک سال دوباره به سبزوار بازگشت و زمانی که ۱۸ ساله بود، با هدف استخدام در ارتش عازم مشهد شد: «اولا که من رفتم گروهبان بشوم در مشهد، درس بخوانم افسر بشوم، باز درس بخوانم و برسم به مراحل بالای نظامی. من نظامی گری را

خیلی دوست داشتم، بعد که آنجا قبول نشدم خب رفتم دنبال کار قبلی ام که آرایشگری بود. در آرایشگری من شاگرد اول بودم و همه می خواستند که من بروم پهلوی آنها کار کنم، ولی من اوستایی داشتم به نام «آتقی» که به من می گفت «داداش» من این عهد را نگه داشتم تا وقتی بیایم تهران.^{۱۶۵} محمود دولت آبادی نخستین فرزند فاطمه است و چهارمین پسر خانواده ای خود است چون که پدرش دو همسر داشت. محمود دولت آبادی در تهران با تیاتر خودش را آشنا کرد و برای تیاتر خودش را آماده کرد. در سال ۱۳۳۷ش/۱۹۵۹م برای تیاتر خودش را اینگونه روایت می کند: "در تیاتر رکلاماتور برنامه و گاهی سوفلور بودم، خمزمان با این کار، کنترلچی سینما شدم، و بعد مدتی ویزیتور کیهان بودم که آن شغل از بیگاری سیزیف هم دشوارتر بود... باز گرفتار یک کار عجیب و گشوده دیگر شدم به نام انبارداری و فیش کردن صورت اجناس از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر و آنجا بود که یک بار دیگر قالب گچ قرار گرفتن را احساس کردم تا بالاخره از سر آن کار بیهوده هم خلاص شدم و در فاصله تمام این کارها و بیکاری ها، سلمانی گری بود که ما را از گرسنگی و فقری مطلق نجات داد."^{۱۶۶}

محمود دولت آبادی برای آموختن تیاتر به کلاس آموزش تیاتر آنهایتا به راهنمایی مصطفی اسکویی خودش را مشغول کرد. او خود می گوید: "آنجا به زحمت من را قبول کردند. قبول نمی کردند برای این که می گفتند شما باید دیپلم داشته باشید. من هم می گفتم آقا حالا دیپلم چه اهمیتی دارد؟ من می خواهم بیایم سر کلاس یاد بگیرم. یک مجادله یک

^{۱۶۵} مجله عاشقانه، شماره ۴۰۰، ص، ۱۵، ۲۰۱۸م.

^{۱۶۶} همان، ص، ۱۵.

ساعته با زنده یاد آقای اسکویی داشتم تا قبول کرد بروم سر کلاس. در آنجا هم در پایان ترم در دو رشته شاگرد اول شدم؛ یکی نویسندگی، یکی بازیگری.^{۱۶۷}

محمود دولت آبادی بعد از تمام کردن این دوره چندین تیاتر و فیلم زیر نظر کارگردان‌هایی «علی حاتمی»، «بهرام بیضایی»، «ناصر رحمانی نژاد» و غیره نقش مهمی در زمینه تیاتر انجام داد، وی در نمایش شهر طلایی از تدوین عباس جوانمرد، قصه طلسم و حریر و ماهیگیر نوشته علی حاتمی، ضیافت و عروسک‌ها نوشته بهرام بیضایی بازی کرد. علاوه بر این وی در نمایش‌های معروف چون مرگ در پاییز از اکبر رادی و نصرت نویدی و راشومون و حادثه درویشی و... نقش‌های مهمی را ایفا نموده است. محمود دولت آبادی همچنین از حیث بازیگر به خدمت اداره تیاتر وزارت فرهنگ و هنر در آمد.

محمود دولت آبادی شوق و علاقه تیاتر را در سال ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م را بطور کلی خدا حافظ گفت. او در مورد تیاتر و کنار گذاشتن آن خود می‌گوید: "عاشق تیاتر بودم و هنوز هم هستم؛ چرا که به نظر من تیاتر زنده‌ترین هنر است. تا وقتی که تیاتر سطح مرا حفظ کرد، در آن باقی ماندم. هنگامی از تیاتر بیرون آمدم که احساس کردم این تیاتر نمی‌خواهد با منی تواند سطح مطلوب مرا رعایت کند و ممکن است مرا فرو بکشد. آن وقت بود که به تیاتر گفتم: خدا حافظ"^{۱۶۸}

محمود دولت آبادی بعد از کنار گذاشتن خودش از بازیگری، در کار نویسندگی را بنیاد نهاد. «ته شب» نخستین اثر محمود دولت آبادی است که در سال ۱۳۴۱ش/۱۹۶۲م در مجله

^{۱۶۷} همان

^{۱۶۸} همان، ص، ۱۶

آناهیتا منتشر شد. بعد از آن «دیار» و داستان بلند «بند»، همچنین «هجرت سلیمان» و «سایه ها و بیابانی»، «پای گلدسته امزاده» و «لایه های بیابانی» در سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۸م چاپ شد. اولین داستان بلند وی به نام «سفر» منتشر شد. آثار بعدی محمود دولت آبادی «اوسنه بابا سبحان» و «با شبیرو» به زبان اتالیایی هم ترجمه شده و «گلاوره بان» که در سال ۱۳۵۱ش/۱۹۷۲م اثر مهمی وی به چاپ شده است، بعد از چند سال وقتی که این به دست خوانندهگان رسید، داستان محمود دولت آبادی با صادق چوبک تفاوت دیده می شود.

اثر بعدی وی «از خم چنبر» و «عقیل عقیل» به وجود آمد که موضوع آن بسیار پیش پا افتاده است. محمود دولت آبادی سفر نامه ای به نام «دیدار بلوچ» که سفر کوتاه به زاهدان بود، روایت کرد. پس از آن «جای خالی سلوچ» نوشته است و بالاخره «کلیدر» پا به عرصه وجود می گذارد. او برای نوشتن رمان «کلیدر» بیش از ۱۵ سال عمرش را صرف نگارش کرد. «کلیدر» در مورد آب و هوای و فضای سیاسی ایران را پس از جنگ جهانی دوم با تفصیل بیان می کند و محمود دولت آبادی در این رمان حقایق و حوادث واقعی به شرح زندگی رعیت های ایرانیان و حکومت ایران که آن زمان بود، اساس ساخت دولت آبادی درباره این رمان بارها گفته است: "دیگر گمان نکنم که نیرو و قدرت و دل و دماغم اجازه بدهد که کاری کاملتر از کلیدر بکنم. کلیدر از جهت کمی و کیفی، کاملترین کاری است که من تصور کرده ام که بتوانم و شاید بشود گفت در برخی جهات از تصور خودم هم زیادتر است."^{۱۶۹}

کلیدر رمانی است که مشتمل بر ده جلد است و سه هزار صفحه نوشته است و حجیم ترین

^{۱۶۹} همان، ص، ۱۶.

رمان فارسی به شمار می رود. این رمان بتوسط زیگرید لطفی به زبان آلمانی ترجمه شده و نیز منتشر شد.

محمد علی جمالزاده یکی از برجسته ترین نویسندگان و مترجم ایرانی که او را پدر داستان کوتاه فارسی می گویند. او در یک نامه ای در مورد محمود دولت آبادی می نویسد و نظر خود را این طور بیان می کند: "من رمان های زیادی خوانده ام. از غربی ها خیلی خواندم. تصور نمی کنم کسی به حد دولت آبادی توانسته باشد اینچنین شاهکاری بیافریند. بر من مسلم است روزی قدر و قیمت «کلیدر» را خواهد دانست و به زبان های زیادی ترجمه خواهد شد. روزی را می بینم که دولت آبادی عزیز ما جایزه نوبل را دریافت خواهد کرد. البته ممکن است من پیر مرد آن روز نباشم ولی اطمینان دارم ترجمه «کلیدر» به زبان های زنده دنیا، دولت آبادی را به جایزه ادبیات نوبل خواهد رساند. «کلیدر» برترین رمانی است که تا اکنون خوانده ام... و در خاتمه می نویسد: من به قدرت فکر و واقع بینی و سبک و شیوه داستان نویسی ات عقیده راسخ دارم. احساس می کنم که آدم با فکر و شرافتمندی هستید و فریب شهرت و حرف های پوک و پوچ مردم متملق و نفهم و مزخرف گو را نخواهید پذیرفت و راه خودتان را خواهید رفت. در هر صورت من شما را دوست می دارم و آرزو مندم همان باشد که دستگیر شده است و می پندارم. خدا یار و یاور من و مددکاران باشد." ۱۷۰

در سال ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م، ساواک محمود دولت آبادی را توقیف کرد. دولت آبادی دوران بازداشت خودش را در نوشتن داستان و نمایش و رمان مشغول گذاشت و ده مجموعه

۱۷۰ همان، ص، ۱۶.

داستان و نمایش نامه و رمان را چاپ کرده است. دولت آبادی اصلاً خود را تشکیلاتی سیاسی نمی دانست و اکنون نیز نمی داند. او برای این باز داشت خودش به حکومت محمد رضا شاه می گوید: "اتهام یا بگویم بهانه این بود که چرا کتاب های شما را می خوانند و هر جا که برای دستگیر کردن افراد می رویم این کتاب های توی کتابخانه ها شان وجود دارد، جواب من هم این بود که خودتان اجازه چاپش را داده اید."^{۱۷۱}

محمود دولت آبادی در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م از زندان آزاد می شد. بعد از آزادی خود وی رمان معروفترین به نام «جای خالی سلوچ» را نوشته است. این رمان به زبان های مختلف چون انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، کردی، آلمانی و هلندی ترجمه شده است.

نظریه نویسندگان دنیا در مورد رمان «جای خالی سلوچ»:

نشریه معتبر آگمایه تسایتونگ مانیتس درباره رمان جای خالی سلوچ می نویسد که: "از سر زمین ایران کتابی به بازار فرهنگی آلمان عرضه شده است که باید آن را از زمره بزرگ ترین آثار منشور به حساب آورد"^{۱۷۲}

مجله برلینر تسایتونگ در مورد این رمان می نویسد: "شعر نهفته در تصویرها و ظرافت ها و دقت رویایی جای خالی سلوچ تمام نگرش های توریستی و فاصله گیری های روشنفکرانه را در هم می ریزد"^{۱۷۳}

^{۱۷۱} همان

^{۱۷۲} حسین، امیر، ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو با محمود دولت آبادی، چشمه، تهران، ۱۳۹۳ش، ص، ۲۶۱)

^{۱۷۳} همان، ص، ۲۶۱

نوی دویچلند می نویسد: " جای خالی سلوچ رمانی است بس زیبا، رمانی که این همه زیبایی زمانی و این همه درد و رنج را از دور دست ها برایمان می آورد. این کتاب یک هدیه ادبی است."^{۱۷۴}

دی تسابت-هامبورگ به این نکته اشاره می کند که: " این نویسنده، دنیای کوچک در حال مرگ زمینج را به جهانی فراگیر تبدیل می کند. جای خالی سلوچ اثری ناب و یگانه در ادبیات مدرن امروز جهان است."^{۱۷۵}

راديو دویچلند فونگ-کلن، درمورد این رمان که ترجمه زیگرید لطفی هم است، می گوید: " این هم دلیلی روشن و انکار ناپذیر در اثبات این که دیگر رمان های خوب، تنها در اروپا و آمریکا نوشته نمی شود."^{۱۷۶}

زودویچه تسایتونگ-مونیک می نویسد: " این رمان ثابت می کند بی جهت نیست که محمود دولت آبادی از نامورترین و بزرگترین رمان نویس های معاصر است."^{۱۷۷}

محمود دولت آبادی در زمینه گوناگونی را تجربه کرده است . او برای کار های خود نه فقط ایران بلکه سراسر جهان مشهور و مقبول است. بیشتر مردم جهان درباره آثارش نقد و نظر نوشته اند و منتشر هم شده است. دولت آبادی درمورد ترجمه آثار خود گوید: " آثار من بیشتر در آلمان و سوییس و اتریش که به زبان آلمان کتاب می خوانند مورد استقبال قرار گرفته است. علت صریحش هم این است که آثار من به زبان آلمانی به طور جدی و حرفه

^{۱۷۴} همان، ص، ۲۶۱

^{۱۷۵} همان، ص، ۲۶۲

^{۱۷۶} همان، ص، ۲۶۲

^{۱۷۷} همان، ص، ۲۶۳

ای ترجمه و منتشر شده است. این کار به زبان انگلیسی نشده است. به زبان فرانسه تازه دارد، ترجمه می شود. معلوم نیست اگر این آثار به زبان انگلیسی ترجمه شده بود یا به زبان روسی - که بنا بود ترجمه شود. این اقبال را پیدا نمی کرد. اما آنچه مسلم است این که در سی سال اخیر جامعه فرهنگی آلمانی به زبان و ادبیات معاصر ما توجه جدی نشان داده است.^{۱۷۸}

وقتی که محمود دولت آبادی اطلاعات های ترجمه آثار خود می گرفت، می گوید: "بنا به اخباری که در جراید دگر جوامع می آید و دوستان و آشنایان برایم می فرستند، در جریان ترجمه کارهایم هستیم، مترجمین نیز با دقت تمام با من مشورت می کند. هم اکنون ترجمه جای خالی سلوچ به زبان سویدی به تمام رسیده و از مرحله ویراستاری هم گذشته است و به زودی چاپ خواهد شد. همچنین است ترجمه همین رمان به زبان فرانسوی مقدمات ترجمه کلیدر به زبان انگلیسی، در آمریکا فراهم شده است. چاپ دو جلد اول و دوم کلیدر به زبان آلمانی (ترجمه خانم زیگرید لطفی) سال آینده ملادی منتشر خواهد شد، کتاب سفر هم توسط انتشارات اونیون منتشر شده و ترجمه با شبیرو به زبان ایتالیایی نیز در دست انجام است و چاپ تازه رمان جای خالی سلوچ به آلمان با قطع جیبی در ماه نوامبر منتشر خواهد شد."^{۱۷۹}

رمان «روزگار سپری شده مردم سالخورده» یکی از مهم ترین رمان های دولت آبادی هم است که مشتمل بر سه جلد است، جلد اول به عنوان *اقلیم باد*، جلد دوم به عنوان *برزخ*

^{۱۷۸} دولت آبادی، محمود، قطره محال اندیش، چشمه، تهران، ۱۳۹۳ش، ص ۳۲۱

^{۱۷۹} همان، ص، ۲۶۳

نخس و جلد سوم به عنوان **پایان جغد** هستند. این همه کتاب در میان سال ۱۳۶۹/۷۹ش/۱۹۹۰/۲۰۰۰م به چاپ رسانده است. این رمان در مورد سه نسل از یک خوانواده را روایت می کند و در کتاب **اقلیم باد و برزخ نخس** درباره داستان روستای **کلخچان** و روستاهای همجوارش را ذکر می کند.

صادق شکیب در مقدمه نقد خود رمان «**روزگار سپری شده مردم**» می نویسد: "رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده حکایت جانگدازی است از درد و رنج گریبانگیر مردم این سرزمین. ستمی که به بلند ای تاریخ بر مردمان رفته در این کتاب با قلمی شیوا چنان هنرمندانه به تصویر کشیده شده است که اغراق نیست اگر گفته شود دولت آبادی هنوز هم در اوج قله های رمان نویسی میهن مان قرار دارد.

واکاوی سر نوشت تلخ انسان ایرانی از اواخر دوره قاجاریه تا به امروز در فضایی غم بار و پر اندوه که فضای راستین میهنمان بوده و بالطبع محیط زندگی افراد نمی توانست متاثر از این وضعیت نباشد و تحلیل ژرف روان شناسانه روحیه آدم ها در این موقعیت زمانی، مکانی با موج شدید یر کوبی که پیامد آن ترس و رعب در جامعه می باشد می تواند در یک اثر هنری فقط از عهده نویسنده پر توانی چون دولت آبادی بر آید.^{۱۸۰}

رمان «**سلوک**» روایتگر حکایتی عاشقانه دولت آبادی است. او در این رمان حکایت قلب، دل، همان مفهوم قدیمی و باستانی و فرهنگ ایران را روایت می کند.

^{۱۸۰} نقل از مجله عاشقانه، شماره ۴۰۰، ص، ۱۶، ۲۰۱۸م

او بعد از آن رمان «کلنل» نوشته که برای نشر این در ایران اجازه نگرفته است اما این رمان به زبان دیگر ترجمه شده، منتشر شد.

رمان «طریق بسمل شدن» اثر دیگر محمود دولت آبادی است که در ده سال در سال ۱۳۹۷ش/۲۰۱۸م چاپ شد. این رمان دولت آبادی در مورد جنگ میان ایران و عراق هشت ساله را بیان می کند.

محمود دولت آبادی بیشتر جوایز و افتخاراتی را به نام خود کرده است. عبارتند از:

- جایزه افتخاری هنر و ادب فرانسه در سال ۲۰۱۴م حاصل کرده است. در این موقع سفیر فرانسه در ایران این جایزه افتخاری به محمود دولت آبادی داده است. سفیر فرانسه در ایران **داریوش شایگان** در این موقع افتخاری دولت آبادی می گوید:

" Dowlatabadi is undoubtedly one of the biggest novelists in contemporary Iran. To create his works, he did not drink 50,000 cups of coffee – like what Honoré de Balzac did in the matter of 20 years at the expense of his life to create The Human Comedy, a literary masterpiece of the 19th century.

However, Dowlatabadi penned Kelidar – one of the most attractive and biggest rural epics of modern Iran – in the course of 15 years after going through many ups and downs.

He further hailed Dowlatabadi's intellectual honesty and world-class novelty in a media-addled world and said, Like any other true artist, Dowlatabadi is sensitive and

full of stress. He's been hurt by something from inside, and is concerned about those individuals whose brave dreams always stay in conflict with petty realities in a world which looks the other way when it comes to the internal and heartfelt desires of truth and freedom seekers.¹⁸¹ "

- دولت آبادی در سال ۲۰۱۳م در سوییس جایزه ادبی یان میخالسکی سوییس را به نام خود ثبت کرده است.
- او در سال ۲۰۱۳م نیز برای ترجمهٔ رمان کلنل به زبان انگلیسی، با ترجمهٔ تام پتردیل، جایزهٔ افتخاری بزرگی در آمریکا حاصل کرده است.
- دولت آبادی در سال ۲۰۱۱م در سنگاپور برندهٔ جایزهٔ ادبی هوشنگ گلشیری؛ نامزد دریافت جایزهٔ من بوکر آسیا را هم به نام خود ثبت کرده است.
- محمود دولت آبادی در سال ۲۰۱۱م برای رمان زوال کلنل جایزهٔ ادبی آسیایی، در بخش جایزه شامل کرده است.
- او در سال ۲۰۰۹م در برلین جایزهٔ ادبیات بین المللی خانهٔ فرهنگ های جهان در یافته است.
- او در سال ۲۰۱۱م نیز برندهٔ جایزهٔ ادبی را حاصل کرده است و علاوه بر این وی جایزهٔ یک عمر فعالیت فرهنگ، نخستین دورهٔ جایزهٔ ادبی یلدا و برندهٔ لوح زرین بیست سال داستان نویسی بر کلیه آثار را در یافته است.

¹⁸¹ <https://ifpnews.com/news/cultures/books/irans-mahmoud-dowlatabadi-wins-french-prestigious-award>

مقاله توسط ایماد اسکاریه، ۲۰۱۴م

جواد مجابی یکی از شاعران و نویسندگان و پژوهشگران معروف ایران است که در باره دولت آبادی می گوید که: "دولت آبادی نماد شرف در مملکت ماست، او نویسنده ای مستقل و آزاد اندیش است که شان قلم را حفظ کرده است. در تاریخ کشور ما از رودکی تا فردوسی و غیره بر شان قلم تاکید کرده اند و وقتی می گویند شعر ما را در آسمان نوشته اند، تعریف از خودشان نیست، بلکه تایید بر شان و شرافت قلم است. در دوره هایی شان قلم کاستی یافته و بعضی از هنرمندان شان خود را ندانسته اند و متوجه نبوده اند که نویسندگی خودش قدرت است و نویسنده نیازی به قدرت سیاسی ندارد. نویسنده قدرتش را از مردم می گیرد؛ اما من فکر می کنم دولت آبادی شاخص بوده و همواره استقلال خود را حفظ کرده است و محبوبیتی که از این باب از مردم گرفته موجب رشک است."^{۱۸۲}

در سال ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م محمود دولت آبادی با **مهر آذر ماهر** ازدواج کرد و از آن وی صاحب فرزند سه به اسامی سیاوش، سارا و فرهاد شد.

محمود دولت آبادی در مصاحبه درمورد کارهای خود بسیار صحبت کرده است که آن را زیر بیان می کنم.

" در خبرها خواندم آثار جدید شما مربوط به جنگ هستند. این بهانه خوبی است برای این که از شما بپرسم چرا اتفاقات مربوط به انقلاب و جنگ این قدر در میان آثار ادبی معاصر ما کم رنگ هستند. اگر موافق باشید مصاحبه را از این نقطه آغاز کنیم.

خب، می دانید که پیش از اتمام جنگ، من، نخستین مطلب را درباره آن با مقاله ای به عنوان "صلح و جنگ؛ پایان کابوس" نوشتم که در مجله تایم لایف و چند مطبوعه

^{۱۸۲} نقل از مجله عاشقانه، شماره ۴۰۰، ص، ۱۷، ۲۰۱۸م

دیگر دنیا و هم‌زمان در ایران به چاپ رسید و هنوز هم معتقدم که جنگ یک کابوس بشری است، اما مطمئناً عقایدی مثل عقاید من و دیگران باعث نمی‌شود زرادخانه‌های دنیا کرکره‌شان را پایین بکشند ولی بهر حال گفتن این حرف که جنگ به گمان من زشت‌ترین داعیه بشری است از طرف نویسنده یا شاعر یا نمایشنامه‌نویس یا هر هنرمند دیگری یک فریضه است. به این ترتیب باید بگویم اثر جدید من گرچه درباره جنگ نوشته شده ولی اصلاً در تایید آن نیست. بلکه تبیین این واقعیت خشن شقی و بی‌رحمانه است که آدم‌ها را می‌بلعد و پیش از این که بلعد، احتمالاً مسخ می‌کند. به این اعتبار در ادامه همان نگاه و نظری که در سال پایانی جنگ نوشتم این داستان هم نوشته شد تا هم ادای دینی باشد نسبت به جوانان این مملکت و هم بیانگر نوعی احساس دریغ برای نابود شدن آدم‌ها. خوشبختانه این رمان زمانی نوشته و منتشر می‌شود که تبلیغات درباره جنگ دیگر از مد افتاده است. چون محال بود چنین داستانی را من در زمان خودش بنویسم چرا که کار ادبیات پرداختن به روزمرگی‌ها و مسائل روز نیست هرچند این مسائل بسیار ترازیک باشند. ادبیات می‌بایست که رسیده شود و شما به چیزی برسید و رای واقعیت که در عین حال می‌تواند واقعیت هم داشته باشد.

اثر دیگر من درباره وضعیت گذشته دور — نزدیک ما و مسائل مربوط به آن است، که با نگاه به یک کاراکتر ایرانی روایت شده است. این داستان را البته خیلی خیلی پیش از اینها نوشته‌ام، تقریباً بین سال‌های شصت و دو تا شصت و چهار و در طول گذر این سال‌ها آن را مدام صیقل داده‌ام و ویرایش کرده‌ام و متأسفانه هم نیستم که چرا این قدر دیر آن را به چاپ می‌سپارم چون گذشت زمان به من کمک کرد داستان به ادبیات خودش بیشتر نزدیک شود.

آقای دولت آبادی شما به طور حتم بهتر از من می‌دانید که ادبیات جنگ در تمام جهان، آثار شاهکار و عظیمی در چپته دارد. چون اکثر نویسندگانی که نویسندگان متعهد و روشنفکر به معنای واقعی آن به شمار می‌رفتند از منظری به جنگ نگاه کرده‌اند که احتمالاً شما در اثر جدید خود به آن پرداخته‌اید. منظری که از نفی جنگ و خشونت برمی‌آید. اما در کشور ما یک تفاوت وجود دارد و آن این که جنگ، در سرزمین ما "جنگ" نامیده نشد، چیزی نام گرفت با عنوان "دفاع مقدس" که این اسم باعث تغییر نگاه‌ها یا تغییر داده شدن نگاه‌ها گردید. هنوز هم این اسم به نوعی تابو است. یعنی داشتن نگاه انتقادی به این دفاع مقدس با مشکلات بسیاری روبه روست این مسئله روی نوشتن رمان شما چقدر تاثیر گذاشته؟

قطعا ناظر به این مسئله هست برای این که به واقع از لحاظ فیزیکی اول، به ما حمله شده. ولی آنچه برای من اهمیت دارد، این است که در یک جنگ هر دو سوی آن می‌بازند، و هر دو طرف به نابودی یکدیگر می‌کوشند و گرنه، این موضوع انکار کردنی نیست که واقعا نیروهای عراقی به ایران حمله کردند. البته پشت قضیه را امثال من و شما نمی‌دانیم، ولی به لحاظ عینی و فیزیکی واقعیت این است که آنها حمله کردند. اما آنچه در این رمان بسیار فشرده مد نظر من بوده مقوله هم‌ذات بودن و هم‌ذات شدن بشری است. شاید این نگاه، نگاهی ایده آلیستی به نظر رسد ولی به گمان من آدم‌ها با کشتن یکدیگر خودشان را می‌کشند و من با همین دید به زندگی و ادبیات نگاه می‌کنم. چون در چنین شرایط خشونت باری گاهی انسان ناچار می‌شود به ایده آل‌یزم پناه ببرد و شاید بشود گفت از ناگزیری! من دیگر نمی‌توانم بپذیرم کدام طرف از آن یکی طرف چند نفر را کشته است پس برنده فلان طرف است. نه؛ من معتقدم در خشونت، هیچ برنده‌ای وجود ندارد. در نتیجه آنچه در این داستان برایم اهمیت داشته همین است.

در واقع دستاویز شما باید‌ها و نبایدهای بشری است نه آنچه که در واقعیت وجود دارد؟

به معنایی دیگر نه همه آن، چیزهایی که در عینیت وجود دارد و تحمیل می‌شود. من معتقدم که بین تک تک آدمیان هیچ خصومتی وجود ندارد. به طور عادی جوانان دنیا چه خصومتی می‌توانند با یکدیگر داشته باشند؟ بنابراین جنگ یک شغل است و این شغل — قدیمی ترین شغل آدم — کارفرماهای خودش را دارد، اما من به عنوان یک آدم معتقدم که جنگ هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. و جز این که دو طرف در یک جنگ فرسوده و منهدم شوند هیچ چیز دیگری نصیب نخواهد شد. بنابراین نه روحیه شوونیستی در این اثر وجود دارد و نه برعکس. به عنوان یک امر بشری این رخداد فجیع در کشور ما رخ داد و من هم به عنوان یک امر انسانی آنچه را که ذهنم دریافت کرد به داستان آورده‌ام و واقعا هیچ هدف خاصی هم در موردش نداشتم چون، همان‌طور که شما اشاره کردید هیچ کدام از نویسندگان دنیا هم از جنگ ستایش نکرده‌اند. آن آثاری هم که در توجیه جنگ نوشته شده به هیچ وجه در قالب آثار ادبی قابل تامل ظاهر نشده‌اند.

اما از آن طرف ما با آثار بزرگی روبرو هستیم. مثلا من در جوانی کتابی از یک نویسنده آلمانی خواندم به نام «در غرب خبری نیست»، اثر اریش ماریا رمارک. شما با خواندن این داستان به خوبی متوجه تباهی ناشی از جنگ می‌شوید. چون به تجربه و آگاهی نسبی من، همه نویسندگان در تمام جهان یک نگاه انسانی به امور دارند حتی اگر تاریخ یک واقعیت دیگری باشد که ما می‌بینیم هست و همان‌طور که گفتم ممکن است این صدا در کل امور تاثیری نداشته باشد ولی صدای "صلح بهتر از جنگ است" به نظر من باید همیشه وجود داشته باشد.

برای نوشتن این اثر نگاهی به ادبیات جنگ ایران یا همان دفاع مقدس داشتید و اصلا نظرتان در مورد این ادبیات چیست؟ به نظر شما ما می‌توانیم قائل به چیزی به نام ادبیات جنگ در ایران باشیم؟

متاسفانه نه، برای این که این بچه‌هایی که درباره جنگ نوشتند ابتدا خودشان را از ادبیات جدا کردند و هیات حاکمه هم آنها را از بقیه جدا کرد و بعد به آنها جهت نشان داده شد.

در نتیجه اثر ادبی که برجسته باشد و بتواند نظر دیگران از جمله نظر مرا جلب کند کم پدید آمد. متاسفانه به نظر من چه ادبیات و چه سینمای دفاع مقدس بیشتر ظاهری بود و به باطن جنگ نپرداخت. من هرگز ندیدم یک معضل تراژیک یا دراماتیک در این آثار سینمایی بخصوص خوب بیان شده باشد. در این ادبیات من بیان هنری را ضعیف دیدم در حالی که امکانات بسیاری در اختیار آن اشخاص بود. از متون و یادداشت‌ها و وصیت‌نامه‌ها گرفته تا فیلم‌ها و عکس‌ها و ... ولی آن ذهنیت خلاق که انتظار می‌رفت، پدید نیامد.

البته من هم مدعی نیستم که کاری توانسته‌ام انجام دهم. برایتان یک مثال می‌آورم. من در آغاز جنگ، دبیر سندیکای تئاتر بودم. آن زمان ما حدود ۱۲ نمایشنامه آماده داشتیم که حاضر بودند بروند و در جبهه‌ها اجرا داشته باشند. من این پیشنهاد را دادم ولی هیچ استقبالی نشد، و خیلی زود فهمیدم که اصلا روال نگاه کردن به دفاع مقدس کاملا متفاوت است و با پیشنهاد من — که عملا یک پیشنهاد مدرن بود — همخوانی ندارد. چون بردن نمایش به پشت صحنه‌های جنگ یک امر مدرن است ولی تمام جریان‌هایی که از لحاظ صوتی و تصویری جنگ — دفاع را هدایت می‌کرد یک جریان سنتی بود. کما این که در همان زمان‌ها با من مصاحبه‌ای صورت گرفت مبنی بر این که شما چرا

درباره جنگ هیچ چیزی نمی‌نویسید و من پاسخ دادم برای این که ادبیات معمولا در زمان جریان یک اثر پدید نمی‌آید، دیگر این که چگونگی مواجهه فرهنگی با این جنگ — دفاع مقدس به گمان من متعلق به حوزه‌های قدیم ادبیات ماست. مثلا اگر بخواهیم دقیق‌تر بیان کنیم از جنس و با محتوای مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری. به همین دلیل است که ادبیات مدرن درش نمی‌تواند جایی بیابد. اما مقاله نوشتم. مجموعه فرهنگ جبهه را خیلی پسندیدم، سند معتبری است، چون همه چیز را به طور عینی توضیح داده است.

آقای دولت آبادی شما انیمیشن "پرسپولیس" ساخته مرجان ساتراپی را دیده‌اید؟
بله دیده‌ام.

اگر خاطرتان باشد، وقتی شخصیت اول داستان به وین می‌رود و دوستانش می‌فهمند که او از ایران آمده با نوعی حسرت به او می‌گویند تو یک انقلاب و یک جنگ را پشت سر گذاشته‌ای. در واقع به گمان آنها این شانس یک آدم است که در طول زندگی‌اش دو اتفاق به این مهمی را پشت سر گذاشته باشد. حالا من می‌خواهم از شما بپرسم نسلی که این دوران را گذراند، شاهد اتفاقات چندان کوچکی نبود پس چرا ردپای این دو رویداد در ادبیات جدی معاصر این قدر کم‌رنگ است؟

شخصاً نمی‌توانم بپذیرم که انقلاب و بخصوص جنگ برای اشخاص خوش‌شانسی بیاورد، نمی‌دانم؛ اما تا آنجایی که به من مربوط می‌شده همین دو کتاب من، تلاش‌هایی است در این راستا. و بازنمایی تراژیک آن چه در تاریخ رخ می‌دهد.

منظورم صرف آثار شما نبود. از منظر شما به عنوان یکی از قله‌های داستان نویسی ایران می‌خواهم بدانم نگاهتان به این جریان کلی چیست؟

به نظرم اتفاقی که توی کشور ما افتاد با همه اتفاقاتی که توی تاریخ خوانده بودیم فرق می‌کرد. بر اثر این اتفاق که مانند یک انفجار صورت گرفت همه ناگهان بهت زده شدند و تا به خود آمدند در شرایطی خود را بازیافتند که می‌بایست بروند، و رفتند. یعنی یا مهاجرت کردند یا از بین رفتند. در بین این رفتگان، نویسندگانی هم بودند که هنوز داشتند قوام می‌گرفتند. اینها باید می‌ماندند و به نوشتن‌شان ادامه می‌داند اما مجبور به مهاجرت شدند. بعد هم که جنگ پیش آمد، خود جنگ باعث شد یک نوع فترت به وجود بیاید چون بعد از اتمام جنگ بلافاصله همه چیز عادی نمی‌شود. این فترت خیلی‌ها را از گذشته گسیخته کرد. و حالا هم می‌بینید که مثلا هیچ کس حوصله چندانی ندارد که سال‌ها پای کاری بنشیند. بهر حال خیلی‌ها گذاشتند و رفتند. مثلا نسیم خاکسار و امثال او باید می‌بودند و این تجربیات را که از گذشته آمده بود منتقل می‌کردند. او و امثال او یا برادر من) حسین دولت آبادی (که الان در خارج زندگی می‌کند و یک رمان سه جلدی مربوط به وقایع قبل از انقلاب نوشته باید می‌ماندند و آن جریانی را که نویسندگانی مثل گلشیری، احمد محمود، جمال میرصادقی و بهرام صادقی ادامه داده بودند، ادامه می‌دادند.

اما این انفجار انقلاب و بعد جنگ و بعد مسائل سیاسی که ناگهان "بلق" زد به قول ما خراسانی‌ها، همه چیز را سیاسی کرد و به گمان من مسائل رخ داده برای این که اصل موضوع ادبیات فراموش شود بی‌تاثیر نبودند. من هم معتقدم ملت‌هایی که این ماجراها را از سر می‌گذرانند منطقا می‌بایست ادبیات غنی در همه ابعاد آن از شان باقی بماند و هنوز ما نتوانسته‌ایم یا نشده این کار را انجام دهیم. من به سهم خودم سعی کرده‌ام ادبیات را رها نکنم. ولی بخش عمده جامعه ادبیاتی ما از هم گسیخته شد. برخورد با نویسندگان، سخت‌گیری‌های غیر لازم، فشارهایی که منجر به خروج افراد از کشور شد، همه و همه تاثیر داشتند. مثلا رضا قاسمی، رضا دانشور، نسیم خاکسار، عباس

معروفی، دکتر براهنی و ... همه رفتند. خب، نویسنده هم که گیاه نیست هر سال سبز شود. اینها همه باعث شد بنیه جمعی ادبیات ما تضعیف شود و نقد ادبی هم همین طور و ماجرا ناگهان به ورطه‌ای بیفتد که نتیجه‌اش این شده که جوان‌های نویسنده ما حالا بیشتر تحت تاثیر شیوه‌های ادبی قرار بگیرند تا مضامینی که بایست این شیوه‌ها درش دیده شود. شما درست می‌گویید، اما من فکر می‌کنم که همه کارها را همگان می‌توانند انجام بدهند. اگر بخواهیم موجز بیان کنیم گسیختگی جامعه و فترت و جدا افتادگی نسبت به موضوعات باعث این جدایی از جدیت ادبیات شد ولی برای پرداختن به تاریخ هیچ وقت دیر نیست. البته اگر زندگی مجال بدهد. که امیدوارم زندگی و مجال اندیشیدن و، آفرینش ادبی برای نویسندگان و همگان فراهم شود.

در صحبت‌هایتان بحث نقد ادبی را پیش کشیدید. در سال‌های پایانی دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ ما با مجلات ادبی بسیار معتبری مثل آدینه یا گردون روبرو بودیم. مجلاتی که نقش عمده‌ای در وضعیت جامعه ادبی ما بازی می‌کردند. ولی حالا من وقتی جلوی کیوسک مطبوعات می‌ایستم هیچ مجله دندان‌گیر ادبی نمی‌بینم که بتوانم برای مطالعه انتخاب کنم و از خودم می‌پرسم پس جوان‌های این دوره از کجا می‌خواهند تغذیه شوند؟ فکر نمی‌کنید این مسئله در ده پانزده سال آینده مشکل ساز شود؟

نه تنها در ده ۱۵ سال آینده، در ده ۱۵ سال گذشته هم تاثیر گذاشته. من هم مثل شما هستم و وقتی می‌خواهم یک نشریه ادبی انتخاب کنم نهایتاً به "گلستانه" می‌رسم که بیشتر مسائل تئوریک را بیان می‌کند. در واقع آن مجتمع روشنفکری که باید نقد ادبی را هدایت می‌کرد از هم گسیخته شده و ضمناً آدم‌ها خسته هم می‌شوند. خب شما بازتولید که نداری، چون جامعه در وضعیتی نیست که آن بازخورد لازمه نشان دهد. بعد شما مجبوری یک تنه، سیزیف وار این بار را به دوش بکشی اما این هم حدی دارد.

خود شما به عنوان یک مطبوعاتی قضاوت کن. من ۱۲ سال به علاوه سه سال روی کتاب بسیار مهم "روزگارسپری شده مردم سالخورده" کار کرده‌ام. این کتاب از نظر من ورقی از شناسنامه ملت ما است ولی به من نشان بده چند جا این اثر به نقد و بررسی گذاشته شده، چند جا افراد احساس مسئولیت کردند این کتاب را معرفی کنند تا اکثریت آدم‌ها بفهمند پدر و مادر تاریخی‌شان کی بوده و از کجا آمده‌اند. فقط دوست من جواد مجابی آن را دریافت و به قلم آورد و جواد اسحاقیان به گمانم. هیچی نیست، و نکته جالب‌تر از این به شما بگویم، من هم هیچ انتظاری ندارم شاید چون خیلی تلخ طعم است! ۱۵ سال، خانم خسروی، عمر کودکی است که به بلوغ می‌رسد و من آن را برای این کار گذاشتم. دو سه سال هم منتظر شدم برای اجازه چاپ ولی انگار هیچ اتفاقی نیفتاده، اینجا کجاست؟ مردابه؟ باتلاقه؟ واقعا کجاست؟ من پختگی عمرم را گذاشتم برای این کتاب. و مطمئنم که از عهده بر آمده ام ولی کو؟ نه انگار.

خب، حالا به اصطلاح نویسندگان جوانی که می‌خواهند نویسنده شوند یا در حال شدن هستند یا عشق شدنش را دارند نگاه می‌کنند می‌گویند این ریش سفید ما است دیگر! ممکن است من بگویم هیچ چیز نمی‌خواهم که واقعا هم نمی‌خواهم. چون خواسته من این بوده که توانایی را که خداوند به من داده به کار بندم و کارهایی را به انجام برسانم و تا حدودی رسانده‌ام و واقعا هم به اصطلاح آرد را بیختمیم و الک را هم داریم می‌آویزیم، ولی آن جوان ۲۵ و ۳۰ ساله چنین بنیه‌ای در خودش نمی‌بیند. از خودش می‌پرسد برای چی باید گرسنگی بکشم؟ تازه اگر قریحه‌اش را داشته باشد، اگر آموزش و دانش لازم را به دست آورده باشد، از خودش می‌پرسد که چرا باید گرسنگی‌اش را بکشم؟ می‌پرسد چرا بچه من نباید ماهانه فلان قدر پول توجیبی داشته باشد؟

در کشور ما — نویسندگی به تجربه‌ای که من دارم — یک امر استثنایی است و آن این است که فقط آدم‌هایی می‌توانند این بار را به دوش بکشند که اصل هیچ چیزی نخواستن را شناخته و پذیرفته باشند، چون شما هیچ انتظاری نمی‌توانی داشته باشی و نباید داشته باشی. یعنی در واقع ایثار محض است.

و همه حاضر نیستند ایثار بکنند آن هم در دوره مدرن. جامعه دارد به سمت مدرنیته پیش می‌رود — اگرچه توی تلویزیون مدام خلاف این را می‌گویند — و در جامعه مدرن افراد به چه دلیل باید خودشان را وقف ادبیات و به آن مقید کنند؟ من ۵ سال می‌نشینم روی یک داستان کار می‌کنم اما یک جوان ۲۵ ساله دلیلی برای این کار نمی‌بیند. او می‌خواهد داستانش چاپ شود، پولش را هم بگیرد و زندگی‌اش را بگذراند، ولی وقتی که می‌بیند این‌طور نیست ایردی به او وارد نیست اگر همه چیز را رها کند.

یک دلیل دیگر برای این مطلبی که شما می‌گویید این است که نویسندگان ما هیچ کدام از طبقه بالای متوسط جامعه نیستند. یادمان نرود نویسندگان بزرگ دنیا از قرن ۱۹ به بعد جزو خانواده‌های اشراف بودند. استاندال، فلوبر، تولستوی و... همه از اشراف بودند ولی ما نویسنده طبقه بالاتر از متوسط نداریم. اصلاً ما (نویسنده) که هستیم توی این جامعه؟ ما اشرافیت نداشتیم. یعنی از جماعتی که با لقب اشراف می‌شناختیم، ادبیات به ما نرسیده مگر خاطرات. بنابراین تمام نویسندگان ما متعلق به زیر طبقه متوسط هستند و این یعنی نقص. کی بوده، خیلی پیش از این من گفتم ای کاش ما در میان اشراف نویسندگانی می‌داشتیم. بنابراین ما معضلات بسیاری داریم که هنوز ادبیات به آن پرداخته و امیدواریم مگر در آینده...

آقای دولت آبادی زمان قبل از انقلاب هم جامعه ما با چیزهایی مثل سانسور و اختناق روبرو بود. اصلا به خاطر همین چیزها هم انقلاب شد و در آن دوران آثار درخشانی منتشر شد. از شازده احتجاج گلشیری گرفته تا داستان‌های کوتاه بهرام صادقی ولی حالا...

آن زمان یک تفاوتی با حالا داشت و آن این که نویسندگان می‌دانستند با "چی" طرفند ، "چی" هم می‌دانست که با "کی" طرف است؛ اما اکنون این گسیختگی فقط در میان جمع نویسندگان نیست که باعث شده هر کسی به یک گوشه دنیا پرتاب شود. این گسیختگی نگاه در درون طیفی که مسئول سانسور و ممیزی است هم وجود دارد. من یقین دارم بسیاری از بررسان در وزارت ارشاد، آثار ادبی را با لذت می‌خوانند ولی وقتی مثلا نوبت مجوز باشد فکر می‌کنند اگر آن یکی امضا کند شاید بهتر باشد.

خب این دوگانگی و چندگانگی در کشور ما امر تازه‌ای نیست و عیب کار هم عیب سیاسی است. برای این که جریان‌های مختلف سیاسی در کشور ما آشکار نیستند. آنها هم دوگانه عمل می‌کنند و در نتیجه شما نمی‌توانید بفهمید این جریانی که الان در بخش مطبوعات و وزارتخانه فعال است چه جور نگاهی دارد. شاید موافق باشد، ما نمی‌دانیم. شاید مخالف باشد، این را هم نمی‌دانیم. با چی مخالف است؟ نمی‌دانیم. با چی موافق است؟ نمی‌دانیم. برای این که معیارها مشخص نیست. وقتی یک کتاب تحقیقاتی که مربوط به صد سال پیش است می‌رود و در ارشاد متوقف می‌شود، من از این چی بفهمم؟ این اثر که دیگر به امروز پرداخته و مثلا تحقیقی است درباره دکتر غنی، چرا جلوی این کتاب را می‌گیرید.

در آن زمان بهرام صادقی به عنوان یک نویسنده نیهیلیست وضعش مشخص بود. گلشیری به عنوان نویسنده‌ای که می‌خواست بر نیهیلیسم خودش پیروز شود

وضعش روشن بود. احمد محمود به عنوان کسی که نگاهی به گذشته نزدیک داشت
وضعش روشن بود. من به عنوان نویسنده‌ای که معتقد بودم در جامعه عقب افتاده‌ی ما
که مایل به حرکت به سمت جلو است ادبیات باید افراد را به شناخت از خود و
جامعه نزدیک کند وضعم روشن بود. و غلامحسین ساعدی هم به عنوان کسی که
پشتوانه انقلاب مشروطیت در تبریز را داشت و دنبال دگرگونی بود وضعش روشن
بود. در واقع برای یک به یک اینها و کارشان می‌توانستیم شناسنامه تعریف کنیم.
دولت هم می‌دانست که کی چیکاره است و کی چیکاره نیست. ولی الان ما در
وضعیت مجهولی هستیم. هیچ کس نمی‌داند که دیگری چیکاره است. نه نیهلیست
داریم، نه لیبرال، نه اجتماعی گرا داریم و نه انتزاعی گرا و همه چیز هم داریم (!) اما
عملا جامعه ادبی ما دچار سرگیجه و دوران است. پس قضاوتی هم روی آن نمی‌توانم
داشته باشم.

شنیدم کلیدر با بازخوانی مجدد شما منتشر می‌شود. من این اثر شما در خانه‌های
بسیاری از مردم دیده‌ام، آدم‌هایی که لزوما مخاطب جدی ادبیات نبودند ولی کلیدر را
خوانده بودند و از خوانش بسیار لذت برده بودند. طی این سال‌ها همیشه دلم
می‌خواست از شما پرسم کلیدر چگونه می‌توانست در عین جلب رضایت منتقدان ادبی،
این‌طور با عامه مردم هم ارتباط برقرار کند؟ این اتفاقی است که در زمینه هنر
بخصوص در ایران اتفاق نادری است.

در مورد کلیدر باید بگویم حقیقتا الان که آن را بازخوانی می‌کنم داستان طوری مرا با
خودش می‌برد که فراموش می‌کنم قرار است نقطه، ویرگول‌ها و چیزهایی از این
دست را تصحیح بکنم. پدید آمدن کلیدر به گمان من یک اتفاق است. و این اتفاق در
یک زمان ۱۵ ساله رخ داد. علاوه بر این قبل از آن ۱۰ - ۱۵ سال هم من گاهی ذهنم
را با این فضا دور و نزدیک می‌کردم و منتظر بودم تا بینم زمان آغاز کار کی فرا

می‌رسد و بالاخره زمانش رسید و من سال ۴۷ اولین جمله‌ها را نوشتم. و جالب است که در آن سال دقیقا پاره پایانی داستان را در طرح کلی نوشتم که البته بعد تغییر کرد. یعنی جایی که این پدر راه می‌افتد به سمت کوه و بلندی‌ها و بچه‌هایش را صدا می‌زند. اما این که چطور این اتفاق افتاده به گمانم فقط می‌شود با زبان سعدی به آن پاسخ داد که "هر سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند."

از سوی دیگر کلیدر تلفیقی است از سنت ادبی ایرانی و آموزه‌های ادبی یک نویسنده این زمانی از ادبیات دنیا. خوشبختانه من دانشگاه نرفتم و خوشبختانه دبیرستان هم نرفتم و شبانه را هم نیمه کاره رها کردم — می‌گویم خوشبختانه، چون توانستم جایش را پر کنم — ولی در عوض، همه مدت عمرم کتاب خواندم.

در نتیجه تا به نویسندگان امریکای لاتین برسیم تمام آثار ادبی برجسته ترجمه شده به زبان فارسی را خوانده بودم. از ادبیات فرانسه، روس و انگلیس گرفته تا آلمان، آمریکا، ایتالیا و ... همه را خواندم. آثار برجسته ادبیات ایران را هم که قطعا خوانده بودم بنابر این کلیدر در حقیقت تبدیل به فرایندی شد که ایرانیان در حافظه تاریخی‌شان دارند البته با معیارهایی که ادبیات مدرن دویست ساله گذشته به آنها داده است.

و دیگر این که کلیدر با خلوص تمام نوشته شده و من انتظاری هم جز این نداشتم که با همان خلوص دریافته شود که خوشبختانه دریافته شد. این مهم ترین امتیاز یک نویسنده در زمان حیات خودش است. و گمان می‌کنم کمتر نویسنده‌ای می‌توانیم سراغ کنیم — مگر کسانی که در اوایل قرن نوزده پاورقی می‌نوشتند — که اثرش در زمان حیات به موفقیت کاملا معقول و منطقی دست بیاید و به درون مردم راه پیدا کند.

من قدرشناس این قدرشناسی هستم. خوب شد که این کار انجام گرفت. **توماس مان** یک سخن تاریخی دارد که بعد از کلیدر و حتی بعد از یکی — دو مجلد روزگار

سپری شده به آن برخوردارم که من همیشه آن را می‌آورم به عنوان توضیح و تبیین دقیق یک نویسنده — فیلسوف از ادبیات؛ و آن این است که می‌گوید: "آثار بزرگ ادبی در مقطعی پدید می‌آیند که دوره تجربی آنها (در زندگی تاریخی) در حال به پایان رسیدن باشد و کلیدر و دیگر آثار من مربوط به این مقطع هستند. دوره‌ای که نه فقط عشایر ما تخته قاپو می‌شوند و شدند و آن حالت ایلی و ایلیاتی از بین رفت بلکه روستاهای ما هم داشتند جا به جا می‌شدند و شباهتا چنین سرنوشتی را پیدا می‌کردند و پیدا کردند با اجرای اصلاحات ارضی. بر این ویژگی‌ها لذت بردن ادبی — داستانی را هم می‌توان افزود. یعنی آن افسون داستانگویی." ۱۸۳

آثار دیگر محمود دولت آبادی

• بنی آدم

بنی آدم یک مجموعه داستان کوتاه است که بتوسط محمود دولت آبادی نوشته شده است و در سال ۱۳۹۴ش/۲۰۱۵م، از ناشر چشمه، تهران، منتشر شد. این مجموعه دارای شش داستان می‌باشد. عنوان‌های داستان عبارتند از:

۱. مولی و شازده

۲. یک شب دیگر

۳. اسم نیست

۴. امیلیانو حسن

^{۱۸۳} <https://www.naakojaa.com/article/2315>

گفت و گو با محمود دولت آبادی، خسروی یگانه

۵. چوب خشک بلوط

۶. اتفاقی نمی افتد

این داستان ها درون مایه شهر و مربوط به موضوعات گوناگون اجتماع است، روایت می کند.

• تا سر زلف عروسان سخن

محمود دولت آبادی این کتاب را در سال ۱۳۹۴ش/۲۰۱۵م نوشته و از نشر چشمه ، تهران منتشر شد. این کتاب گزیده ای مهم ترین متون نثر فارسی از قرن سوم تا قرن دوازدهم هجری است. این کتاب با داستان «کیومرث و پادشاهی او» برگرفته از «تاریخ طبری» نوشته محمد بن جریر طبری و «قصه یوسف» از «تفسیر طبری» که نثر فارسی در قرن سوم هجری اند، شروع می شود .

• وزیری امیر حسنگ

این یکی از بهترین آثار دولت آبادی است که در سال ۱۳۹۲ش/۲۰۱۳م از ناشر انتشارات فیروزی چاپ شد.

• تنگنا

تنگنا مهم ترین اثر نمایشی محمود دولت آبادی است که در سال ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م از نشر قطره منتشر شد.

• کارنامه سپنج

کارنامه سپنج مجموعه ده داستان بلند دولت آبادی است که در سال ۱۳۹۲ش/۲۰۱۳م از انتشارات نگاه، منتشر شد. این کتاب مشتمل بر ده داستان است، عبارتند از:

۱. سفر
۲. باشیرو
۳. دیدار بلوچ
۴. گاواربان
۵. گلدسته و سایه ها
۶. ازخم چمبر
۷. بیابانی و هجرت
۸. عقیل عقیل
۹. آوسنه بابا سیحان و
۱۰. ادیار و آینه

• روز و شب یوسف

این داستان بلند است که محمود دولت آبادی نوشته است و در سال ۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م، از انتشارات نگاه چاپ شد. این کتاب درمورد زندگی یک خانواده تنگ دست و زحمتکش را با تفصیل بیان نموده است.

• آن مادیان سرخ یال

آن مادیان سرخ یال داستان بلند است که دولت آبادی نوشته است و این کتاب در سال ۱۳۸۵ش/۲۰۰۵م، انتشارات نگاه منتشر شد.

• آهوی بخت من گزل

آهوی بخت من گزل مهمر ترین اثر محمود دولت آبادی است که در سال ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م، از نشر چشمه ، تهران، منتشر شد.

• ققنوس

این نمایش نامه معروفترین دولت آبادی است که در مورد یک مرد و دغدغه های او که از طرف ساواک می گیرد، روایت می شود.

• ادبار و اینه

این کتاب مجموعه ای پنج داستان کوتاه است که در سال ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، انتشارات نگاه منتشر شد. این کتاب دارای پنج داستان است. عبارتند از:

۱. مرد

۲. بند

۳. ادبار

۴. آینه

۵. ته شب

این مجموعه محمود دولت آبادی دومورد فضایی بومی و روستایی می گذرد.

• بیابانی و هجرت

این کتاب در سال ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، انتشارات نگاه منتشر شد. این کتاب مشتمل بر دو داستان بلند است.

• گلدسته و سایه ها

این کتاب در سال ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م هم ، انتشارات نگاه منتشر شد. این کتاب نیز مشتمل بر دو داستان بلند است.

۱. سایه های خسته

۲. پای گلدسه ای امامزاده شعیب.

جان استاین بک

جان استاین بک (John Steinbeck) یکی از برجسته ترین و پر خواننده ترین نویسندگان قرن بیستم است. او نویسنده ریالیست است و ریالیسم سبکی دارد. وی در سال ۱۹۰۲ در سالیناس کالیفرنیا (آمریکا) متولد شد.

"چهار نویسنده ی آمریکایی که در آستانه ی ورود به قرن بیستم چشم به جهان گشودند، آمریکای مدرن را تعریف کردند و به جهانیان شناساندند: جان استاین بک، اف. اسکات فیتزجرالد، ویلیام فاکنر و ارنست همینگوی. در میان این نویسندگان برجسته و تاریخ ساز آمریکایی، تنها جان استاین بک به اندازه ای عمر کرد که بتواند دهه ی پرتلاطم ۱۹۶۰ را تجربه کند و مشکلاتی را که جهان امروزه با آن ها رو به رو است، مانند فسادهای سیاسی، نابرابری های اقتصادی و تخریب عامدانه ی سیاره مان، به شکلی ملموس درک کند."^{۱۸۴}

پدر جان استاین بک آلمانی و مادر ایرانی بودند. پدرش به عنوان مامور خزانه داری در متتری و مادرش یک معلم در مدرسه کار می کردند. آنها برای بهبودی پسر خود به ویژه خواندن و نوشتن کارهای مهمی را انجام داده اند. جان استاین بک تحصیلات ابتدای خود

^{۱۸۴} <https://www.iranketab.ir/blog/john-steinbeck>

در سالیناس پایان رسانده است و در سال ۱۹۲۵ میلادی برای تحصیلات عالی در دانشگاه استنفورد رفت. جان بعد از فارغ التحصیلی، از دانشگاه خارج شد و به نیویورک رفت و آنجا در کار خبرنگاری مشغول شد. وی بعد از دو سال به کالیفورنی برگشت و خودش را در کار پاسبانی خانه ای مشغول گذاشت. این مدت ها وی وقت فراوانی برای خواندن و نوشتن پیدا کرد.

نخستین اثر جان استاین بک به عنوان *فنجان زرین*^{۱۸۵} است که در این هنگام نوشته است. این کتاب در سال ۱۹۲۹م. منتشر شده است.

این کتاب در مورد شرح زندگی یک نفر به نام موگان است که یکی از دزدان دریایی آمریکا بود. این نخستین اثر جان بود که شهرت بسیار حاصل کرد. همچنین کتابهای دیگری هم منتشر شدند. *چراگاههای آسمان*^{۱۸۶} در سال ۱۹۳۲م و *به خدایی ناشناخته*^{۱۸۷} در سال ۱۹۳۳م منتشر شده اند.

در سال ۱۹۳۵م اثر دیگری جان به نام *فلات توتیلا*^{۱۸۸} چاپ شد. این مجموعه ای قصه های در مورد زندگی ماهیگیری کالیفونی بود که بسیار مقبول و مشهور شد. سپس در سال ۱۹۳۶م. اثر دیگری از او به نام *در نبردی مشکوک*^{۱۸۹} به وجود آمد که این هم در دنیا ادبیات داستان نویسی آمریکایی را رونق بخشیده است.^{۱۹۰}

^{۱۸۵} The cup of Gold

^{۱۸۶} The Pastures of Heaven

^{۱۸۷} To a God Unknown

^{۱۸۸} Tortilla Flat

^{۱۸۹} In Dubious Battle

^{۱۹۰} قاضی محمد، در نبردی مشکوک، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ش، ص ۴

جان استاین بک در سال ۱۹۳۷م. داستانی به عنوان *موشها و آدمها*^{۱۹۱} نوشته است. این داستان درباره از زندگی دو روزمزد کشاورزی در سالیانس را بیان می کند. این داستان دو دوست است که ویژگی های آنان بسیار متفاوتی داشتند. آنها برای جستجو کردن کار از یک جا به جای دیگر می روند تا روزگار بگیرند. جان در این رمان فقر و کمبود و خشونت را با خوبی تصویر کشیده است و در سال ۱۹۳۸م. دو مجموعه قصه خوب از وی به نام *اسب سرخ*^{۱۹۲} و *دره بزرگ*^{۱۹۳} منتشر شد که مقبولیت وی را افزودند.

ما می دانیم که جان استاین بک یک نویسنده رئالیست است و در داستان وی واقعی و احساس حقیقی اینقدر دیده می شود که خوانندگان خودشان را در داستان مثل قهرمان می بینند، همین رمان *اسب سرخ* است. جان در این داستان کردار *جودی* که قهرمان اصلی بود، رشد از کودکی تا جوانی را بیان کرده است.

"این زوج اندکی قبل از ازدواجشان به شهر پسیفیک گرو در کالیفرنیا نقل مکان کردند و در آن جا با حلقه ای از افراد روشنفکر و نویسندگان در حال شکوفایی از شهرهای اطراف دوست شدند. آن ها سپس مدتی را در لس آنجلس و بعد از آن، در شهری کوهستانی در نزدیکی سن خوزه به نام لس گاتوس گذراندند. کارول در لس گاتوس، داستان های دست نویس جان را تایپ و ویراستاری می کرد و در همین شهر بود که عنوان *خوشه های خشم* را به همسرش پیشنهاد داد"^{۱۹۴}.

Of Mice and Men^{۱۹۱}

The Red Pony^{۱۹۲}

The Long Valley^{۱۹۳}

<https://www.iranketab.ir/blog/john-steinbeck>^{۱۹۴}

خوشه های خشم^{۱۹۵} اثر جان استاین بک یکی از برجسته ترین رمانهای تاریخ آمریکاست که در سال ۱۹۳۹م. چاپ شده است. داستان این رمان درباره دوره زمانی از تاریخ آمریکا است که فقر و بیعدالتی باعث آوارگی بسیاری از خانواده ها شده است. این رمان در مورد بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰م. و رکود بزرگ و استفاده از ماشین و اجتماع آن زمان را به تصویر می کشد. رمان خوشه های خشم روایت سفر طولانی یک خانواده فقیر آمریکایی را بیان می کند و برای زندگی بهتر، از ایالت اوکلاهما به کالیفرنیا مهاجرت می کنند. اما مردم اوکلاهما که می خواستند و پیش بینی می کنند، پیش نرفت. این رمان در محکومیت بی عدالتی نوشته شده است.

کتاب های جان استاین بک به شکلی منحصر به فرد است که رنج انسان ها را به تصویر می کشد. هدف وی کمک به توده ای مردم است. جان کسانی بود که با وجود مشکلات شخصی، دشمنان سیاسی و حملات تند منتقدان، در زندگی بسیار موفق شد. امروز جان استاین بک نه فقط در دنیای ادبیات آمریکایی بلکه در سراسر جهان معروف و مشهور و یادگار است.

آثار دیگر جان استاین بک، عبارتند از:

۱. ماه پنهان است (۱۹۴۲) ^{۱۹۶}

۲. کوچه ساردین (۱۹۴۴) ^{۱۹۷}

۳. مغروقین اتوبوس (۱۹۴۷) ^{۱۹۸}

^{۱۹۵} The Grapes of Wrath

^{۱۹۶} The moon is Down

^{۱۹۷} Cannery Row

^{۱۹۸} The Wayward Bus

۴. شرق عدن (۱۹۵۲) ^{۱۹۹}

۵. پنجشنبه شیرین (۱۹۵۴) ^{۲۰۰}

۶. سفرهایی با چارلی (۱۹۶۰) ^{۲۰۱}

۷. مروارید (۱۹۴۷) ^{۲۰۲}

۹. آتش درخشان (۱۹۵۰) ^{۲۰۳}

۱۰. زنده باد زاپاتا! (۱۹۵۲) ^{۲۰۴}

۱۱. آمریکا و آمریکایی ها (۱۹۶۶) ^{۲۰۵}

جوایز

جان استاین بک بیشتر جوایز را به نام خود کرده است. عبارتند از:

- جایزه پولیتزر در هنر داستان در سال ۱۹۴۰م حاصل کرده است.
- جان در سال ۱۹۴۰م جایزه ملی کتاب هم به نام خود ثبت کرده است.

East of Eden	^{۱۹۹}
Sweet Thursday	^{۲۰۰}
Travels With Charley	^{۲۰۱}
The Pearl	^{۲۰۲}
Burning Bright	^{۲۰۳}
Viva Zapata!	^{۲۰۴}
America and Americans	^{۲۰۵}

- در سال ۱۹۶۲م جان استاین جایزه نوبل در ادبیات حاصل کرده است.
- وی در سال ۱۹۶۴م مدال آزادی ریاست جمهوری هم گرفته است.^{۲۰۶}

^{۲۰۶} قاضی محمد، در نبردی مشکوک، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۱ش، ص ۵.

فصل چهارم

مطالعه تطبیقی و تحلیلی ادبی رمان جای خالی سلوچ و گرپس آف ریت

مطالعه تطبیقی و تحلیلی ادبی رمان جای خالی سلوچ و گریپس آف ریت

مطالعات تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از مهمترین بخش های ادبیات جهان می باشد. مطالعه تطبیقی از نوع پژوهشی بین رشته ای است که در آن ادبیات ملت های مختلف و رابطه ادبیات با علوم انسانی و هنرها تحلیل می شود.

"ادبیات تطبیقی حوزه مهمی از مطالعات ادبیات است که بررسی و تجربه و تحلیل ارتباط ها و شباهت های بین ادبیات زبان ها و ملیت های مختلف می پردازد."^{۲۰۷}

مطالعه تطبیقی از نوع تحقیقی است که در این دو کشور، دو جامعه یا دو شهر یا دو استان و توضیح علل شباهت یا تفاوت میان آنان و درباره تاریخی اجتماعی و فرهنگی یا اقتصادی رایه داده می شود.

ادبیات تطبیقی به معنی مقایسه کردن، فکری، زیبایی شناسی، کنار هم نهادن دو اثر ادبی یا چند موضوع جهت بررسی از نظر فنی، تاریخی، کمی، کیفی و غیره می شود. در فرهنگ معین این کلمه را اینطور بیان شده است. "برابر کردن و مطابق ساختن دو چیز با هم"^{۲۰۸}

^{۲۰۷} میلاد شمعی و مینو بیطرفان، ادب پژوهش، شماره چهاردهم، ۱۳۸۹، ص ۶۷

تعریف ادبیات تطبیقی کوتاه دیگری هم وجود دارد که به شرح ذیل است:

"ادبیات تطبیقی توصیف تحلیلی، مقایسه روشمند و تفسیر مرکب پدیده های ادبی بین زبان ها یا فرهنگ ها از طریق تاریخ و نقد و فلسفه است تا بدین وسیله درک نیکویی از ادبیات انجام شود."^{۲۰۹}

"تحقیقات تطبیقی در حوزه ی ادبیات به بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگری زبان ها، کشف پیوندهای پیچیده بین آن ها، اراییه نقش و اثرگذاری هر یک از آن ها از نظر ارزش هنری، معنوی، محتوایی، فنی و پیوندهای تاریخی می پردازد."^{۲۱۰}

"در سال های اخیر گرایش پژوهشگران به انجام تحقیقات تطبیقی در حوزه مطالعات آموزش و پرورش روندی صعودی داشته است. یکی از علل از اصلی این علاقه را می توان کسب آگاهی از وضع دیگر جوامع و نقش نظامهای آموزش در روند پیشرفت های گسترده اجتماعی، اقتصادی آنان دانست."^{۲۱۱}

رمان جای خالی سلوچ و گریس آف ریت

^{۲۰۸} معین، محمد، فرهنگ لغت، موسسه ای انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۲ش

^{۲۰۹} نظری منظم، دکتر هادی، ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه های پژوهش، نشریه ادبیات تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۸۹ش، ص، ۲۳۲

^{۲۱۰} آسمند جونتقانی، علی، ادبیات تطبیقی، کتاب ماه ادبیات، ۱۳۷۷ش، ص، ۳۵

^{۲۱۱} معدن دار آرانی، دکتر عباس، مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش: کارسب روشهای جدید تحقیق، فصلنامه خانواده و پرورش، شماره

محمود دولت آبادی در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م از زندان آزاد می شد. بعد از آزادی خود وی رمان معروفترین به نام **جای خالی سلوچ** را نوشته است. این رمان به زبان های مختلف چون انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، کردی، آلمانی و هلندی ترجمه شده است.

رمان جای خالی سلوچ رمانی رئالیستی است که تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوران پیش از انقلاب را روایت می کند. محمود در این رمان حقیقت زندگی مردمان روستاهای خراسان و رنج و غم و ظلم و ستم و بیداد و خشونت را تصویر می کشد و اوضاع و احوال روستاهای ایران که حاشیه کویر وجود دارند، تمام وضعیت های زمینه زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را بیان می کند که نظیر ندارد.

رمان جای خالی سلوچ داستان بلند است که مشتمل بر ۵۰۰ صفحه دارد. این رمان درمورد یک خانواده روستا است که مسایل بقای زندگی آنان را بیان می کند. شخصیت های اصلی این رمان **مرگان** و **سلوچ** هستند، اما سلوچ شخصیت اصلی که پنهان می شود. علاوه بر این شخصیت های فرعی چون عباس، ابراو، هاجر، ملا امان، سردار و... هم وجود دارند. سلوچ (پدر خانواده) یک روز خانواده خود را تر کرد و دیگر باز نمی گردد. مرگان (همسرش) به دنبالش رفت ولی پیدا نشد. سلوچ که سه فرزند دارد، عباس فرزند بزرگ بود و ابراو، هاجر کوچکترین خواهر وی بود. همه برای بقای خودشان مبارزه می کنند. مرگان برای بچه ها کارهای خانه را چون نان و غذا تهیه می کند، مرگان خود زنی سخت کوش است که پای خود را برای یک لحظه نمی نشیند. مرگان برای پول پسران را کارهای مانند جمع آور هیزم و فروش آن می فرستد.

یکی از همسایگان مرگان، اسمش علی گناو است. علی گناو زن خودش را مرگ کتک می زند و زمین گیر می کند. هاجر دختر دوازده ساله ای مرگان است که تازه به ساله سیزده وارد کرد، داماد مرگان شد. بعد از آن علی گناو هاجر را با خشونت در آغوش می کند و می زند.^{۲۱۲}

" در واقع دولت آبادی در این داستان زوال زندگی روستایی و محصول کشاورزی ایران را که نتیجه اصلاحات ارضی و طرح های صنعتی پهلوی است، مدنظر دارد. نویسنده در جای خالی سلوچ دگرگونی اجتماعی را که روستای زمینچ و مردم آن نمونه ای از آن است، باز می نماید. از این روی ناپدید شدن سلوچ نشانه ناپدید شدن آن چیزی است که او از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در جامعه روستایی اش بدان متکی است. سر گشتگی مرگان بیانگر سر گشتگی همه جامعه و بی هویتی مردم در این دوره تاریخی از تحول اجتماعی است این دو عامل پی هایی هستند که چارچوب ساختمانی داستان بر آن ها استوار شده و سیر موضوعی داستان بدان سو پیش می رود."^{۲۱۳}

داستان جای خالی سلوچ زمان انقلاب سفید است. آن وقت همه مالکان بزرگ زمین های خودشان را می فروختند و از ده رفتند و راه های تازه را طرح می کنند. محمود دولت آبادی زندگی مردمان کویری و روستایی که پر از دشوار و رنج و بیداد دارند، از دیدگاه جامعه شناس و تاریخ وصف کرده است.

^{۲۱۲} دولت آبادی، محمود، جای خالی سلوچ، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸ش، ص، ۴-۵

^{۲۱۳} دولت آبادی، محمود، جای خالی سلوچ، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸ش، ص، ۶

رمان جای خالی سلوچ تمام مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تحولات زندگی مردم رستای ایران دوران پیش از انقلاب و ناموفق اصلاحات ارضی حکومت پهلوی را با کمک داستان این رمان که بیش از سی شخصیت از جمله کودک، آشکار می کند که می توانیم عناصر ویرانگری زندگی روستای ایران و ناپدید شدن بشریت در جامعه ایران را بفهمیم.

"جای خالی سلوچ شباهت های مضمونی و محتوایی نسبتاً زیادی با نفرین زمین، نوشته جلال آل احمد (۱۳۴۶)، دهکده پر ملال، نوشته امین فقیری (۱۳۴۷)، اسرار گنج دره جنیف نوشته ابراهیم گلستان (۱۳۵۳)، و همسایه ها و داستان یک شهر، نوشته احمد محمود (۱۳۵۴) دارد. داستان زنی که مردش را گم کرد، نوشته صادق هدایت و داستان گيله مرد، نوشته بزرگ علوی، بیش از داستان های دیگر به جای خالی سلوچ شباهت دارند"^{۲۱۴}

از طرف دیگر رمان گریس آف ریت که به عنوان خوشه های خشم، به زبان فارسی ترجمه شده است، یکی از معروفترین و مقبولترین رمان های سراسر جهان می باشد. این رمان در سال ۱۹۳۹ میلادی توسط جان استاین بک نوشته شده است. جان استاین بک در سال ۱۹۶۲ میلادی برای آثار خود بالخصوص رمان خوشه های خشم و موش ها و آدم ها برنده جایزه نوبل ادبیات شد. رمان خوشه های خشم رمانی ریالیسی است که تحولات اجتماعی و اقتصادی آن زمان و در دهه ۱۹۳۰ میلادی و سال های بعدی بحران اقتصادی بزرگ امریکایی را روایت می کند. جان استاین بک در این رمان حقیقت زندگی خانواده تام جاد^{۲۱۵} و وضعیت های کشاورزان اوکلاهما و رنج و غم و ظلم و ستم و بیداد و خ شونت را تصویر می کشد. مردمان اوکلاهما برای زنده ماندن به شهر کالیفرنیا مهاجرت کردند. این

^{۲۱۴} میلادی شمعی و مینو بیطرفان، ادب پژوهشی، شماره چهاردهم، زمستان، ۱۳۷۹، ص، ۶۹

^{۲۱۵} Tom Joad

رمان از حیث تاریخی هم مهم دانسته می شود چونکه دوره رکود بزرگ^{۲۱۶} و صعیت های اجتماعی و اقتصادی امریکایی را با خوبی بیان کرده است.

رمان خوشه های خشم با همه تلخ، رمان مهمی و آگاهی بخش و بسیار خواندنی قرار داده شده است. پس از خواندن این رمان لازم می دانم که جمله از چارلز بوکوفسکی^{۲۱۷} را بنویسم. او می گوید: "آدمزاد به چه خفت و خواری هایی باید تن بدهد تا بتواند یک لقمه غذا زهرمار کند و کپه مرگش را یک جایی بگذارد."

خانواده تام جاد آن سرزمینی که با عشق و علاقه کشاورزی می کردند و پدربزرگ و مادر بزرگ زندگی می کردند، بعد از دست دادن زمین خودشان، سرزمین شان را ترک کردند. این منظره غایب انسانیت در جامعه آن و حقوق مردم آن جایی و بی عدالتی را تصویر می کشد.

این رمان بی عدالتی حکومت را هم نشان می دهد چونکه در حدود دویست هزار نفر از سر زمین های خودشان بیرون انداخته شدند و در سرزمین های جدید نیز تحقیر و طرد شدند. در این رمان شخصیت های مختلف وجود دارند ولی یکی از شخصیت های مهمی مادر خانواده است که قابل توجه قرار داده است. کردار وی قوت این رمان محسوب می شود. او شخصیت قوی و آهنین مادر است که برای بقای زندگی خانواده خود رنج بسیار برده است.

رمان خوشه های خشم تکنولوژی و زندگی مدرن را هم نشان می دهد چونکه در این رمان مزرعه های ویران شده توسط تراکتورها و قرض های کشاورزان که از بانک گرفته اند، را با

Great Depression^{۲۱۶}
Charles Bukowski^{۲۱۷}

خوبی مطرح شده است. بنابراین می توان گفت که جان استاین بک تکنولوژی و زندگی مدرن مردم آن جامعه و وضعیت های اقتصادی امریکایی را آشکار کرده است.^{۲۱۸}

رمان خوشه های خشم در ایران توسط عبدالحسین شریفیان و شاهرخ مسکوب و عبدالرحیم احمدی رضا اسکندری به فارسی ترجمه شده است.

چند جملاتی از رمان خوشه های خشم که عبارتند از:

"این مخلوقات نمی توانند هوا تنفس کنند و گوشت بخورند. آنها سود تنفس می کنند و ربح می خورند. بدون اینها خواهند مرد، درست مثل شما که بدون هوا و گوشت می میرید؛ خیلی تاسف آور است. ولی این است که هست؛ همین است که هست.

آدم هر جا باشه عادت میکنه و دیگه براش سخته از اونجا بره. نحوه فکر کردن هم بعد از مدتی عادت میشه و دیگه عوض کردنش سخته. من دیگه کشیش نیسم اما همه اش بی آنکه خودم بفهمم دعا میخونم. (خوشه های خشم - صفحه ۹۱)

اگه گذشته رو از دست بدیم چه جوری خودمونو بشناسیم؟ (خوشه های خشم - صفحه ۱۵)

یه چیزی تو زندون یاد گرفتم که میخوام بهت بگم، آدم هیچ وقت نباید به اون روزی که آزاد میشه فکر کنه. اینه که آدمو دیوونه میکنه. باید به فکر امروز بود و بعد به فردا. باید همین

^{۲۱۸} Steinbeck, John, The Grapes of Wrath, Penguin Classics, 2000AD

کارو کرد. این کاریه که آدمهای کارکشته میکنن. تازه واردها سرشونو به دیوار میکوبن و هی میپرسن چه قدر دیگه باید بمونیم. چرا به روزی که هنوز نیومده فکر می کنی؟ (خوشه‌های خشم - صفحه ۱۶۱)

میدونم که تقصیر اونا نیست. همه کسایی که من باهاشون حرف زدم به هزار و یک دلیل مجبورن راهشونو بگیرن و برن، ولی من ازتون می‌پرسم کار این مملکت به کجا میکشه من میخوام اینو بدونم. ما از کجا سر در میاریم. دیگه هیشکی نمیتونه زندگیش رو تامین کنه، دیگه هیشکی نمیتونه با کشت زمین زندگیشو تامین کنه. من اینو ازتون می‌پرسم، عاقبت این کار به کجا میکشه. (خوشه‌های خشم - صفحه ۲۲۰)

اتومبیل‌های مهاجران در کوره‌راهها می‌خزید، به شاهراه می‌رسید و در جاده بزرگ، به سوی مغرب راه می‌افتاد. اتومبیلها سپیده‌دم مانند ساسها به جانب باختر می‌گریختند. و تا پشت روز به خاک می‌رسید و تاریکی غافلگیرشان می‌کرد، گرد هم می‌آمدند و در گوشه برکه‌ای دور هم می‌لولیدند. مهاجران حس می‌کردند که از دست رفته و متلاشی شده‌اند، چون همه از جایی می‌آمدند که بینوایی و اندوه بر آن فرمان می‌راند - آنجا که تحقیر شکست را تحمل کرده بودند - و چون همه به جانب کشور تازه و شگفتی می‌رفتند، دور هم جمع می‌شدند، با یکدیگر حرف می‌زدند، زندگی‌شان، خوارکی‌شان و آنچه از سرزمین جدید انتظار داشتند، همه را با هم تقسیم می‌کردند. (خوشه‌های خشم - صفحه ۳۴۳)

چگونه می‌توان کسی را ترساند که شکمش فریاد گرسنگی می‌کشد و روده‌های بچه‌هایش از نخوردن به پیچ و تاب در می‌آید؟ دیگر چیزی نمی‌تواند او را بترساند. او بدترین ترسها را دیده است. (خوشه‌های خشم - صفحه ۴۲۲)

آدم وقتی گناهکاره که عقیده داره گناه کرده. (خوشه‌های خشم - صفحه ۴۷۶)"^{۲۱۹}

خلاصه داستان خوشه های خشم

رمان خوشه های خشم از شاهکارهای ادبیات آمریکا و ادبیات جهان به شماره می رود. داستان این رمان خانواده ای کشاورز و کارگران تنگدست است.

تام جاد پس از چهار سال با تعهد که دادگاه می داد، از زندان تازه خود را رها کرده است. تام جاد بعد از آزادی خود به سوی خانه رفت. وقتی که او آنجا رسید و دید که هیچ کس او را نمی شناخت. سپس او با کیسی ملاقات کرد و همراه به تام جاد به خانه پدر تام رفتند. آنها به نزدیکی خانه رسیدند و دیدند که در خانه هیچ کس حضور نداشت و در آن منطقه هم کسی وجود نداشت. بعد از چند مدتی جاد و کیسی فهمیدند که ناظر که مالیکت همه زمین های خانواده تام و کشاورزان دیگری داشت، خانواده تام جاد را مانند همه کشاورزان بیرون کرده است. چون که آن سال گرد و غباری روی محصولات نشسته بود که همه مزرعه را برباد و خشک کرده است. به این سبب محصولات آنان خوبی به دست نیاورده است، لذا

^{۲۱۹} بخش فرهنگ هنر، رمان خوشه های خشم،

از زمین بیرون انداخته شده اند. خانواده تام و کشاورزان بد بخت دیگر راهی نداشتند، جز این که زمین های خودشان را ترک کنند. آنها سعی کردند و پیش ناظر رفتند و گفتند که "ما سالیان سال است که داریم روی این زمین ها کار می کنیم و همیشه هم اجاره هایمان را پرداخته ایم چه کنیم دیگر، کشاورزی این مسایل را هم دارد، یکبار آب نیست، یکبار آفتاب می سوزاند. اگر یکسال صبر کنید همه چیزی حل می شود و ما اجاره هایمان را دوباره از سر گیریم و پرداخت می کنیم."^{۲۲۰} اما هیچ حرف های کشاورزان از طرف بانک و ناظر نشنیده شده و بعد هم از طرف ناظر و بانک جواب آمد که "شورش کردن تان هم فایده ندارد. شما این جا اجاره نشین هستید. دست به اسلحه شوید، فردا صبح با کلانتر می اییم و همه ای تان را از دم از بین می بریم. پس بهتر است که هر چه سریع تر جور و پلاستان را جمع کنید و از این جا بروید که داغ تان را به دل بچه هایتان نگذاشته ایم."^{۲۲۱} بعد از آن آنها تصمیم گرفتند که جای خودشان را ترک بکنند و از این جا به جای دیگر مهاجرت کردند. پس از این همه کشاورزان به سوی کالیفرنیا کوچ کردند.

جاد و کیسی به دنبال خانواده که رفته بود، مردی ملاقات کرد. آن مرد همه ویرانه های خانه ها را به آنها آشنا کرد. او گفت که "کاش این روز را هیچ کس نبیند. تراکتورها چنان به جان مزرعه افتادند و چنان مزرعه را خراب کردند که کاش هیچ گاه آن جا نبودم و این صحنه را نمی دیدم. تراکتورها بعد از این که مزرعه را خراب کردند، ریختند سوی مردم، همه چیز را در هم شکستند. سمت خانه ها آمدند. همه را به زور فراری دادند. نبودند که ببیند چطور

^{۲۲۰} <https://mohamadrezateimouri.com/grapes-of-wrath>

^{۲۲۱} همان

مردم اواره شده بودند.^{۲۲۲} وقتی که جاد خانواده خود را پیدا کرد و دید که آنها با عمو جان اقامت گزیدند. عمو جاد خیلی پریشان بود چونکه همسرش فوت کرده است. مادر تام جاد خیلی قوی بود و خانواده خود را با دقت نگهداری می کرد. برادر تام جاد نوح و خواهرش روزاشارن^{۲۲۳} هم با خانواده بودند. خواهرش که تازه ازدواج کرده و حامله بود که سفر را یک کمی مشکل ساخته است.

جاد بعد از شنیدن درباره کارها که در کالیفرنیا وجود دارند. او تصمیم گرفت که به کالیفرنیا برود اما پدرش نمی خواست که با آنها برود. عاقبت همه به سوی کالیفرنیا می رفتند. دوران این سفر خانواده جاد پدر خود را از دست داد. سپس خانواده ویلسن، خانواده جاد را توجه داشت. جاد و ویلسن به کالیفرنیا رسیدند و با چند مشکلات رو به رو شدند. آنها برای خانواده شان و زندگی کردن شان بسیار زحمت کشیدند تا جای گرفتند. دوران این مدت آنها شغل های مختلف گرفتند و برای زنده ماندن خود و خانواده شان کارهای مهمی و پر خطر انجام دادند.

وقتی که باران سختی می آمد و سیل جاری شد، پریشانی جاد و کارگران دیگر زیاد شد. همه برای حفاظت خانواده خودشان مشغول بودند. جاد هم در این کار خیلی زحمت کشید اما نتوانست موفق شود. چون که خواهرش حامله بود و درد زایمانش هم شروع شد و بعد از مدتی بچه او به دنیا آمد که مرده بود. عمو جان او را کمک کرد و او را جای بالاتر آورد. آنها در یک انباری جای گرفتند. در آن انباری یک پیر مرد بود که حالتش خیلی خراب بود و پسر پیر مرد هم کنار او نشسته بود. حالت آن مردی شدید گرسنگی بود، روزاشارن او کمی

^{۲۲۲} همان

^{۲۲۳} Rose of Sharon

شیر ار سینه ای خودش به مردی داد که او از گرسنگی نمیرد. این داستان خیلی دردناک است و تحولات جامعه آن زمان را نشان می دهد که که جان استاین بک بیان کرده است.^{۲۲۴}

تحلیل شخصیت های رمان خوشه های خشم

شخصیت های رمان خوشه های خشم قایل توجهی است که برای فهمیدن این رمان خیلی لازم می باشد.

شخصیت های اصلی

تام جاد^{۲۲۵}

تام جاد شخصیت اصلی این رمان قرار داده است. تام جاد چهار سال پیش هنگام دفاع از خود، یک مرد را با بیل کشته است. او برای این تقصیر به هفت سال زندان شد. بعد از چهار سال او از زندان با تعهد آزاد شد. تام جاد شخصیت اول این رمان است که فرزند آقای جاد و مادر است. جاد برای خانواده خود بسیار زحمت می کشید. در سراسر این رمان او علیه ظلم و ستم و بی عدالتی و ستم زمین خوران همیشه مبارزه می کرد. او هیچ وقت آرام نکرده بلکه هر ستمی که می دید، خودش را علیه آن می خاست و سینه سپر می کرد. او نه

^{۲۲۴} مسکوب، شاهرخ و احمدی، عبدالرحیم، خوشه های خشم، موشه چاپ و انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۳ش

^{۲۲۵} Tom Joad

فقط خانواده خود زحمت کشید بلکه همه کارگران خیلی جدی بود. جاد کسانی بود که رنج خویش را به رنج دیگران ترجیح می داد.

جیم کیسی^{۲۲۶}

جیم کیسی یکی از مهمترین شخصیت های این رمان است که نمادی انسان آزاد است. او خودش گوشه نشینی کرده است. رمان خوشه های خشم کیسی و تام نخستین دیدار دیالوگ این داستان را نشان می دهند. این یکی از تکنیک های جان استاین بک است که در داستان یک درون مایه مهمی استفاده کرده است. شخصیت کیسی این رمان دقیقاً درون مایه پرداز می باشد. در این رمان از ویژگی های جالبی که نشان می دهد ، ویژگی آزادی کیسی است. علاوه بر این او یکی از شخصیت هایی مذهبی را نیز نشان می دهد که در شهر مسولیت دار است.

مادر تام جاد^{۲۲۷}

مادر تام جاد یکی از مهمترین و قویترین شخصیت های این رمان است که صفت مرد دارد. او زنی است که بسیاری از زحمت ها برای خانواده خود بر داشته است. او در این داستان هیچ وقت خانواده خود را جدا نکرد و برای متحد کردن آنان هم نقش های مهمی را انجام داده است. شخصیت او اینقدر است که داستان این رمان را زنده کرده است یعنی قوت

Jim Casy^{۲۲۶}
Ma Joad^{۲۲۷}

بخشیده است. مادر تام برای بقای زندگی خانواده خود رنج بسیار برده است. کردار وی وضعیت های زنان آن زمان را نیز بیان می کند که زنان زیر تحت مردان بودند و حقوق آنان نسبت به مردان کم قرار داده است.

پدر تام جاد^{۲۲۸}

پدر تام جاد در رمان خوشه های خشم دیگر شخصیت نمادین می باشد. او تمام زندگی خود در مزرعه خود گذاشته است و نمی خواست از آن به جای دیگر برود. او خانواده خود را بسیار دوست دارد. او تمام زندگی خود برای سلامتی خانواده خود کاری می کند اما امید وی نابود می شود. او مردی مهربان است که از حیث یک کارگر رنج های بسیار کشیده است.

نوآ جاد^{۲۲۹}

نوآ جاد پسر بزرگ خانواده خود و برادر بزرگتر تام جاد است که در هنگامی متولد کج و زشت به دنیا آمد. او نمی خواست با خانواده خود سفر بکند و در نیمه راه خانواده را ترک کرد، به این سبب خانواده تام و بالخصوص مادر تام خیلی ناراحت شدند و نخستین کسی است که دل مادر را شکسته است.

Pa Joad^{۲۲۸}
Noah Joad^{۲۲۹}

ال جاد^{۲۳۰}

ال جاد پسر دیگر خانواده و برادر تام است که بسیار به تام علاقه دارد. او پسر بسیار شر و شور است و همیشه در کار دختر بازی مشغول می شود. او کار مکانیک را هم انجام می دهد به همین سبب پدر تام او را بسیار دوست دارد. عاقبت او در کار دختر بازی خودش را مشغول ساخت و خانواده را هم ترک کرد.

روتی جاد^{۲۳۱}

روتی جاد یکی از خواهران تام جاد و ال جاد و نوآ است که در دوره کودکی تام جاد را کستن آن مردی، مسولیت تام جاد می فهمد، به همین سبب تام جاد از خانواده خود فرار شد و پالیس او دستگیر کرد.

کانی ریورز^{۲۳۲}

کانی ریورز همسر رزا شان است که با خانواده تام به کالیفرنیا می رسد و بعد از آن همسرش و خانواده تام را ترک کرد و راه مستقل برای خود پیدا کرد. شخصیت وی نماد بی وفایی و خودخواهی و نا استواری را نشان می دهد.

Al Joad^{۲۳۰}
Ruthie Joad^{۲۳۱}
Connie Rivers^{۲۳۲}

وینفیلد^{۲۳۳}

وینفیلد پسر بچه در خانواده تام است که فقط ده ساله دارد. او بسیار شیطان و شر است که غذای را نمی خورد و مادر وی بسیار نگران می شود.

شخصیت های فرعی

پدر بزرگ^{۲۳۴}

پدر بزرگ یکی از شخصیت های نهان است که خانواده خود را پیشرف کرده است. او قبل از رفتن به غرب مزرعه خود ترک کرد و این احساس ترک کردن وطن خود ، او را خیلی ناراحت کرد و بر اثر سکته قلبی می مرد.

مادر بزرگ^{۲۳۵}

مادر بزرگ زنی مهربان و مذهبی است که مانند پدر بزرگ بر اثر سکته قلبی در گذشت. او هم در راه به سفر کالیفرنیا جان خود را از دست داد.

Winfield Joad^{۲۳۳}
Grampa Joad^{۲۳۴}
Granma Joad^{۲۳۵}

عمو جان^{۲۳۶}

عمو جان همیشه همراه تام جاد و خانواده تام است. او مردی خیلی کمک کننده است و هر وقت به خدمت دیگران هم موجود می باشد. بعد از در گذشتن همسر او، یک کمی پریشان دیده می شود اما برای کمک خانواده تام همیشه آماده می شود. او درد همسرش را نمی تواند فراموش کند و فکر می کند که او گناه کرده است. این دردی که هنوز باقی مانده ، درد بچه رزاشان که مرده به دنیا آمد، این درد را هم احساس می کند و رزاشان را هم کمک می کند.

آقای تامس^{۲۳۷}

آقای تامس از کارکنان شرکت هلو چینی است که مردی خوب است. او برای حقوق کارگران نقش های مهمی را انجام داده و خانواده تام را استخدام می داد و برای آنها نان و خوراک هم می داد.

فلوید^{۲۳۸}

فلوید مردی است که به غرب مهاجرت کرده و پس از شنیدن تام و کیسی با آنها ملاقات کرد و به همراه آنها شود اما بعد از آن او موجب دستگیری کیسی می شود.

Uncle John^{۲۳۶}
Mr. Thomas^{۲۳۷}
Floyd Knowles^{۲۳۸}

مولی مردی است که زمین های خود هم ترک کرده است و مانند خانواده تام و کیسی کار خودش را انجام می دهد.^{۲۴۰}

تحلیل و بررسی رمان خوشه های خشم

رمان خوشه های خشم یکی از برجسته ترین و پر بحث ترین رمان های ادبیات آمریکا و جهان است که نه فقط در آمریکا مقبولیت حاصل کرده بلکه کشورهای مختلف و ادبیات دیگر جهان هم قابل توجهی قرار داده شده است. بسیاری از نویسندگان، جامعه شناسان، سیاستمداران، روان شناسان و فیلسوفان درباره این رمان نظرهایی خودشان را اظهار نیز کرده اند و می گویند که آثار جان استاین بک ادبیات آمریکا را در دوره معاصر زنده و غنی تر می کنند و حقیقت جامعه آمریکا را بیان هم می کند که خیلی تاثیر گذار است. نویسنده این رمان بسیاری از شخصیت های را از حیث سمبلیسم ذکر می کند که روش آن خیلی جداگانه و جالبی دیده می شود. نماد بچه رزاشارن و عمو جان فکر نویسنده بود که خوانندگان را بسیار جلب می کند، بچه رزاشارن که در شکم اوست و در سفر طولانی هم همراه است و هیچ رنج ها را ندیده است، عمو جان بچه رزاشارن که مرده به دنیا آمد، آن را در جعبه سیب زمینی می گذارد. این نماد ناامیدی آنان را نشان می دهد. بعد از آن می بینیم

^{۲۳۹} Muley Graves

^{۲۴۰} مسکوب، شاهرخ و احمدی، عبدالرحیم، خوشه های خشم، موشه چاپ و انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۳ش

[/https://mohamadrezateimouri.com/grapes-of-wrath](https://mohamadrezateimouri.com/grapes-of-wrath)

که رزاشارن که در انباری پیر مردی را از سینه خود شیر می دهد و او را از مرگ نجات می دهد، این دوباره مفهوم امیدی را در داستان نشان می دهد. این طور می بینیم که امیدی و ناامیدی هر جا در داستان می توان دید. رمان خوشه های خشم رمان تاریخی است چونکه اوضاع سیاسی و اجتماعی که در دوره رکود بزرگ بوده، آن مسایل را در رمان خود، درد و خشونت و ستم و دردناک ترین رنج های بشری برای اجتماع کارگران و کشاورزان ایالت اوکلاهما با خوبی اتصال کرده است.

جان استاین بک احساس وطن پرستی و ترک وطن و جدایی از زمین ها، کشاورزان و مردم اوکلاهما، نشانه ای بی افتخاری و بی عزتی آنان را نشان می دهد و به این سبب آنها خیلی خشمگین شوند. جان استاین بک این خشم را بی عدالتی دولت می داند و کارگران و کشاورزان را به نگاهی خوشه های انگور تصویر می کند که هیچ وجود در جامعه ندارد. نقش های ناظر و کارکنان بانک نیز غایب بشریت و انسانیت و عدل و انصاف از جامعه آن زمان را آشکار می کنند.

خلاصه داستان رمان جای خالی سلوچ

رمان جای خالی سلوچ یکی از مشهورترین رمان های ادبیات فارسی و جهان است که داستان یک خانواده فقر و تنگدستی و اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روستای را بیان

می کند. داستان این رمان درباره پدری است که خانواده خود را ترک کرده و موجب مشکلات بزرگی برای خانواده خود شد.

رمان جای خالی سلوچ با بیدار شدن مرگان و پسران و ناپدید شدن سلوچ شروع می شود. داستانی که بیان شده است، مرگان چاره ای جز مهاجرت از خانه خود چاره ای باقی نمی ماند.

داستان این رمان، پدری خانواده که روزی صبح زود از خانه رفت، آغاز می شود. سلوچ بعد از ترک کردن خانواده خود دوباره بر نمی گردد. همسر سلوچ که اسمش مرگان است، برای جستجو کردن بسیار زحمت می کشد ولی او را پیدا نکرد. سلوچ سه فرزند دارد که زندگیشان مانند مرگان هم تباه و برباد شد. عباس پسر بزرگ و ابرو پسر بعدی و هاجر خواهر آنها که از همه کوچکتر است. شغل سلوچ گچکاری و تنورسازی است که پسر بزرگ او یعنی عباس کار سلوچ را دوست ندارد. عباس خودش را در کار قماربازی مشغول می سازد. پسر کوچکتر یعنی ابرو نسبت به بقیه دلبستگی زیادی به پدر دارد و او پدرش را خیلی می پسندد. مرگان زنی است که برای زنده ماندن خانواده خود و بقای زندگی آنان نقش های مهمی را انجام داده است. او پسران خود را برای جمع آوری هیزم و فروش آن به کار می فرستاد و خودش را در کار غذا و درست کردن آن و دیگر مشغول می سازد. این مشکلات که مرگان روبرو می کند، خشم عظیمی در دل او ظهور می شود که به سبب سلوچ به وجود می آید.

ادامه داستان این رمان دولت آبادی می نویسد که یکی از همسایگان مرگان، اسمش علی گناو است. علی گناو زن خودش را مرگ کتک می زند و زمین گیر می کند. هاجر دختر دوازده ساله ای مرگان است که تازه به ساله سیزده وارد کرد، داماد مرگان شد.

این داستان در دوره انقلاب سفید و تقسیم اراضی را نیز نشان می دهد که آن زمان بزرگان روستا می خواهند که زمین از دولت وقت وام بگیرند و برای این کار همه مردم روستا را هم راضی می کند، اما مرگان از این گام خوش نمی آید و راضی نمی شود. سپس می بینیم که پسران هم راضی هستند و زمین خودشان را به بزرگان روستا می فروشند.

" در ادامه داستان، در یکی از روزها که عباس شترهای سردار (پسرعموی علی گناو) را به صحرا برای چرا می برد، یکی از شترها که بهارمست شده است به او حمله کرده و قصد جان او را می کند، عباس از دست شتر فرار کرده و به ناچار خود را به چاهی می اندازد، شتر مست خود را سر چاه می اندازد؛ در ته چاه که خشک شده و بی آب است عباس دو مار افعی چنبره زده می بیند. عباس ساعتها در چاه می ماند؛ ترس از مرگ، مارها و شتر مست، همه و همه باعث ترسی تا سر حد جنون در عباس شده و موهای او تماما سفید می شود. این دوران، دوران سرخوردگی و ناامیدی مرگان است، پسر بزرگتر، عباس، او به یکباره پیر شده و دیگر توان کارکردن ندارد، پسر دیگر او، ابراو، راننده تراکتور شده و دیگر کمتر به خانه سر می زند، دختر کم سن و سال او همسر علی گناو میانسال شده و شوهر او سلوچ که کماکان خبری از او نیست." ^{۲۴۱}

^{۲۴۱} نقد بر جای خالی سلوچ نوشته محمود دولت آبادی از اسد، مرتضی

یکی از مهمترین قسمت های این داستان، خانواده سلوچ تصمیم گرفتند که به جای دیگر مهاجرت می کنند. چونکه عباس و ابراو هیچ کار ندارند و چاره جز مهاجرت دیگر ندارند. هنگامی که مرگان روستا را ترک می کند، مردی را می بیند که به نظرش بسیار آشنا می آید. این مرد همان پدر خانواده یعنی سلوچ بود که ناگهان خانواده اش را ترک کرده بود.^{۲۴۲}

تحلیل شخصیت های رمان جای خالی سلوچ

شخصیت پردازی محمود دولت آبادی در این رمان بسیار شایسته و جالب و قابل توجه است.

"در ادبیات داستانی عناصر زیادی وجود دارد که داستان بر اساس آن شکل می گیرد، عناصر چون پیررنگ، زاویه دید، کشمکش، گفتگو، راوی و شخصیت، شخصیت که طرح داستان بر آن استوار است از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. در دایره المعارف بزرگ نو پرسوناژ، کارکتر در لغت به معنی خلق و خوی و منش و در اصطلاح ادبیات داستانی و نمایشی کسی است که ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است. هر شخصیت و داستانی بر آیند و بر گرفته از پروتیب خود است، پروتیب شخصی است که نویسنده آن را الگو و سر مشق قرار می دهد و باتوجه به آن دست به شخصیت آفرینی می زند."^{۲۴۳}

^{۲۴۲} دولت آبادی، محمود، جای خالی سلوچ، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸ش

^{۲۴۳} پسندی، زیباییوردی، بررسی شخصیت در رمان جای خالی سلوچ، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۲۳، ۱۳۹۶ش، ص، ۲۹-۱۲۸

اگر می بینیم در داستان این رمان، می یابیم که محمود دولت آبادی شیوه مستقیم و غیر مستقیم را نشان می دهد. شیوه مستقیم که نویسنده شخصیت های داستان را خود معرفی می کند و شیوه غیر مستقیم که نویسنده برای پرداختن شخصیت ها از گفتار و کردار استفاده می کند.

شخصیت های این رمان عبارتند از:

شخصیت های اصلی

مرگان (شخصیت اصلی آشکار)

سلوچ (شخصیت اصلی پنهان)

شخصیت های فرعی

عباس، ابراو، هاجر (فرزندان خانواده)

مولانا امان، سلار عبدالله، سردار، علی گناو، ذبیح الله، کربلایی دوشنبه، مراد، رقیه، مسلم و حاج سالم

سلوچ

سلوچ در این داستان شخصیت اصلی است که در کله داستان پنهان می شود. او همسر مرگان است که در ابتدای درمورد سلوچ بیان نمی شود ولی پس از خواندن دو بخش می

بینیم که سلوچ مردی که ناگهان خانواده خود را ترک می کند. حضور سلوچ در این رمان مستقیمی ندارد، اما ارتباط وی با شخصیت های دیگر می توان دید.

مرگان

مرگان یکی از شخصیت های مهمترین در این داستان است که برای بقای زندگی خانواده خود زحمتی بسیار کشیده است. مرگان همسر سلوچ است. او زنی پر تلاش و فعل است که وضعیت سختی را رو به رو کرده است. او برای فرزندان خود و زندگی آنان بسیار تلاش می کرد و با حدیث های افراد تنگ نظر روستا آشنا می کرد. خانواده مرگان برای رو به رو کردن همه مشکلات و وضعیت های سخت تر را عادت کرده اند.

عباس

عباس پسر بزرگ خانواده سلوچ است که خیلی حریص است و در کار قماربازی خودش را مشغول می کند و خانواده اش را بسیار توجه نمی دهد.

ابراو

ابراو برادر عباس است که خودش را از کارهای خانواده دور کرده است. او بعد از مدتی با شنیدن حرف های جدید، برای کردن آماده شد و در کار شخم زدن زمین با تراکتوری شروع

کرده و او اعتماد دارد که این مسولیت تراکتور را به او می دهند. ابراو و عباس هیچ وقت نام پدرشان را نمی آورد و می گفتند که با رفتن سلوچ وضعیت های مان تغییری نکرده ولی فقط تنبیه بدنی خانواده نداریم.

ابراو وقتی که در کار درو آغاز می کند، مادرش و عباس او را برای این کار اجازه نمی دادند، پس ابراو مادرش را که در چاله ای نشسته بود، از آن جا بیرون می آورد. این رفتار ابراو خیلی ناراحتی بود، اما بعد از آن او با کمک مراد مادرش را تسکین می دهد و سرانجام آنها تصمیم گرفتند که با مادرش همراه به دیگران روستا جای خودشان را هم ترک می کنند.

هاجر

هاجر خواهر کوچکترین در خانواده سلوچ است که فقط ۱۲ ساله دارد. ما می دانیم که وضعیت های اقتصادی خانواده مرگان خوب نبود، به همین سبب مرگان برای ازدواج هاجر با علی گناو راضی شد. همسر اول علی گناو هنوز زنده است، اما وی با هاجر ازدواج کرد. مرگان پیراهن خود را به هاجر داد، ولی پیراهن مرگان خیلی بزرگ است، آن را کوچک کرد و بر تن هاجر می پوشانند. می بنیم که این وضعیت فقری و تنگدستی آنها را نشان می دهد که خیلی ترسناک دیده می شود.

علی گناو

علی گناو شخصیت بسیار بی احساس است که مادرش را از خانه خود بیرون کرده است و هاجر را هم با خشونت آغوش می کند. هاجر از این رفتار خیلی زیاد می ترسید. علی گناو مردی زیرک بود. او به مرگان قول داده است که برای پسران وی کار خوبی پیدا خواهد کرد اما هیچ کاری برای آنها نکرد.

مولا امان

مولا امان شخصیتی است که برادر مرگان می گفت که او سلوچ را در شاهرود دیده است، ولی مرگان حرف های او توجه نمی داد.

کربلایی دوشنبه

کربلایی دوشنبه مردی است که خودش را در کار گرفتن سود که به مردم داده بوده، مشغول می شود. همسر وی ، او را هم از خانه بیرون کرده است. او بعد از آن به خانه مرگان رفت و با سفر آنها شد.^{۲۴۴}

مراد

^{۲۴۴} همان، ص، ۳۵-۱۳۳

"مادر و برادر بزرگش، شیره کش خانه داشتند. تنها، مراد میانشان عملی نبود. زبانش هم سر مادر و برادرش دراز بود. جثه و رفتارش هم طوری بود که برادر بزرگتر به سود خود نمی دید کار با مراد را به جدال بکشاند. مراد کاری بود و نان خودش را در می آورد. پس گردنش راست بود و بی واهمه اگر می خواست همداو بازی(قمار) می شد. دولت آبادی او را این گونه توصیف می کند:

چهره ای آزاد و مستقل که هوای هاجر، دختر مرگان را نیز در دل دارد چون به جاهای زیادی برای کار رفته، با دید بازتری نسبت به حوادث پیرامون خود دارد.^{۲۴۵}

رقیه

رقیه زنی علی گناو بود که علی گناو مادرش و همسرش را از خانه بیرون کرده است. رقیه برای سلامتی خود و مادرش خیلی زحمت کشیده است. وقتی که رقیه به بیمارستان رفت، علی گناو به فکر ازدواج هاجر بود و برای این مادر هاجر را نیز راضی کرد. هنگامی که رقیه شنید، خیلی ناراحت شد و گناه مرگان را نمی توانست فراموش کند. اما درباره حادثه که با عباس اتفاق می افتد، بعد از آن دوست مرگان شد و علی گناه را ترک کردند.

شخصیت پردازی و فضاسازی رمان جای خالی سلوچ بسیار قوی و قابل فهم است، چونکه خوانندگان را با این موقعیت ها خوبی آشنا می کند و شخصیت ها و فضاها را در ذهن خود شان تجسم کنند.

^{۲۴۵} ساسانی، بهناز، نقد و بررسی عناصر داستانی جای خالی سلوچ محمود دولت آبادی، پرنیان سخن، ص، ۲۳۹۷-۲۳۹۷

تحلیل و بررسی رمان جای خالی سلوچ

رمان جای خالی سلوچ یکی از واقع‌گراترین رمان‌های معاصر فارسی است. محمود دولت‌آبادی بعد از آزادی زندان ساواک نوشته است. دولت‌آبادی وقتی که در زندان بود، داستان رمان جای خالی سلوچ را در ذهن پرورانده بود. داستانی این رمان مربوط به زندگی روزمره‌های مردم روستا را توضیح می‌دهد. جای خالی سلوچ رمان رئالیستی و واقع‌گرایانه است. می‌توانیم بگوییم که همه چیز را به شکلی حقیقی، زندگی روزانه که مردم سبزوار داشتند، آن را برای خوانندگان تصویر کشیده است. دولت‌آبادی چهره واقعی زشتی و پلیدی زندگی و شرح دادن و رویدادهای زندگی اشخاص و تاثیرات منفی انقلاب سفید و اصلاحات ارضی را با خوبی تذکر داده است.

"فروختن زمین‌های روستا و کوچ به شهرها، بیکاری و نداری، درگیری عباس با ستر بهار مست و دیوانه شدن او، وضع مجیع مناسبات زناشوی و در نهایت تجاوز به مرگان توسط سردار(یکی از اهالی روستا)، مهم‌ترین حوادث داستان اند که عمل داستانی را به نقطه اوج می‌کشاند و در نهایت، داستان با فردی دلنشین و نمادین به پایان می‌رسد. فقر و بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق زنان، و فریب به روستایان با طرح اصلاحات ارضی مضامین اصلی این رمان به شمار می‌آیند."^{۲۴۶}

^{۲۴۶} میلادی شمعی و مینو بیطرفان، ادب پژوهش شماره چهارم، زمستان، ۱۳۸۹ش، ص، ۷۰

محمود دولت آبادی وضعیت های قفری و تنگدستی، گرسنگی و تجاوز و غیر انسانی بودن در جامعه ایران را با طنزی تلخ تر و زبان جاندار و سبک جدید نوشته است که گرایش جدید در زمینه رمان نویسی فارسی را نشان می دهد.

سبک و زبان رمان جای خالی سلوچ قابل توجه است. مسایل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی روستا های ایران که بیان کرده است، قابل فهم و ساده و سلیس دیده می شود و سبکی که دولت آبادی در این رمان بکار برده است، خیلی ریالیسی و نزدیک به بشری و مسایل آن را روشن می کند.

"داستان سلوچ از لحاظ هدف و نیتی که مورد نظر نویسنده بوده، داستانی ریالیستی است، اگر چه در بخش هایی از داستان جنبه های سمبولیسم، ناتورالیسم، سورئالیسم و پست مدرنیسم دیده می شود. در عین حال همه عناصر در ارتباط با تکوین داستان هستند. همچنین برداشت دولت آبادی از ریالیسم، برداشتی خاص و منحصر به فرد و متفاوت از دیگران است. نویسنده ریالیست، زندگی را عموماً و حوادث و صفات بشری را خصوصاً به مشابه سیر تکاملی در نظر می گیرد، نه به منزله سلسله ای از پدیده ای مجزا که با یکدیگر و شرایط تاریخی ارتباط ندارد، در چشم او تضاد و همبستگی، عامل سازند حیات اجتماعی است. به نظر می رسد دولت آبادی چنین برداشتی از ریالیسم داشته باشد وی در جایی عنوان می کند.^{۲۴۷}

^{۲۴۷} اصفهانی، محمد رضا نصر و شمعی، میلادی، سبک شناسی رمان جای خالی سلوچ اثر محمود دولت آبادی، فصلنامه علمی، پژوهش زبان و ادبیات

فارسی، ۱۳۷۷ش، ص، ۱۹۰

شخصیت های این رمان که در فوق ذکر کرده ام، مرگان زنی است که برای خانواده خود چقدر زحمت ها و سخت های مختلف را رو به رو کرده است. در این داستان ما می بینیم که در حال مشکلات و زنده ماندن خانواده، پسرش، مرگان را کمک نمی کرد. کردار عباس تقریباً منفی داستان است که در دوره مشکلات با مادر خود نبود. او همیشه به جای کمک خانواده با دزدی و قماربازی مشغول می شود. این یکی از ویژگی های داستان است که رمان دولت آبادی را جداگانه می کند و مورد پسند قرار می دهد.

ویژگی های زبان این رمان، زبان نویسنده منحصر به فرد است. محمود دولت آبادی زبانی خاصی بکار برده است. او زبان قدیم خراسان و زبان امروزی را به خوبی آمیخته است. ما می توانیم نمونه نثر وی را در رمان سلوک و جای خالی سلوچ و کلیدر ببینیم که این ویژگی ها را نشان می دهد.

"مثلاً نمی توان گفت نثر او باستانگرا یا توصیفی یا لهجه ای است. در واقع، او با به کار گرفتن گونه ای و ساخت های مختلف زبان ادبی از جمله کهنگی های صرفی و نحو و آمیختگی آن با زبان داستان نویسی امروز، استفاده از لغت خاص و بهره گیری از امکانات کویشی منطقه خراسان و در نهایت تاثیرپذیری از زبان شعر گذشته و نیز زبان خراسان قدیم، به ویژه نثر ساده عصر سامانی، این نثر ابداعی را پدید آورده است."^{۲۴۸}

محمود دولت آبادی واقعیت های سیاه زمانه خود را بیان می کند و منظره های زندگی مردم روستا که مجبوراً مهاجرت می کنند. رفرم اقتصادی شاه به ویژه اصلاحات ارضی که کشاورزان سبزواری زمین و فقیر شوند و علاوه بر این ویژگی های مهمی دارند. مثلاً دفاع

^{۲۴۸} همان، ص، ۱۹۱

از حقوق انسانیت و زنان، دفاع از سرزمین، سنت و تجدد، حمایت از مردم رنج کشیده و ستمدید و فقر و مبارزه برای زندگی اند که برای فهمیدن آن زمان و تاریخ خیلی کمک کننده است.^{۲۴۹}

رمان جای خالی سلوچ و گرپس آف ریت یا خوشه های خشم تصویر های جامعه هر دو کشور و مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تغییرات و تحولات وضعیت های کشاورزان و فقر و تنگدستی و بی عدالتی آن زمان را به خوبی نشان می شود. بعد از خواندن این رمان ها، می یابیم که بیشتر شباهت ها و وضعیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه هر دو کشور بسیار نزدیک دیده می شود. انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در ایران، از چشم محمود دولت آبادی پنهان نمانده است. او در رمان جای خالی سلوچ تصویری واقع گرایانه و حقیقت زندگی مردم ایران و تحولات جامعه ایران و کارهای دولت را ارایه نموده است. همچنین رمان خوشه های خشم اوضاع اقتصادی و سیاسی و دوره رکود بزرگ آمریکا و تاثیرات بر جامعه آمریکا بالخصوص زندگی مردم روستای آمریکا و تصویر حقیقت دولت آن زمان، توسط جان استاین بک به خوبی ارایه داده شده است. من اینجا تشابهات رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم در زمینه مختلف می پردازم.

^{۲۴۹} همان، ص، ۲۰۲

شباهت های مضمونی و درونمایه رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم

شباهت بین رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم بسیار دیده می شود. مضمون و درونمایه هر رمان بیشتر نزدیک است. شخصیت ها و شخصیت پردازی در این دو اثر و هم شباهت های دیگر، از لحاظه سمبل ها و ریالیستی هر دو رمان مشترک زیادی دیده می شود. مضمون و درونمایه دو رمان محمود و استاین بک بسیار مشترک است که آن را موتیف^{۲۵۰} گفته می شود. "موتیف را می توان اینگونه تعریف کرد: ساختارهایی که مرتب در حال تکرار هستند. این ساختار های درونمایه ای می نواند تضاد یا یک صنعت ادبی باشد که درونمایه های اصلی اثر را شکل می دهد."^{۲۵۱}

موتیف ها یا درونمایه های هر دو رمان تغییر سنتی سر پرستی و رهبری ارگان یکسان و مشترک است. ما می بینیم که در بیشتر جوامع بشری سرپرستی خانواده به دست مردان می شود و پدر خانواده یا پسر بزرگتر یا عموی کار تصمیم گیری را انجام می دهند. زنان در این جوامع تحت تاثیر مردان و پایینی تصمیم های مردان می شوند و دستور های آنان را دنبال می کنند. هر دو رمان دولت آبادی و استاین بک تغییر این سنتی و روش زندگی خانواده کشاورزی را آشکار می کند. "گرامپا، شخصیت پدر در این رمان، کسی است که تصمیمات خانواده را اتخاذ می کند و حتی در قسمتی از داستان که شکست روحی و روانی گرامپا برای دیگر اعضای خانواده مشهود است او هنوز به عنوان تصمیم گیرنده شناخته می شود. با آغاز مهاجرت دشوار خانواده جود، گرامپا متاثر از وضعیت نابسامان زندگی در

Motif^{۲۵۰}

^{۲۵۱} رضا ابراهیمی، سید، مقایسه تطبیقی شخصیت پردازی و درونمایه در دو رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم، فصلنامه تخصصی زبان و ادب

فارسی، شماره ۳، ۱۳۸۹ش، ص. ۳

هنگام سفر دپار یاس و نومیدی می شود و به تدریج نقش او برای هدایت خانواده رنگ می بازد و ماجود نقش سرپرستی و تصمیم گیری را برای خانواده می پذیرد. اگرچه در ابتدا گرامپا از این رویکرد غیر متعارف بهت زده است اما خود و دیگران به خوبی می دانند که او دیگر قادر به رهبری و سرپرستی آنها نیست. این رویکرد سنت شکن در رمان اشتاین بک بسیار قوی تر از رمان دولت آبادی تصویر می گردد چون این تحول و استحاله قدرت از مردان به زنان در حضور گرامپا و در شرایطی رخ می دهد که خود او هنوز در جمع خانواده حاضر است ولی در رمان دولت آبادی مرد خانواده، سلوچ حضور ندارد و مرگان در شرایطی قرار دارد که مجبور به قبول این نقش می شود.^{۲۵۲}

در خانواده تام جاد با حضور گرامپا، مادر جاد هم برای خانواده خود کار تصمیم گیری را انجام می دهد که این رویکرد تغییر سنتی سرپرستی آن زمان را نشان می دهد. همچنین در خانواده مرگان که پدر خانواده یعنی سلوچ غایب بود و مرگان این کار تصمیم گیری را به دست خود گرفته است اما پسران او به طور کله این را پیروی نمی کنند. در رمان اشتاین بک کردار مادر جاد خیلی قوی است که داستان رمان را رونق بخشیده است، او کار متحد خانواده خود نقش های مهمی را ایفا نموده است و همچنین مرگان زنی نیرومند است که از هیچ نمی ترسد و هر مشکلات را به خوبی اداره می کند و همه اعضای خانواده خود مثل مادر جاد نگه داری می کند. این شباهت های درونمایه هر دو رمان خیلی یکسان دیده می شود و اوضاع اجتماعی و وضعیت های سیاسی و اقتصادی آن زمان، مرد سلاری و پدر

^{۲۵۲} رضا ابراهیمی، سید، مقایسه تطبیقی شخصیت پردازی و درونمایه در دو رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم، فصلنامه تخصصی زبان و ادب

فارسی، شماره ۳، ۱۳۸۹ش، ص. ۴

شاهی در جامعه آن زمان را توضیح می دهد که برای فهمیدن وضعیت های زنان در جوامع بشری خیلی مهم است.

شبهات در شخصیت پردازی

در رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم شبهات شخصیت ها را می توان دید. بیشتر شخصیت های هر دو داستان یکسان دیده می شود، چند تفاوت ها نیز هستند اما نقش های شان خیلی مشابه هستند. شخصیت ماجود در رمان خوشه های خشم و شخصیت مرگان در رمان جای خالی سلوچ بسیار نزدیک و یکسان هستند. نقش و رهبری مرگان و ماجود برای خانواده خودشان تفاوت ندارد، هر دو برای خانواده خودشان زحمت بزرگی کشیده اند و هر دو شخصیت از حیث شخصیت اصلی داستان خوانده می شود. سفر خانواده تام جاد از اوکلاهما به کالیفرنیا خیلی طولانی بود و بیدون کمک ماجود ممکن نبود که خانواده اش به کالیفرنیا رسید، ماجود در میان سفر خانواده خود کار رهبری که معمولاً کار پدر بزرگ می شود، او نقش تصمیم گیری را هم انجام داده است که سنت سرپرستی مردان را هم شکسته است. همچنین در رمان جای خالی سلوچ شخصیت مرگان است. اگرچه سلوچ خانواده خود را ترک کرده است و اداره کردن خانواده سلوچ برای مرگان خیلی دشوار است اما مرگان نقش رهبری را به خوبی انجام داده است و فرزندان را هم نگه داری می کند. سفر زندگی برای زنده ماندن خانواده مرگان هم آسان نبود ولی همه دشواری را با دلاوری انجام می دهد.

شخصیت خانواده پدر تام جود در رمان خوشه های خشم بسیار مشابه به شخصیت سلوچ رمان جای خالی سلوچ است. اگرچه سلوچ شخصیت اصلی است که پنهان می شود و خانواده را ترک کرده است ولی پا جود در داستان حاضر می شود. اینجا می توان گفت که شباهت دیده نمی شود اما نقش های هر دو شخصیت خیلی مشابه است، چونکه سلوچ از شرمساری و شرمندگی خانه را رها می کند. سبب اصلی ترک کردن خانواده سلوچ فقر مالی است. همچنین شکست روحی پا جود هم در رمان استاین بک سختی های خانواده را نمی تواند ببیند و خودش را درون افکار غرق می شود و مانند سلوچ گوشه نشینی را اختیار می کند. این رفتار سلوچ و پا جود نقش های یکسان و مشابه را نشان می دهد. مادر هر دو خانواده، مرگان و ماجود بعد از آن نقش های سرپرستی و هدایت خانواده شان را بر عهده می گیرند و کار رهبری خانواده را انجام می دهند.

"هر در رمان نویس در اثر های خود سعی کرده اند با شکستن و کم رنگ تر کردن نقش پدر خانواده در رمان به شخصیت های اصلی رمان اجازه بدهند که خود را بیابند و قدرت پیدا کنند. شکست پا جود در رمان خوشه های خشم باعث شود تام، ماجود و حتی رزاف شارون دختر خانواده شخصیت قوی تر پیدا کنند. هرچه شخصیت دیگر افراد خانواده در رمان خوشه های خشم قوی تر می شود از نقش پدر خانواده کاسته شده و نهایتاً به حذف معنوی و روحی و فلج شدن نقش او در داستان منتهی می شود. این اتفاق در رمان دولت آبادی در توالی زمانی متفاوت تری از رمان خوشه های خشم رخ می دهد. اگر ضعیف شدن نقش پا جود و قدرت گرفتن نقش دیگر افراد در اواسط داستان رخ می دهد، این اتفاق

در جای خالی سلوچ از همان ابتدا رخ می دهد یعنی رفتن سلوچ حذف فیزیکی و تا حدی معنوی او را در داستان به دنبال دارد و با حذف او از داستان است که دیگر اعضا خانواده سعی در قدرت گرفتن دارند.^{۲۵۳}

شخصیت هاجر در رمان جای خالی سلوچ و رزاشارن دختر خانواده تام در رمان خوشه های خشم بسیار نزدیک و یکسان دیده می شود. چند تفاوت بین دو شخصیت نیز هست ولی نقش های هر دو شخصیت خیلی مشابه دیده می شود. ظلم و ستم و بیداد و خشونت و بی وفایی که هر دو شخصیت تحمل کرده اند، در این داستان بیان شده است که بسیار شباهت ها را نشان می دهند. شخصیت هر دو داستان وضعیت های اجتماعی زنان در جامعه آن زمان را هم نشان می دهد که ارزش و اهمیت تاریخی این رمان ها را مشاهده می کند. صحنه های برادران هر دو رمان برای دختر خانواده شان نیز خیلی مشابه هستند. هاجر و رزاشارن تبدیل عجیب و مرموز زندگی خودشان را می گذرانند.

"اشتاین بک شخصیت رز را در رمانش به صورت کلیشه ای خلق می کند، دولت آبادی نیز از هاجر نوعی شخصیت کلیشه ای و نمادین زنانه ارایه می کند که قربانی جبر روزگار است. هاجر نوجوانی کم سن و سال و نحیف که لباسهای عروسپوش به تنش گشاد است در ابتدای داستان مونس و شخصیت هم راز مادر است که ابتدای داستان فضایی لطیف و نرم به خانه سلوچ داده است. پس از رفتنش به خانه علی گناو از دختری معصوم و دوست داشتنی تبدیل به زنی مرموز و غریب می گردد. این تحول در شخصیت ها نیز بسیار کلیشه ای

^{۲۵۳} همان، ص، ۱۱-۱۲

انجام گرفته که نوعی نگرش خاص دولت آبادی را نسبت به زنان جامعه در خود دار است.^{۲۵۴}

شخصیت پسر مرگان، عباس و ابراو در رمان جای خالی سلوچ و شخصیت تام در رمان خوشه های خشم بسیار مشابه است. نقش های شان برای خانواده خیلی مشابه است. جان استاین بک شخصیت تام را خودخواهی و انسانی سرخورده و خشونت در جامعه توضیح می دهد. همچنین در رمان جای خالی سلوچ، دولت آبادی در ابتدای داستان این شباهت ها را برای عباس به تصویر می کشد. ابراو در ابتدای داستان به خدمت خانواده خود بوده، اما او برای منافع خود کار می کند. او به خاطر منافع خود با تراکتور به مادر و برادر خود حمله می کند. این کردار ابراو بر عکس کردار تام است. تام برای دفاع حقوق عامه مردم، از خانواده اش جدا می شود ولی ابراو برای منافع خود با خانواده خود زندگی می کند.

"یکی از انتقادی وارد شده بر شخصیت های رمان خوشه های خشم تک بعدی بودن شخصیت ها و ثابت ماندن شخصیت ها تا انتهای داستان است. این انتقاد بر رمان دولت آبادی نیز وارد است اگرچه شخصیت ها در این رمان در همان آغاز از لحاظ تفکر و نوع نگرش به زندگی خط مشی و ایدولوژی مشخصی ندارد. اصولاً نوع شخصیت های انتخاب شده از طرف دولت آبادی از میان طبقات پایین جامعه است که تحصیل کرده نیستند و

^{۲۵۴} همان، ص، ۱۴-۱۳

روزمرگی و فقر چنان عرصه زندگی را بر آنها تنگ کرده که فکر کردن معنایی در زندگی آنها ندارد"^{۲۵۵}

نماد های مشابه دو رمان

در داستان های هر دو رمان نماد گرا یا سمبلیسم می توان دید. در رمان جای خالی سلوچ مردن خر سلوچ و در رمان خوشه های خشم مردن سگ نمادهای مشابه را نشان می دهد. اگر چه ما می بینیم که محمود دولت آبادی و استاین بک هیچکدام از هنرمندان مکتب نمادگرا نیستند. اما هر دو رمان نمادهای با مضامین زندگی خانواده روستایی را توضیح می دهد. فضا و مفاهیم و زندگی روستایی در هر دو داستان این رمان نمادهای مشابه را نشان می دهند. حاملگی دو دختر خانواده هر دو رمان نماد مشترک را نیز به تصویر می کشد. نویسنده هر دو رمان شخصیت هاجر و رزاشارن از حیث سمبل در داستان بکار برده است.

رفتاری شخصیت های دو رمان

رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم رفتاری شخصیت ها بسیار مشابه دارند. شخصیت های اصلی دو رمان رفتاری مشترک را نشان می دهند. شخصیت مرگان و ماجود خیلی تاثیرگذار هستند و همه برای خانواده خودشان نقش رهبری را انجام داده اند و در کار نگه داری خانواده و متحد ساختن آنان جدی هستند، این رفتاری مشترک را می توان دید.

^{۲۵۵} همان، ص، ۱۲

"در رمان خوشه های خشم هنگام گذشتن خانواده از صحرا، گراما، مادر بزرگ تام، شخصیت اصلی رمان، می میرد و ماجود، مادر خانواده، تنها کسی است که از این موضوع آگاهی دارد ولی به خاطر حفظ روحیه باقی اعضا خانواده این موضوع را فاش نمی سازد بلکه به آرامی کنار او می نشیند و به گونه ای رفتار می کند که وی زنده است تا سفر و دشوار خانواده از صحرای خشک کالیفرنیا دچار وشکل نگردد. یکی از صحنه ها ماجود به تام هشدار می دهد که آرامش مادر بزرگ را برهم نزند تا او بتواند اندکی را آرامش استراحت نماید. دلیل رفتار گمراه کننده ماجود به این خاطر است که مرگ مادر بزرگ باعث تضعیف روحیه خانواده نگردد. این نمونه ای از رفتار هوشمندانه و با تدبیر ماجود به خاطر حفظ روحیه خانواده است که او را رهبری و سرپرستی شایسته معرفی می کند."^{۲۵۶}

همچنین در رمان جای خالی سلوچ رفتاری مرگان برای بقای زندگی خانواده و نقش رهبری و سرپرستی مانند مادر تام دیده می شود. علاوه بر این شخصیت های دیگر که دو داستان چون دو دختر داستان و برادران آنان هم رفتاری مشترک را نشان می دهد که قابل توجهی است.

شبهات های درونمایه ها دو رمان هم خیلی زیاد مشابه و قابل توجهی دارند که دولت آبادی و جان استاین بک در داستان بیان کرده اند. اگر ما سبک نگارش و موضوع و مضمون را می بینیم، شبهات ها را نیز می توان دید.

^{۲۵۶} همان، ص، ۵

اوضاع اجتماعی و سیاسی

وضعیت اجتماعی و سیاسی در دوره پهلوی به ویژه محمد رضا شاه پهلوی برای کشاورزان خیلی بد و دردناک دیده می شود. اصلاحات ارضی از اواسط دهه ۱۳۴۰ش تا اواسط دهه ۱۳۵۰ش در ایران اتفاق افتاد. در این دوره بیشتر کشاورزان زمین های خودشان مجبوراً ترک کردند و جای دیگر مهاجرت کردند. آن زمان در ایران اجتماعی فیودالی یا نظام ارباب و رعیتی بود. اصلاحات ارضی در دوره محمد رضا شاه پهلوی در ایران معرفی شده است. هدف حکومت محمد رضا شاه پهلوی ارتقای روستاییان بود اما هدف اصلی شاه بجای رشد اقتصادی، سیاسی بود و به همین سبب چند تناقضاتی نیز به وجود آمد و این سیاست زندگی کشاورزان را نابود کرد. این وضعیت اجتماعی چند عامل سیاسی از جمله پیروزی انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب مشروطه، بهبود کاپیتالیسم در غرب باعث انقلاب سفید شد که هدف اصلی شاه شکستن نظام فیودالی و تقسیم اراضی میان رعایا یا همان طبقه کارگر بود اما از طرف زمیندار های روستای این اصلاحات ارضی را قبول نشده است و استثمار دوباره به طبقه کارگر و کشاورزان آغاز شد و سرانجام کشاورزان برای جستجوی کار به شهرها مهاجرت می کردند. این وضعیت های دردناک که محمود دولت آبادی خود تجربه کرده است. او این تجربه را در نگارش رمان جای خالی سلوچ با قلمی واقع گرایانه به تصویر کشیده است که سیاسی اصلی اصلاحات ارضی و نتایج آن به خوبی بیان شده است.

"واقعیت این است که انجام اصلاحات ارضی اقدامی نبود که مخالفت صریح محافل داخلی و خصوصاً بین المللی را برانگیزد، بلکه برعکس، اقدامی بود کاملاً مقبول و ترقی خواهانه و این نکته ای بود که شاه بدان توجه کامل داشت. از سال ۱۹۵۰م، به بعد قطعنامه های

مکرری از جانب مجمع عمومی سازمان ملل، شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان، و سازمان خواربار و کشاورزی صادر شد، که هر کدام به نوعی، اصلاحات ارضی را در مسایل دهقانی توصیه می کردند. برای مثال، این سازمان در قطعنامه سپتامبر ۱۹۵۱م، خویش متذکر شده بود: یکی از موجبات ثبات سیاسی و امکان آزادی در درجه اول، بهبود وضع طبقه کشاورز و ارتقای سطح زندگی آنان است. لذا، به کلیه دول جهان توصیه می نماید که هر چه زودتر برای اصلاحات ارضی اقدام و به کشاورزانی که زمین ندارند متناسب باخورند خانواده های آنان، زمین داده شود. محافل رسانه ای و روشنفکری آمریکا و غرب نیز با دیده تحسین به اصلاحات ارضی شاه می نگرستند.^{۲۵۷}

از طرف دیگر اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آمریکا، با بحران به نام رکود بزرگ زندگی کشاورزان و طبقه کارگران آمریکا را تغییر کرده است. این وضعیت های هر دو کشور خیلی مشابه است که زندگی کشاورزان را تباه و برباد کرده است و موجب مهاجرت به شهرها شوند. رمان خوشه های خشم نتیجه تجربه بحران اقتصادی و تنگدستی و فقر و بی عدالتی کشاورزان جان استاین بک است که اوضاع سیاسی و اجتماعی را به تصویر می کشد. دوران دهه چهل میلادی در آمریکا سقوط بازار بورس موجب بجران مالی آمریکا شد که زمان رکود بزرگ اقتصادی آمریکا را نشان می دهد. آن زمان قیمت ها به شدت دچار افت و بیکاری زیاد و بالاترین میزان خود رسیده است. آن زمان در اوکلاهما خشکسالی بود و به این سبب همه کشاورزان به امید کار و زنده ماندن خودشان به شهرکالیفرنیا مهاجرت می کردند. این مهاجرین را اوکی گفته می شود. این صحنه ها بسیار نزدیک به ایران آن

^{۲۵۷} امامی خوبی، دکتر محمد تقی و ضیایی، نرگس، اصلاحات ارضی و تاثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران، مسکویه ص، ۱۱

زمان بود که اوضاع یکسان و مشترک هر دو کشور را توضیح می دهد. رمان جان استاین بک برای فهمیدن اوضاع سیاسی و اجتماعی آمریکا در دهه چهل میلادی خیلی کمک کننده است. منتقد آمریکای رابرت دموت در درباره این رمان نوشته است که "این رمان وارد ذهن خودآگاه و وجدان آمریکاییها شده است."^{۲۵۸}

^{۲۵۸} رضا ابراهیمی، سید، مقایسه تطبیقی شخصیت پردازی و درونمایه در دو رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم، فصلنامه تخصصی زبان و ادب فارسی، شماره ۳، ۱۳۸۹ش، ص. ۲-۳

نتیجه گیری

نتیجه گیری

محمود دولت آبادی در مرداد ماه ۱۳۱۹ه.ش/۱۹۴۰م در روستای دولب آباد سبزوار استان خراسان در خانواده ای روستایی و کشاورز متولد شد. او از واقع گراترین نویسندگان معاصر فارسی است. محمود دولت آبادی بعد از آزادی زندان ساواک این رمان را نوشته است. دولت آبادی وقتی که در زندان بود، داستان رمان جای خالی سلوچ را در ذهن پروراند. این رمان زندگی روزمره های مردم روستا را توضیح می دهد. جای خالی سلوچ رمان ریالیستی و واقع گرایانه است. او همه چیز را به شکلی حقیقی، زندگی روزانه که مردم سبزوار داشتند، آن را برای خوانندگان آورده است. دولت آبادی چهره واقعی زشتی و پلیدی زندگی و شرح دادن و رویدادهای زندگی اشخاص و تاثیرات منفی انقلاب سفید و اصلاحات ارضی را به خوبی تذکر داده است.

محمود دولت آبادی در زمینه ادبیات و فرهنگ و تمدن کارهای مهمی را انجام داده است که این اثر وی ناقابل فراموش است.

همین طور جان استاین بک که از نویسندگان برجسته و اندیشمندان آمریکایی معاصر است که در زمینه رمان نویسی کارهای فراموش ناشدنی انجام داده است. او نویسنده ریالیستی است و ریالیسم سبکی دارد. وی در سال ۱۹۰۲ در سالیانس کالیفرنیا (آمریکا) متولد شد.

گرایش های رمان نویسی فارسی، زمان تاسیس دارالفنون و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تحولات فکری و ادبی و اثر ایدیولوژی اروپای و موضوع و محتوا و سبک نگارش ادبیات

داستانی (رمان و داستان کوتاه) و فرمهای گوناگون به صورت انواعی تازه و شکل خاص می گیرد، آن را به خوانندگان آشکار می کند.

ابتدای سده چهاردهم شمسی گرایش سکولار و مفاهیم جدیدی درباره هویت، تاریخ و مدرنیت در ادبیات فارسی وارد شد و از این رو ادبیات جدید ایران، فرهنگ ادبی فارسی را متأثر کرد. مثلاً در زمان قدیم فرمی که در ادبیات فارسی وجود داشت، داستانها در قالب شعر سروده می شدند. اما در قرن بیستم میلادی وقتی که روشنفکران ایران با گرایش های ادبی اروپا آشنا شدند، قالب های جدید را پذیرفتند و نثر چون رمان، داستان کوتاه، داستان بلند و نمایشنامه را مورد توجه قرار گرفتند.

بعد از مطالعه تطبیقی رمان جای خالی سلوچ و گریس آف ریت یا خوشه های خشم به این نتیجه رسیدم که از حیث درونمایه و مضمونی، محتوایی و ساختاری چون موضوع، سبک، شخصیت پردازی، رفتاری و نمادی هر دو رمان به یکدیگر شباهت دارند ولی در زمینه عواملی که موجب تلاش ها و دشواری های مردمان روستایی و اوضاع فرهنگی و تمدن و تاریخی و اجتماعی میان دو کشور یک کمی تفاوت دارند. اما با وجود این، بیشتر مسایل هر دو داستان شباهت دارند. شخصیت های اصلی و فرعی دو رمان شباهت ها و تفاوت ها با هم دیده می شوند. اما کوشش جان استاین بک و دولت آبادی این است که در هر دو رمان طبقه پایین جامعه و مسایل آنان، حقیقت تلخ آن زمان را بیان کنند.

نکته قابل توجه هر دو رمان این است که در جامعه رمان جای خالی سلوچ نظام فیودالی و رمان خوشه های خشم سرمایه داری است اما هر دو جامعه این نا عدالتی و نظام طبقاتی

عامل ایجاد فقر و نابسامانی را توضیح می دهد و یکی از تغییرات سنتی در جامعه هر دو داستان نیز بیان شده است که خیلی جالب و قابل توجه است. مرد سلاری در جامعه بسیار مشابه است ولی نقش رهبری که پدر خانواده انجام می دهد، در دو رمان، این به دست مادر بود که تغییر سنتی زندگی زنان و اجتماعی آن زمان را نشان می دهد.

رمان جای خالی سلوچ و خوشه های خشم تصویر های جامعه هر دو کشور و مسایل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تغییرات و تحولات وضعیت های کشاورزان و فقر و تنگدستی و بی عدالتی آن زمان را به خوبی نشان می دهد. بعد از خواندن این رمان ها، می یابیم که بیشتر شباهت ها و وضعیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه هر دو کشور بسیار نزدیک دیده می شود. انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در ایران، از چشم محمود دولت آبادی پنهان نمانده است. او در رمان جای خالی سلوچ تصویری واقع گرایانه و حقیقت زندگی مردم ایران و تحولات جامعه ایران و کارهای دولت را ارائه نموده است. همچنین در رمان خوشه های خشم اوضاع اقتصادی و سیاسی و دوره رکود بزرگ آمریکا و تاثیرات بر جامعه آمریکا بالخصوص زندگی مردم روستای آمریکا و تصویر حقیقت دولت آن زمان، با خوبی ارائه داده شده است.

منابع و مأخذ

منابع و مأخذ

اسحاقیان، جواد: کلیدر، رمان حماسه و عشق، نشر گل، تهران، ۱۳۸۲ش

اسدالهی، علی اکبر، مراحل سه گانه اصلاحات ارضی، مدیریت امور اراضی قزوین،

بهمن، ۱۳۸۴ش

آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، جلد دوم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۲ش

آزند، یعقوب: ادبیات نوین ایران، عامر کبیر، تهران، ۱۹۸۳م

آسمند جونقانی، علی: ادبیات تطبیقی، کتاب ماه ادبیات، ۱۳۷۷ش

آشوری، داریوش، ما و مدرنیت، نشر صراط، تهران، ۱۳۷۶ش

پوینده، محمد جعفر: در آمدی بر جامعه شناسی ادبیات، آدرنو، گزیده و ترجمه،

انتشارات نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹ش

پهلوان، چنگیز: فرهنگ شناسی، تهران، ۱۳۷۲ش

پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی - گفتارهایی در زمینه ای فرهنگ و تمدن، نشر قطره،

تهران، ۱۳۸۲ش

حسین، امیر: ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو با محمود دولت آبادی)، چشمه، تهران،

۱۳۹۳ش

حقوقی، محمود: ادبیات امروز ایران، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷ش

دستغیب، عبد علی: نقد آثار محمود دولت آبادی، نشر ایما، ۱۳۸۷ش

دستغیب، عبدالعلی، به سوی داستان نویسی بومی، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۶ش

دستغیب، عبدالعلی، نقد آثار و اندیشه های داستان نویسان غرب، پیام امروز، تهران،

۱۳۷۷ش

دولت آبادی، محمود: ادبار و آینه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴ش

دولت آبادی، محمود: از خم چمبر، انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵۶ش

دولت آبادی، محمود: آوسنه با با سبحان، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۴۷ش

دولت آبادی، محمود: با شبیرو، انتشارات تصویر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۲ش

دولت آبادی، محمود: جای خالی سلوچ، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸ش

دولت آبادی، محمود: جای خالی سلوچ، چاپ پنجم، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۲ش

دولت آبادی، محمود: روزگار سپری شده مردم سالخورده، نشر چشمه، تهران،

۱۳۸۲ش

دولت آبادی، محمود: سفر، انتشارات ستاره، تهران، ۱۳۵۱ش

دولت آبادی، محمود: عقیل عقیل، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۳ش

دولت آبادی، محمود: قطره محال اندیش، چشمه، تهران، ۱۳۹۳ش

دولت آبادی، محمود: کلیدر، انتشارات نشر پارسی، ج اول، چاپ دهم، تهران، ۱۳۳ش

دولت آبادی، محمود: گاواریان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳ش

دولت آبادی، محمود: گلدسته و سایه ها، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ش

دولت آبادی، محمود: لایه های بیا بانی، انتشارات پیوند، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۷ش

دولت آبادی، محمود: هجرت سلیمان و مرد، انتشارات ستاره، تهران، ۱۳۵۱ش

سلیمانی، محسن: رمان چیست، انتشارات پرگ، تهران، ۱۳۶۶ش

سلیمانی، محسن: تاملی دیگر در باب داستان، مرکز آفرینش های ادبی، ۱۳۷۸ش

سید حسینی، رضا: مکتبهای ادبی، ج، اول، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۷ش

سید حسینی، رضا: مکتبهای ادبی، ج، دوم، موسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۷ش

الشکری، دکتر فدوی: واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران، انتشارات نگاه،

تهران، ۱۳۸۶ش

صادقی، جمالی: عناصر داستان، آموزش ادبیات داستانی، انتشارات سخن، تهران،

۱۳۷۹ش

صبور، داریوش، از کاروان حله: دیداری با نثر معاصر فارسی، نشر سخن، تهران،

۱۳۸۶ش

صلاح الدین: آغاز و پیشرفت رمان نویسی تاریخی به فارسی، اکیدمی ایکسیلنس،

دهلی، ۲۰۰۳م.

فدوی، شکری، واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر، موسسه انتشارات نگاه، چاپ

اول، تهران، ۱۳۸۶ش

فریاد، فریدون: ما نیز مردمی هستیم، گفت و گو با محمود دولت‌آبادی، نشر پارسی،

تهران، ۱۳۷۳ش

قاضی محمد: در نبردی مشکوک، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ش

قربانی، محمد رضا: نقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی، نشر آروین، تهران، ۱۳۷۳ش

قربانی، محمد رضا، نقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی، نشر آروین، چاپ اول،

تهران، ۱۳۷۳ش

کوندرا، میلان: هنر رمان، ترجمه پرویز همایون پور، قطره، تهران، ۱۳۸۲ش

گاف، ریچارد و دیگران، تاریخ بیستم، ترجمه خسرو غدیری، چاپ دوم، تهران،

۱۳۷۲ش

مددپور، محمد، خود آگاهی تاریخی، موسسه فرهنگ منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۷ش

مسکوب، شاهرخ و احمدی، عبدالرحیم، خوشه های خشم، موسسه چاپ انتشارات

امیر کبیر، ۱۳۴۳ش

معین، محمد: فرهنگ لغت، موسسه ای انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۲ش

معین، محمد، فرهنگ لغت، موسسه ای انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲ش

میر سپاسی، علی، روشنفکران ایران و مدرنیته، مرکز زبان شناسی اسلام و ایران، تهران،

۱۳۸۰ش

میر صادقی، جمال: جهان داستان ایران، نشر اشاره، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش

میر صادقی، جمال: قصه داستان کوتاه، رمان، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۰ش

میر عایدینی، حسن: صد سال داستان نویسی ایران، جلد-۱-۴، تهران، ۲۰۰۵م

میر عایدینی، حسن: هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی، جلد-۱، تهران، ۲۰۱۴م

یزدانجو، پیام: ادبیات پسامدرن، مرکز، تهران، ۱۳۸۱ش

مقالات و مجلات

اصفهانی، محمد رضا نصر و شمعی، میلادی، سبک شناسی رمان جای خالی سلوچ اثر

محمود دولت آبادی، فصلنامه علمی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۷ش

امامی خویی، دکتر محمد تقی و ضیایی، نرگس، اصلاحات ارضی و تاثیرات اقتصادی

آن بر جامعه کشاورزی ایران، مسکویه، ۱۳۸۳ش

پسندی، زیباوردی، بررسی شخصیت در رمان جای خالی سلوچ، ماهنامه پژوهش ملل،

شماره ۲۳، ۱۳۹۶ش

نجسته، فرامرز، پیدایش و تکوین رمان فارسی، تاریخ ادبیات فارسی، شماره ۵۹/۳،

۱۳۸۶ش

در آملی بر ادبیات آمریکا، از مجموعه آوا، دفتر برنامه های اطلاعات بین المللی

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

رضا ابراهیمی، سید، مقایسه تطبیقی شخصیت پردازی و درونمایه در دو رمان جای
خالی سلوچ و خوشه های خشم، فصلنامه تخصصی زبان و ادب فارسی، شماره ۳،
۱۳۸۹ش

ساسانی، بهناز، نقد و بررسی عناصر داستانی جای خالی سلوچ محمود دولت آبادی،
پرنیان سخن، ص، ۲۳۹۷-۲۳۹۷

شاکری، عبدالرسول و علی عباس، تاثیر تصویر های نمادین بر پیرنگ رمان جای خالی
سلوچ، پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۵۹، ۱۳۸۹ش

شمعی، میلادی و مینو بی طرفان، تحلیل تطبیقی جای خالی سلوچ دولت آبادی با رمان
مادر پرل باک، ادب پژوهی، شماره ۱۴، ۱۳۸۹ش

شیری، قهرمان، دلالت های ضمنی در جای خالی سلوچ و کلیدر، مجله دانشکده
ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۷ش

صادقی، سودابه و میثم زارع، بررسی ورود مدرنیته در رمان نفرین زمین و خوشه های
خشم، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال یازدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۶ش

مجله عاشقانه، شماره ۴۰۰، ۲۰۱۸ م.

معدن دار آرانی، دکتر عباس، مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش: کارسب روشهای

جدید تحقیق، فصلنامه خانواده و پرورش، شماره ۱۳۹۵، ۱۳۹۵ش

مهدوی، فهیمه و مهناز اسفندیاری، بررسی شخصیت مرگان در رمان جای خالی سلوچ

با روش کار برد شناسی شناختی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۷۵، ۱۳۹۵ش

میلاذ شمعی و مینو بیطرفان، ادب پژوهش، شماره چهاردهم، ۱۳۸۹ش

میلاذی شمعی و مینو بیطرفان، ادب پژوهشی، شماره چهاردهم، زمستان، ۱۳۷۹ش

نظری منظم، دکتر هادی، ادبیات تیبیقی: تعریف و زمینه های پژوهش، نشریه ادبیات

تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۸۹ش

نواب پور، رضا، در جست و جوی هویت گمشده (نقد کتاب جای خالی سلوچ)،

ترجمه محمد افتخار، کلک، شماره ۱۱۰ و ۱۲، ۱۳۶۹ش

واضی، صبا و حسن ذوالفقاری، خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت آبادی، زن در

توسعه و سیاست، شماره ۲۴، ۱۳۸۸ش

منابع انگلیسی

A. Beers, Henry, Brief History of English and American Literature, New York, 1897

Albert, C. Baugh and Thomas Cable, A History of the English Language, Fifth Edition, Pearson Education, London, 2002

Benson, Jackson J, The Adventures of John Steinbeck: A Biography, Viking Press, New York, 1984

Ditsky, John, John Steinbeck, Life, Work and Criticism, New York Press, 1985

Fontenrose, Joseph, John Steinbeck: An Introduction and Interpretation, New York, 1964

Fontenrose, Joseph, The Social Novel At The End Of An Era, Illinois University Press, 1966

French, Warren G, A Companion To The Grapes of Wrath, Viking Press, New York, 1963

Lisca, Peter, John Steinbeck, Nature And Myth, Crowell, New York, 1978

Marks, Lester Jay, Thematic Design In the Novels Of John Steinbeck, Studies in American Literature-Vol-11, Mauton, 1969

Moore, Harry T. The Novels of John Steinbeck, A first Critical Study, Normandie House, Chicago, 1939

Owens, Louis, John Steinbeck's Re-Vision of America, University of Georgia Press, Athens, 1985

Rickett, Compyon, A History of English Literature, London, 1923

Satyanarayana, Madhugiri R, John Steinbeck, Study of The Theme of Compassion, Hyderabad, 1977

Simmonds, Roy, John Steinbeck, The War Year 1939-1945, Bucknell University Press, Lewisburg, 1996

Sreenivasan, k., John Steinbeck, A Study of His Novels, Book House, Trivandrum, India, 1980

St. Pierre, Brian, John Steinbeck, The California Years, Chronicle Books, San Francisco, 1983

Steinbeck, John, America and American, Heinemann, London, 1966

Steinbeck, John, Cup of Gold, Penguin Classics, London, 2000

Steinbeck, John, East of Eden, A Mandarin Paperback, London, 1995

Steinbeck, John, In Dubious Battle, Penguin Classics, London, 2000

Steinbeck, John, Of Mice and Men, Bantam Books, Toronto, 1937

Steinbeck, John, The Forgotten Village, Viking Press, New York, 1941

Steinbeck, John, The Grapes of Wrath, Penguin Classics, London, 2000

Steinbeck, John, The Long Valley, A Mandarin Paperback, London, 1990

Steinbeck, John, The Pastures of Heaven, Penguin Classics, London, 2000

Steinbeck, John, To a God Unknown, Pan Books, London, 1975

*Steinbeck, John, Tortilla Flat, Penguin Books Ltd,
Harmondsworth, 1977*

*Steinbeck, John, Working Days, The Journals of the
Grapes of Wrath, Viking Press, New York, 1989*

A Comparative Study of Ja-ye Khali-ye-Soluch and Grapes of Wrath

(Motala-e-Tatbiqi Ja-ye Khali-ye-Saluch wa Grapes of Wrath)

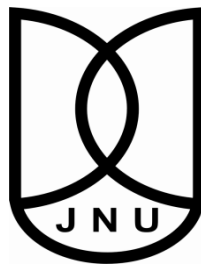
THESIS

Submitted to Jawaharlal Nehru University in partial fulfilment of the
requirements for the award of the Degree of

DOCTOR OF PHILOSOPHY

Submitted by
Sushil Kumar

Under the Supervision of
Prof. Sk. Ishtiaque Ahmed



**CENTRE FOR PERSIAN AND CENTRAL ASIAN STUDIES
SCHOOL OF LANGUAGE, LITERATURE & CULTURE STUDIES
JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY
NEW DELHI – 110067
2021**